

نقش و هنر



بنده درگاه محمود ۱۳۵۵

دانش روزگار که هر آید پدید

شماره پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم

فَتَاوَى مَرْوَه



بندۀ درگاه محمود ۱۱۸۵

بشر برتر از گوهر آمد پدید

شماره پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم



عمارت شمس العماره
كار محمودخان ملك الشعراى صبا
سنه ۱۲۸۵ هجرى

www.KetabFarsi.com

بهر و مردم

از اشعار وزارت فرهنگ و هنر

خردادماه و تیرماه ۱۳۴۶

دوره جدید - شماره پنجاه و ششم و پنجاه و هفتم

در این شماره :

۲	نگاهی به آثار موجود نقاشی قدیم ایران
۸	مثنوی « اسرار خودی »
۱۱	بررسی نمایشگاهی از مفرغهای لرستان در موزه «لوور»
۱۸	نکاتی چند درباره مسئله شهرسازی
۲۴	ایران در آئینه جهان
۳۰	قالی‌های قدیم ایران
۳۶	تاریخچه کتاب و کتابخانه در ایران
۵۰	عقاید خرافی و آثار شوم آن
۵۵	زورخانه
۶۳	فرهنگ و دانشنیهای علمی و عملی برای نگاهداری و ترمیم آثار هنری
۶۷	عکاسی
۷۱	ما و خوانندگان

مدیر : دکتر ا. خدابنده‌لو
سر دبیر : عنایت‌الله خجسته
طرح و تنظیم از صادق بریرانی

نشریه اداره کل روابط فرهنگی

نشانی : خیابان حقوقی شماره ۱۸۴ تلفن ۷۱۰۵۷ و ۷۳۰۷۳

نگاهی به آثار موجود نقاشی قدیم ایران

از دکتر عیسی بهنام

ایام گرم تابستان در کنار حوضخانه‌هایی که در نتیجه جریان آب در حوضهای کاشی هوای مطبوع بوجود می‌آوردند و روی مخده‌هایی که از زریها و مخملهای اصفهان ویزد و کاشان ساخته شده بود تکیه میدادند و شاهنامه‌ها و خمسه‌های نظامی و کلیله و دمنده‌هایی را که بدست خوشنویسان مشهور نوشته شده بود و صفحاتش بوسیله معروفترین نقاشان، مصور شده بود با عشق و شغف و ایمان مقدسی در دست گرفته صفحات آنها را دور از روشناییهای شدید ورق می‌زدند و اشعار آن را میخواندند و از دیدن رنگهای شفاف نقاشیها لذت می‌بردند. روحشان تقویت میشد و چشمشان روشن میگشت. امروز مردم به تماشای فیلم سینما میروند و در کنسرتها حضور مییابند. لذت مطالعه آن کتب در آن حوضخانه‌ها و هوای لطیف و خنک و پرسیاهی کاخهای زیبایی که شباهت به مساجد داشت و داخل و خارج آن از کاشیهای رنگین پوشیده شده بود، از شنیدن يك قطعه موسیقی یا دیدن يك شاهکار بهزاد و رضا عباسی کمتر نبود. می‌گویند شاه عباس خود شمع بنامت گرفتند تا نقاش مورد توجه وی رضا عباسی کار نقاشی صفحه‌ای را تمام کند و باز شنیده شده است که آن سلطان با قدرت دست میرعماد خوشنویس معروف را بوسیده است. این صفحات نمی‌توانند در معرض تماشای عموم قرار گیرند زیرا آفتاب رنگ آنها را می‌برد و شفافیت اصلی خود را از دست میدهند. تنها راه نشان دادن آنها این است که از یسرفرت هنر عکسبرداری استفاده شود و عکسهای بسیار خوب از آن تهیه گردد و به مردم نشان داده شود. انشاء الله روزی این کار خواهد شد.

اینک تا چنین روز برسند ما میتوانیم تا آن اندازه که مقدور

در میان هنرهای ایران در دوره اسلامی، نقاشی ایران کمتر از همد مورد مطالعه خارجیان قرار گرفته است. در میان هم‌میهنان ما، تا کنون کسی کتاب جامعی که نقاشی قدیم ایران را به صورت مجزی و مستقل و مشروح نشان دهد به چاپ نرسانیده است. بالاخره روزی باید این کار انجام گیرد. امروز مطالعه نقاشی ایران برای آنهایی که علاقمند به این کار باشند کار آسانی نیست. علت اصلی، مشکل بودن تهیه و چاپ کتاب راجع به نقاشی قدیم ایران و موجود نبودن اصل این نقاشیها در ایران است. در واقع تقریباً از یکصد سال پیش تمام کتب مصور ایران از کشور ما خارج شده و بموزه‌های مختلف امریکا و اروپا و آفریقا و نزد مجموعه‌داران ملل مختلف فرستاده شده است. تنها در کتابخانه سلطنتی گلستان چند کتاب مصور از عهد تیموریان و تعدادی آلبوم صفحات نقاشی یا مرقع موجود است که خوشبختانه نیمی از آن جزو بزرگترین شاهکارهای هنر نقاشی ایران است. علاقمندان هنر نقاشی قدیم از این امر بسیار خوشوقتند ولی بسیاری از آنها هنوز هیچ يك از این صفحات نقاشی را بچشم ندیده‌اند.

اگر علاقمندان به هنر نقاشی، نمیتوانند این صفحات مصور را بچشم ببینند تقصیری از کتابخانه سلطنتی گلستان نیست، زیرا این صفحات مصور برای این ساخته نشده‌اند که هر کس بتواند آنها را ببیند. آنها برای امرا و سلاطینی مانند شاه رخ و بایسنقر و شاه طهماسب و شاه عباس ساخته شده بودند که نه تنها عشق بی‌پایانی به این هنر داشتند بلکه خود آنها نیز از فرط علاقه به نقاشی نزد استادان هنر، مشق میگرفتند و بزرگترین لذت برای آنها دیدن این صفحات بود.

که راه دوشه روزه پیش کرد تا الحقیق ابد تا نخورد و باز هساک کوش بزرگ یکبار ز نو ببرد و بنه خاید
 و اگر ساز شود کی بخورد نیک بود و چون غمی خورد از بزم و مایند و دوشش مانند طلب بعد کند و خورد



تا از این برون آید و الا سب اندرون شیر خله بالایت اندرون شکامند دوا فرمش و از خوردن سبید
 و مؤمن تر سید و کاروانی که در دوزخ خوردن سبید باشد بر شلک در بندد و از صبح جان نکر بزرگه اندود
 و با دشمنی بوزجه بو مشر حاست که با دشمنی شبه بریل و ترا و میش از ناله و با نکت سبید است

صفحه مصوری از منافع الحيوان ابن بختیشو

در مجلات به چاپ رسانید در سال ۱۹۲۹ کتابی تحت نام مینیاتور
 ایران در قرون ۱۲ تا ۱۷ منتشر نمود. در آلمان M. Ernest
 Kuehnel در سال ۱۹۳۹ و ۱۹۵۹ مطالعات عمیق خود را راجع
 به نقاشی ایران در ضمن چاپ کتب و مقالات متعدد عرضه نمود.
 آقای مجتبی مینوی در سال ۱۹۰۶ با همکاری M.A.J. Arberry
 و M.E. Blochet مجموعه Chester Beatty را در ۲ جلد
 در شهر دوبلن منتشر نمود. این کتب حاوی کلیاتی مربوط
 به نقاشی ایران بودند.
 قبل از جنگ اخیر M.I. Stchoukine نقاشی ایران در عهد
 خلفای عباسی و ایلخانیان را مطالعه نموده و در سال ۱۹۳۶
 کتابی در Bruges تحت همان عنوان بطبع رسانید.

است هنر نقاشی ایران را مطالعه کنیم. قبل از هر چیز کلمه
 مینیاتور را برای خارجیان بگذاریم و برای خود عبارت کوتاه
 نقاشی قدیم ایران را انتخاب کنیم.
 تعداد کتابهایی که به زبان فرانسه یا انگلیسی درباره نقاشی
 قدیم ایران تا این تاریخ نوشته شده چندان زیاد نیست.
 در سال ۱۹۱۲ M.F.R. Martin کتابی تحت عنوان
 مینیاتور و نقاشان ایران و هند و ترکیه در ۲ جلد در لندن
 به زبان انگلیسی چاپ کرد. در سال ۱۹۲۸ M.T.W. Arnold
 در آکسفورد کتابی تحت نام نقاشی در اسلام به چاپ رسانید.
 آقای آرمناک بیک ساکسیان در پاریس تحقیقات زیاد
 راجع به نقاشی ایران نمود و گذشته از مقالات متعددی که

درد و آزاره برآید و بزنی تاله کشو کند و ماده هم کس بخورد و تاست تالکی نلایند و عذر لاجه
 صا و بچ تال کشد فرجوز بر ما دما را نشتر هم کرده ماه گرداند و اگر استب محمد زمان بر آید از هر آنک



اب فرزندت دندان به چا نوزان در بیری شبیه شود الا دندان استب که سفید و روشن گردد
 او از منکاف او در باغ استب ز لب سر و بودن و عجب و آفرین می ماند تا با هم آید بر می
 باشد عفت نامت بر آنک تا اگر او را خداید بر فان بوی کرد محبت معقد باشد ز منوره او را با می

صفحه مصوری از منافع الحيوان ابن بختیشو

می باشد و در سال ۱۹۵۶ با همکاری M.A. Godard کتابی راجع به صفحات مصور موجود در کتابخانه سلطنتی چاپ کرد. بنابراین این بهترین کتاب راجع به هنر نقاشی قدیم ایران کتاب بازیل گری می باشد بزرگترین حسن این کتاب این است که ۸۰ صفحه نقاشی رنگین با چاپ بسیار خوب دارد.

کار مهم دیگری که آقای بازیل گری در این کتاب کرده و از عهده دیگران خارج است این است که يك یا چند نمونه از هر مجموعه نقاشی قدیم ایران را که در هر کتابخانه و یا موزه موجود بوده در کتاب خود نشان داده است و انجام این کار مسافرت مشارالیه را بتمام کشورهای که صفحات مصور نقاشی

M.R. Ettinghausen و آقای اقلو، و Basil Gray و Arnold و محمد مصطفی (در قاهره) و قاضی احمد و تعداد دیگری از نویسندگان خارجی نقاشی ایران را مطالعه کرده و کتابهایی راجع به آن بطبع رسانیده اند. تاکنون در حدود ۵۰ کتاب راجع به نقاشی ایران در عالم منتشر شده ولی امروز اگر کسی بخواهد نقاشی قدیم ایران را مطالعه کند در درجه اول به کتابهای Basil Gray خصوصاً کتاب اخیر او که تحت عنوان Persian Painting در ۱۹۶۱ در لندن منتشر شده و مقالات همان نویسنده در جلد دوم کتاب پوپ (۱۹۳۷) مراجعه می نماید. نویسنده مذکور رئیس قسمت شرقی بریتیش موزیوم



بالا: صفحه مصوری از جامع التواریخ رشیدالدین

پائین: صفحه مصوری از کلیله و دمنه کتابخانه دانشگاه استانبول - داستان مربوط بافسون و دزد



ایران در آن موجود است ایجاب نمود. تنها مسافرت به کشورهای مختلف برای این کار کفایت نمی کرده زیرا هر کس بهر کشوری مسافرت کند نخواهد توانست به آسانی از مجموعه های موزه ها یا کتابخانه ها عکسبرداری کند و فقط شخصیت برجسته بازیل گری این گره را گشود. از همدی آنها مهمتر عکسبرداری از این صفحات بود، زیرا آنطوری که ما خود در تهران دیدیم، فقط وسایل عکاسی بازیل گری، در دو جامه دان بزرگ جای گرفته بود و دوربینهای او از بهترین نوع موجود بود، و خصوصاً همراه خود عکاس بسیار ماهر داشت. با تمام این اوصاف، عجیب نیست که کتاب بازیل گری راجع به هنر نقاشی ایران، امروز در حد بالای تمام کتابهای هم نوع خود قرار گرفته باشد و حتی کتابی که یونسکو راجع به کتب مصور کتابخانه سلطنتی گلستان تهیه نموده از حیث چاپ نمی تواند با کتاب بازیل گری رقابت نماید.

از این کتاب به علت گرانی قیمت بیش از چند جلد وارد کشور ما نشده و بعید نیست که بسیاری از خوانندگان این مجله اطلاعی از وجود آن نداشته باشند.

اکنون که خلاصه ای از صورت کتبی را که راجع به هنر نقاشی قدیم ایران چاپ شده ارائه دادیم برای شروع در تحقیق



راست : صفحه مصوری از شاهنامه کتابخانه توپ قاپوسرای استانبول - داستان مربوط به سیمرخ زال را به کوه قاف میبرد چپ : صفحه مصوری از شاهنامه کتابخانه توپ قاپوسرای استانبول - داستان مربوط به دیدن کنیزکان رودابه ، زال را در کنار آب

راجع به این هنر، لازم است خلاصه‌ای از مجموع کتب مصوری را که بوسیله هنرمندان ایرانی ساخته و تهیه شده و امروز خارج از ایران است معرفی نماییم :

ممکن است خوانندگان، از خواندن نام کتابهای خطی که تا این تاریخ وارد موزه‌ها و مجموعه‌های خطی شده و صفحات آن مصور بوده‌اند خسته شوند، ولی سبک این مجله تحقیق است، ما سعی می‌کنیم لااقل خلاصه‌ای از کتابهای دستی مصور معروف ایران را در این صفحات از نظر بگذرانیم. ذکر نام این کتب برای روشن کردن تاریخ نقاشی ایران بسیار مفید است. زیرا تحقیق کنندگان هنر نقاشی ایران اگر بخواهند به راهنمای موزه‌های مختلف مراجعه کنند هر دقیقه به نام یکی از این

کتاب‌ها بخواهند خورد.

سبک عیار - نسخه‌ای از این کتاب با تصاویر متعدد موجود است (Bodleian Library). این صفحات مصور یکی از قدیمترین نمونه‌های نقاشی ایران است که تا امروز سالم مانده و اهمیت آن بیشتر از این نظر است که این نسخه قدیمی که هم‌زمان با اواخر دوره سلجوقی (نیمه اول قرن هفتم هجری) است تمام خصوصیات و سنتهای نقاشی ایران در عهد ساسانیان را دربردارد و نشان میدهد که نقاشی ایران در زمان سلجوقیان از بسن قدیم خود استفاده می‌کرده و برخلاف بعضی نویسندگان که عقیده دارند ابتدای تاریخ نقاشی ایران با اصطلاح درمکتب بغداد قرارداد صفحات مصور ایرانی نشان میدهد که در زمان

سلجوقیان هنرمندان ایرانی برای ایجاد صفحات مصور کتب، احتیاجی به تقلید از مکتب بغداد نداشته‌اند. خصوصاً که در آن زمان در بغداد قدرت قابل توجهی وجود نداشته که هنرمندان در اطراف آن گرد آیند و مکتب هنری بوجود آورند.

از سوی دیگر کتاب سمک عیار مسئله نفوذ مغول را نیز رد میکند زیرا در آن موقع هنوز لشکریان مغول پای به خاک ایران نگذاشته بودند که بتوانند احیاناً هنرمندان را در تهیه صفحات مصور خود هدایت نمایند.

در حقیقت سبک نقاشی صفحات مصور در کتاب سمک عیار بقدری شبیه به نقوش ظروف سفالین معروف به «مینایی» ری و کاشان و ساوه و ورامین‌اند که میتوانیم بگوییم شاید نقش کنندگان آن یکی بوده و یا لاقلاً شاگردان همان نقاشان صفحات مصور سمک عیار نقوش روی ظروف سفالین اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم ایران را بوجود آورده‌اند.

منافع الحیوان ابن بختیشو - این کتاب در زمان سلطنت غازان خان (۶۹۴ - ۷۰۳) در مراغه نوشته شده. ابن بختیشو طبیبی مسیحی در خدمت خلیفه‌المتقی در بغداد بود که در تاریخ ۳۳۰ کتاب **منافع الحیوان** را برای خلیفه نامبرده به زبان عربی تدوین کرد و بوسیله عبدالهادی آنرا به زبان فارسی برای سلطان غازان ترجمه نمود و احتمالاً همان نسخه اصلی غازان است که امروز در کتابخانه "Pierpont Morgan" در شهر نیویورک تحت شماره ML. 500 محفوظ میباشد. رقم سوم تاریخ تحریر کتاب کاملاً معلوم نیست اما احتمالاً کتاب در تاریخ ۶۹۸ در شهر مراغه اتمام یافته است.

این کتاب شامل ۹۴ صفحه مصور میباشد ولی صفحات نقاشی خیلی بزرگ نیستند و بدبختانه تمام صفحات نقاشی شده با انجام کتاب همزمان نمی‌باشد و تعدادی از آنها در دوره‌های جدیدتر، کشیده شده‌اند.

سبک کار این کتاب، با سبک تزیینی نقاشی ایران اختلافی دارد و حیوانات و درختها و مناظر تا اندازه‌ای نزدیک به طبیعت میباشد ولی موضوع کتاب که مطالعه حیوانات و نباتات است طبعاً هنرمند را وادار به اتخاذ سبک بخصوصی نموده است. کتاب دیگری که از حیث صفحات مصورش، شباهت به **منافع الحیوان ابن بختیشو** دارد کتاب **جامع التواریخ رشیدی** است که در زمان حیات وی نوشته شده و اکنون در انجمن پادشاهی آسیایی دانشگاه ادینبورگ محفوظ است. (۷۱۴ هجری) این کتاب نیز در شهر تبریز برشته تحریر درآمده است.

کتاب **سومی** که صفحات مصورش به دو کتاب نامبرده در بالا شباهت دارد، کتاب **آثار الباقیه**، تألیف البیرونی است که آن نیز در تاریخ ۷۰۷ هجری در شهر تبریز نوشته شده و اکنون در کتابخانه دانشگاه ادینبورگ است.

برای اینکه از آذربایجان و از دوره سلاطین ایلخانی بیرون برویم، شاهنامه مجموعه Demotte را که در شهر تبریز در تاریخ ۷۳۶ یعنی در اواخر دوران ایلخانیان نوشته شده نام میبریم. در این شاهنامه جنبه تزیینی بر طبیعت سازی می‌چربد. تقریباً تمام خصایص نقاشی ایرانی خالص، در صفحات این کتاب دیده میشود. آسمان با ورقی از طلائی اصل ساخته شده. قواین پر سبکیو بهیچوجه رعایت نشده ولی نقش سوارانی که بدنبال اسکندر به جنگ اژدها میروند با تناسب کامل ترکیب یافته و روی یک سطح قرار دارند.

جزو همین دسته باید کتاب کلیله و دمنه کتابخانه دانشگاه استامبول را دانست. این کتاب نیز در شهر تبریز نوشته شده (۷۶۲ - ۷۷۶). در بعضی از صفحات آن، درختها و مناظر و کوهها به سبک چینی در آن نقش شده است و در بعضی دیگر مناظری مانند داستان دزد در خانه، هیچ اثری از اصول نقاشی چین در آن دیده نمی‌شود.

شاهنامه دیگری در کتابخانه توپ قاپوسرای در اسلامبول موجود است که در تبریز در تاریخ ۷۷۲ نوشته شده و یکی از بهترین صفحات آن بردن زال بوسیله سیمرخ در بالای قلل البرز است و بهمین طریق صفحه‌ای که زال را در حال شکار مرغی در مقابل رودابه نشان میدهد و صفحه دیگری که جنگ منوچهر علیه تور را نقش نموده از شاهکارهای موجود در این شاهنامه میباشد.

با ذکر چند کتاب بالا معلوم میشود در زمان سلطنت ایلخانیان در آذربایجان (۶۵۴ - ۷۳۶) هنرمندان ایرانی از علاقه پادشاهان به هنر نقاشی استفاده کرده به مراغه یا تبریز آمدند و به کار مصور نمودن کتب پرداخته و مکتب هنری تبریز در عهد ایلخانیان را بوجود آوردند ولی اطلاق کلمه مغول به این مکتب صحیح نیست زیرا این هنر در ایران وجود داشت و تکامل آن مصادف با عهد سلطنت خانواده مغول شد. شکی نیست که سربازان یا سلاطین مغول هیچ دخالتی در تشکیل این هنر نداشته‌اند جز این که باتشویق هنرمندان و خریدن کتابهای آنها در برقرار نمودن مستمری و پاداش، باعث پیشرفت این هنر در ناحیه فرمانروایی خود گردیدند.

در نیمه اول اردیبهشت ماه آقای دکتر محمد اکرام شاه اکرام استاد دانشگاه پنجاب در تالار انستیتوی تحقیقات فرهنگی سازمان همکاری عمران منطقه‌ای در حضور جمعی از استادان دانشگاه تهران و دانشجویان ایرانی و پاکستانی پیرامون آثار با ارزش اقبال لاهوری شاعر گرانقدر فارسی زبان پاکستان سخنرانی جالب و جامعی ایراد نمودند . آنچه در اینجا مطالعه میفرمائید نکات برجسته‌ای از این سخنرانی است .

مثنوی «اسرار خودی»

مثنوی اسرار خودی اولین مثنوی اقبال بزبان فارسی است که بسال ۱۹۱۵ میلادی منتشر گردید و باید آنرا نتیجه عکس العمل مادیت اروپا و تصوف ایرانی دانست که بیشتر از افکار یونانی و هندی سرچشمه میگیرد .

هنگامیکه اقبال در سال ۱۹۰۸ پس از اتمام تحصیلات خود در رشته فلسفه از اروپا مراجعت نمود ، در افکار او انقلاب و طغیان شدیدی رخ داده بود . او دیگر شاعر عادی و رسمی نبود بلکه مانند مبلغی بالحن پیامبرانه ملت اسلام را خصوصاً و سایر ملل جهان را عموماً خطاب کرد و «خودی» را که روحیه نیرومند و فناپذیر و هسته مرکزی شخصیت بشری است شرح داد و گفت که اصل نظام عالم همین جوهر «خودی» میباشد و رشد و نمو آن از کشمکش مداوم در زندگی است . حیات «خودی» به تسخیر جهان و مبارزه با مشکلات و سعی و کوشش و جدوجهد توجیه میگردد . بعقیده اقبال کسی که از تلاطم‌های اقیانوس حوادث دامن برمی‌چیند بلافاصله بساحل مرگ میرسد . بهمین جهت اقبال پاره‌ای از متصوفین و متفکرین را که طریق بی‌عملی و گوشه‌گیری و فرار از کشاکش زندگی و عزلت و انزوا را انتخاب نمودند و در خلوت گاه آرام «وحدت وجود» پناه بردند انتقاد مینماید و بر افلاطون نیز که تصوف و ادبیات اسلامی از افکار او شدیداً متأثر است حمله میکند . منظور اقبال از این مثنوی متجلی ساختن روح حقیقی اسلام است چنانکه در یکی از نامه‌های خود می‌نویسد :

« این مثنوی در عرض دو سال گفته شد ولی نه بطور مداوم بلکه بعد از ماه‌ها هر وقتیکه فرصتی دست میداد و طبع آمادگی میداشت که بیشتر آن روزهای یکشنبه (یعنی روزهای تعطیل در هندو پاکستان) و بعضی از شبهایی است که بر سرودن آن مثنوی بخواب نمی‌رفتم منظور من اینست که در این مثنوی از چهره اسلام حقیقی پرده بردارم و آنرا بنحویکه حضرت ختمی مرتبت صلوات الله علیه و آله معرفی کرده است بیان کنم .

متصوفین آنرا حمله‌ای بر تصوف پنداشته‌اند و این عقیده تاحدی صحیح است . انشاالله در قسمت دوم آن نشان خواهیم داد که تصوف چیست و از کجا آمده است و تا چه اندازه‌ای از روش وسیر و سلوک صحابه پرورش می‌یابد .

بسال ۱۹۲۰ نکلسون استاد دانشگاه کمبریج مثنوی اسرار خودی را به انگلیسی ترجمه کرد که بر آن نقدهای زیادی در اروپا و آمریکا انتشار یافت . سپس شیخ عبدالرحمن ابن مثنوی را بنام «ترجمان اسرار» و سید عبدالرشید بنام «ترجمان خودی» بنظم اردو در آوردند و دکتر عبدالوهاب عزام دانشمند مصری آنرا بنام اسرار النفس و محمد بخش بزبان سندی و بهرام کوتی بزبان اندونزی ترجمه و منتشر ساختند .

پرفسور برون در مجله انجمن آسیائی سلطنتی Royal Asiatic Society بسال ۱۹۲۱ ترجمه «اسرار خودی» بقلم نکلسون را مورد تجدید نظر قرار داد و فارستو راجع به «اسرار خودی» تقد مفصلی نگاشت و اقبال را هادی بزرگ ملت ثابت کرد .

و اما سبک این مثنوی . چنانکه خوانندگان شعر اقبال میدانند او در اسرار خودی فوق العاده تحت تأثیر روش مولوی قرار گرفته است . و علت اینکه اقبال شعر فارسی را از مثنوی سرایی آغاز کرد و قسمت بزرگ آثار خود را بمثنوی اختصاص داد همانا علاقه شدید او به مولوی است که در اثر آن از اوایل تا اواخر تحت تأثیر او قرار گرفته و او را مرشد و راهنما خوانده و تمام پیشرفتهای خود را در راه تصوف و عرفان نتیجه هدایت و ارشاد او دانسته است . اگرچه عده زیادی از شعراء و متفکرین مغرب زمین مانند نیچه - گوته - شکسپیر - تولستوی - هیگل - بیکن - برگسون - کانت و غیر آنها و همچنین فیلسوفان و متصوفین مشرق زمین مانند بوعلی سینا - فارابی - فخرالدین رازی - سنائی - عطار - عراقی - محمود شبستری - حافظ - سعدی - جامی - عرفی - نظیری نیشابوری و غالب دهلوی

وامثال اینها توجه او را بخود جلب کرده‌اند ولی هیچیک مانند جلال‌الدین محمد مولوی او را بخود شیفته ننموده‌است. اقبال از نیچه ستایش میکند ولی فقط تا آنجائیکه او از شجاعت و شهامت و قدرت و نیرو سخن میراند همچنین او از حافظ استقبال مینماید اما تنها تا جائیکه او اعجاز هنر شعر را ارائه میدهد. لکن مولوی را از آغاز تا پایان دوست دارد و در تمام مسائل حکمی و عرفانی صرفاً با او ارج می‌نهد. اقبال در همه آثار فارسی وارد و انگلیسی شخص خود را سراسر مدیون و مرهون مولوی قلمداد کرده و باستانای مثنوی «گلشن راز جدید» که در جواب محمود شبستری سروده و در بحر هزج مسدس محذوف میباشد در سایر مثنویهای خود که عبارتند از «اسرار خودی» و «رموز بیخودی» و «بندگی‌نامه» و «جاویدنامه» و «مسافر» و «پس چه باید کرد ای اقوام شرق» بحر رمل مسدس محذوف یعنی بحر مألوف مولوی را برگزیده‌است و در موارد لازم اشعار او را برای اثبات نظریه خود آورده است. اگرچه مثنویهای «جاویدنامه» و «مسافر» و «پس چه باید کرد ای اقوام شرق» و «بندگی‌نامه» از لحاظ موضوع با مثنوی معنوی مولوی ظاهراً فرق دارند ولی در سراسر اینها رشته فکر اقبال از مولوی قطع نمیگردد و در عمق این مثنویهای جدید فکر هیجان‌انگیز مولوی غلیان میکند. چیزی که اقبال را از مولوی تشخیص میدهد تنها محیط و زمان است که بمقتضای آن اقبال شیوه بیان را گاهگاهی تغییر داده و دیگرگون نموده و گرنه او همان جلال‌الدین محمد مولوی است که هفتصدسال پیش جهانیان را بعقاید حقانی و حقایق صرف اسلامی فرا میخواند. چنانکه میگوید:

چو رومی در حرم دادم اذان من
از او آموختم اسرار جان من
بدور فتنه عصر کهن او
بدور فتنه عصر روان من
الطاف و اکرام بی‌پایان مولوی را در حق خود در اسرار

خودی چنین بیان میکند :

باز برخوانم ز فیض پیر روم
دفتر سر بسته اسرار علوم
جان او از شعله‌ها سرمایه‌دار
من فروغ یکنفس مثل شرار
شمع سوزان تاخت بر پروانه‌ام
باده شبخون ریخت بر پروانه‌ام
پیر رومی خاک را اکسیر کرد
از غبارم جلوه‌ها تعمیر کرد
موجم و در بحر او منزل کنم
تا در تابدندگی حاصل کنم
من که مستیها ز صهبایش کنم
زندگانی از نفس‌هایش کنم

همچنین تمام آثار اقبال از تمجید و تحلیل مولوی مشحون است که ما در فوق شمه‌ای از آنها را ثبت نمودیم. از این ابیاتی چند میتوان تأثیر این عارف بزرگ جهانی را در فکر و اندیشه اقبال حدس زد و حقیقت آنست که این تأثیر عمیق مثنوی مولوی بود که اقبال را بسرودن شعر فارسی برانگیخت و در دل او شمع اشتیاقی را روشن کرد که در نتیجه آن اقبال توانست گنجینه اسرار گرانبهای خود را بسبک نوین و طبق نیازمندیهای عصر جدید برای جهانیان تقدیم نماید. چنانکه او مثنوی اسرار خودی را تقریباً از هر لحاظ بتقلید و پیروی مثنوی مولوی سروده و مانند راهنمای عالی‌مقام خود از الفاظ ساده و روان و ذکر تمثیل او استفاده نموده و حتی در موارد اغلاط نیز عمداً از مولوی استقبال کرده است. چنانکه یکی از دوستان او سید سلیمان ندوی بخشی از اشعار مثنوی اسرار خودی را از نظر هنرمورد انتقاد قرار داد و اقبال در پاسخ گفت :

«در باره قوافی هرچه شما فرموده‌اید کاملاً درست است ولی چون شاعری از این مثنوی مقصود نبود بنابراین من در بعضی

موارد عمداً تساهل بکار برده‌ام علاوه برین در مثنوی مولوی تقریباً در هر صفحه چنین امثال قوافی به چشم می‌خورد .

درباره فلسفه اجمالاً باید متذکر گردید که بعقیده اقبال نظریه «وحدت وجود» موجب سلب نیروی انسانی گردید و پدیدۀ جهان را در نظر جهانیان چون سایه‌ای جلوه داد و هستی غیر خدا را سراسر موهوم قلمداد کرد . متفکرین یونانی که بعدها بیشتر متصوفین ایرانی از سرچشمه افکار آنها سیراب گشتند از جهان خارجی که جهان مادی است بجهان فکری و معنوی توجه نمودند و بجای اینکه هستی خود را از جسم احساس کنند از نفس احساس کردند و حتی کار بجائی کشید که در اثبات وجود خود گفتند که چون ما تفکر میکنیم بنابراین وجود داریم . این گروه دانشمند در کنجکاویهایی فکری باین نتیجه رسیدند که حقیقت کبری عقل کل است و حقیقت بشر بتنهائی بمقداری است که او از عقل برخوردار میباشد و گرنه بشر از خود چیزی ندارد و نه چیزی از او سرمیزند . این حکما سراسر جهان را بر عقل پایه گذاری نموده و از عمل که نتیجه عشق و آرزو میباشد روی گردانیدند و دل را به غیر محسوسات چنان بستند که از عالم اسباب رشته هستی خود را گسستند . اقبال بر ضد تمام اینگونه معتقداتی که بشر را وادار با استدلال نموده و نیروی عمل را از او سلب مینماید سخت قیام کرد و بنای هستی را بر اساس عمل و وجد و جهد استوار ساخته و بر بالای آن با خط روشن نوشت :

زندگی جهد است و استحقاق نیست

جز بعلم النفس و جز آفاق نیست

اقبال فلسفه‌ای که وجود محسوسات را ثابت نموده و ارزش و اهمیت آنرا آشکار می‌سازد بنام خودی بجهانیان عرضه داشت . او از لفظ خودی معنی احساس شخصیت و یاتعیین ذات گرفته و آنرا در بیشتر قسمتهای آثار خود بشیوه‌های گوناگون توضیح داده است . به نکلسون طی نامه‌ای چنین اظهار داشت :

«در بشر مرکز حیات «خودی» یا شخصیت است که يك حالت کشمکش میباشد و زندگی خودی ازدوام همین حالت است . اگر این حالت کشمکش از بین برود اضمحلال جای آنرا می‌گیرد و چون شخصیت که مولود همین حالت کشمکش واضطراب میباشد پر ارزش‌ترین سرمایه انسانی است بنابراین باید مراقبت نمود که هیچگاه اضمحلال و سکون رخ ندهد . هر آن چیزی که در دوام این حالت کشمکش سهیم است در استقرار مامد کار است . ازین تصویر خودی معیار ارزشها بوجود می‌آید و مسئله خیر و شر نیز حل میگردد . هر آن چیزی که خودی را محکم و استوار می‌سازد خیر است و هر آن چیزی که خودی را ضعیف مینماید شر است . هنر و مذهب و اخلاق همه اینها را باید بر معیار خودی امتحان کرد .»

با توجه بسوابق ملاحظه میشود که هسته مرکزی شخصیت خودی است و این يك جوهر نیرومند و سرکشی است که در هر چیز وجود دارد و اهمیت و ارزش هر چیزی در جهان بستگی به ارزش و اهمیت خودی او دارد . باندازه‌ای که کسی هستی خود را محکم و استوار می‌سازد بهمان اندازه از ارزش زندگی بهره‌ور میگردد و در شرح این بیان اقبال می‌گوید :

چون زمین بر هستی خود محکم است

ماه پایند طواف پیهم است

هستی مهر از زمین محکم تراست

پس زمین مسحور چشم خاور است

چون حیات عالم از زور خودی است

پس بقدر استواری زندگی است

اقبال طی نطقی درباره صلابت و استحکام ذات اظهار

داشت :

«موسولینی گفته است کسی که آهن دارد نان دارد و من

گامی فراتر نهاده و می‌گویم کسی که آهن کرده همه چیز دارد.»

بررسی مایکاباز مفرغهای لرستان در موزه لوور

نمایشگاه مفرغهای لرستان از مجموعه آقای کوآفارد سفیر کبیر سابق فرانسه در ایران در سال ۱۹۶۳ در موزه «لوور» تشکیل شد. همزمان با تشکیل نمایشگاه مزبور آقای تجویدی که در آن هنگام در فرانسه اقامت داشت مقاله زیر را بمناسبت اهمیت موضوع تهیه کرد که اینک بنظر خوانندگان گرامی می‌رسد:

اکبر تجویدی

نمونه آنرا برای آگاهی خوانندگان ارجمند به چاپ میرسانیم. امروزه روشن شده است که این سنجاق‌ها را بعنوان نیاز به دیوار پرستشگاه میکوبیده‌اند.

از نظر آفرینش هنری و گونه‌گونگی بی‌اندازه و همچنین قدرت بیان آنقدر این اشیاء خرد درخور توجه‌اند که بی‌شک میتوان هر يك از کوچکترین آنرا که بیش از پهنای دست آدمی درشتی نداشته باشد با پیکره‌های ممتاز و شگرف هنری جهان سنجیده و چه بسا در این سنجش، برتری از آن مفرغهای لرستان باشد و نکته دیگری که باز درخور اندیشه است آنکه تناسب سازی و رعایت فنی پدید کردن نوازن باندازه‌ای در این آثار مراعات شده است که اگر هر يك از آنها را تا بیش از پنجاه برابر بزرگتر پدید کنیم باز تناسب آن از دست نخواهد رفت و در کمتر از آثار هنری جهان این نکته مصداق پیدا کرده است.

برای آنکه خوانندگان ارجمند را با این مجموعه آشنا سازیم نمونه‌های گوناگونی از این آثار را برگزیده‌ایم که آنها را ضمن تصویرهای زیرین بررسی خواهیم کرد.

تصویر شماره (۱) که یکی از دو بخش پهلویی دهانه اسب است مردی را نشان میدهد که برگردیده‌ی دو حیوان شیرمانند که بهم چسبیده‌اند سوار است و بادگیری با هر يك از دستان خویش پوزه حیوان را گرفته است و وی را رام ساخته است. با توجه

نزدیک چهار سال است که مردم جهان با مفرغهای لرستان آشنائی پیدا کرده‌اند و شاید در روزگار ما یکی از بزرگترین آرزوهای کسانی که به آثار باستانی دلبستگی دارند آن باشد که بتوانند يك یا چند نمونه از این مفرغها را در مجموعه‌ی خود نگاهداری نمایند.

بیشترین این آثار و بهمرفته نمونه‌های کوچک پیکره‌های خیالی و افسانه آمیز و با قطعات مربوط به لگام اسبان و دیگر اشیاء خرد مفرغی مانند آویزها و سنجاقها و دیگر اشیاء زینتی میباشد.

در باره کهنگی مفرغهای لرستان هنوز نمیتوان اظهار نظر قطعی نمود ولی آنچه تا کنون از بررسی‌های باستانشناسی برآمده آنکه این آثار متعلق به يك تیره‌ی ایرانی است که در هزاره‌ی دوم پیش از میلاد در بخشی از کوههای غربی ایران که امروزه تیره‌های لر در آنجا زیست میکنند زندگی میکردند. اینها مردمی سوارکار و جنگاور و هنرورانی زبردست و خوش ذوق بوده‌اند و چنین بنظر میرسد که مردمان امروزی لرستان دنباله‌ی همان نژاد کهن آنروزگار میباشد.

بخش بزرگی از مفرغهای لرستان از قبرها و آرامگاهها بدست آمده است و نشان میدهد که این مردم به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشته‌اند و هنگام خاک سپردن مردگان، اشیاء مورد نیاز زیستن آنرا بهمراه بت‌های گوناگون که مورد پرستش بوده است در قبر مینهادند و معمولاً دهانه اسب را زیر سر وی میگذاشته‌اند. از این نمونه‌ها گذشته آثار فراوانی که هنوز نمیتوان با اطمینان از فایده‌ای که از آن میبرده‌اند سخن گفت، در پرستشگاهها و دیگر بخشها بدست آمده که از همهی گونه‌های آن شناخته‌تر و زیباتر سنجاقهای بلندی است که انتهای آن به صفحه دایره‌دار نقش‌داری پایان مییابد و در این گزارش چند

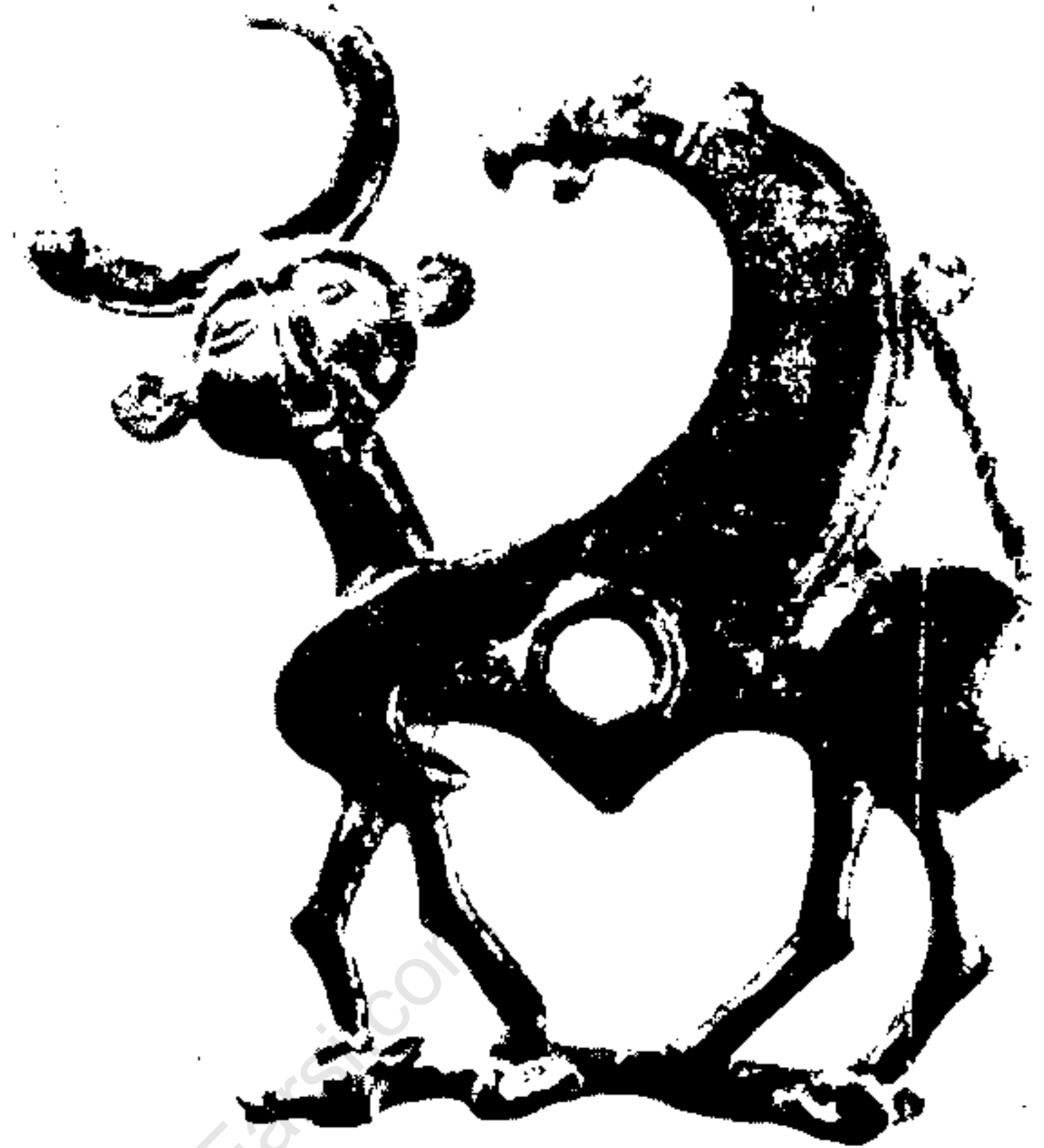
۱ - در سال ۱۹۵۸ موزه لوور پاریس مجموعه‌ای از این مفرغها را که بیش از یازصد قطعه میباشد و به آقای ژاک کوآفارد (M. Jacques Coiffard) تعلق داشته است خریداری نمود و اکنون بیش از آنکه این مفرغها به دیگر آثار بخش مربوط موزه افزوده شود در تابستان امسال نمایشگاه باشکوهی از آنها بطور جداگانه در یکی از تالارهای موزه برپا کرده‌اند که هر بازدیدکننده‌ای را به حیرت و امیدارد و مورد تحسین فراوان هنرشناسان قرار گرفته است.



شکل ۱

و گردن و پاك شدگی بخش میان آنها مبین نیروی زوال ناپذیر پهلوان بشمار میرود . برای آنکه تسلط رب النوع به دو حیوان طرفین کاملاً روشن باشد همه‌ی نیروی وی در گردن و بازوان و بخش بالائی تنه قرار داده شده و پاها باعتبار اهمیت کمتر و ناچاری فنی از جهت کمی جا کوچکتر ساخته شده است و باین ترتیب همه توجه بیننده به بخش زیرین اندام رب النوع معطوف میگردد و از نظر تأثیر پذیری برای وی شکی در پیروزی رب النوع بر جانوران باقی نمیگذارد . برای آنکه این معنی بهتر بازگو شده باشد هنرمند کوشیده است که با کشیده ساختن و نازک کردن گردن جانور و نمایش زبونی در چشمان و پوزه وی بوسیله خط‌های پیچ دار پیروزی پهلوان را روشن تر نمایانده باشد . باین تمهید، بیجانی پاهای جانور که مانند موم بر روی هم تاخوردده است و با پاهای پهلوان تضاد شگرفی پدید کرده است اضافه گشته و این نکته بسیار درخور اندیشه است که پاهای جانور گرچه سبترتر از آن رب النوع ساخته شده ولی بر حسب معنایی که هنرمند از پدید کردن خطوط راست و بیان حال آن که بازگوی استواری

به يك سنت قدیمی دینی که بر روی مهرها و استوانه‌های شوش و بین النهرین فراوان مشاهده شده درمی یابیم که مرد سوار باید یکی از رب النوع‌های مورد پرستش آنروزگار باشد . پاره‌ای از خبرگان شکل‌های دینی کهن این دلاور را با گیل گمش پهلوان افسانه‌ای که چون هر کول داستانهای زیادی از جنگ با حیوانات و یا رام ساختن آنان دارد یکی دانسته اند ، همچنین میتوان بدلائلی این دلاور را با کیومرث یکی دانست ، ولی آنچه از نظر ما شایسته توجه است آنکه در پرداختن این اثر چنان مهارت فنی و هنری بکار رفته که هنوز هم میتواند پس از هزاران سال سرمشق هنر پژوهانی که در پی نوآوری هستند قرار گیرد : بخش میانی چهره‌ی دلاور که در میان دو خط بینی و دهان وی را از دیگر بخشهای صورت جدا کرده است به قیافه وی يك گونه حالت ارادی و توانا بخشیده که گویای قدرت درونی بی پایان او میباشد . چشم‌های نیم بسته بر روی يك برجستگی ملایم و ابروان بهم رفته به چهره‌ی رب النوع حالتی مرموز و فوق آدمی داده و او را ورای واقعیت‌های مادی قرار داده است . همچنین پیوستگی چانه

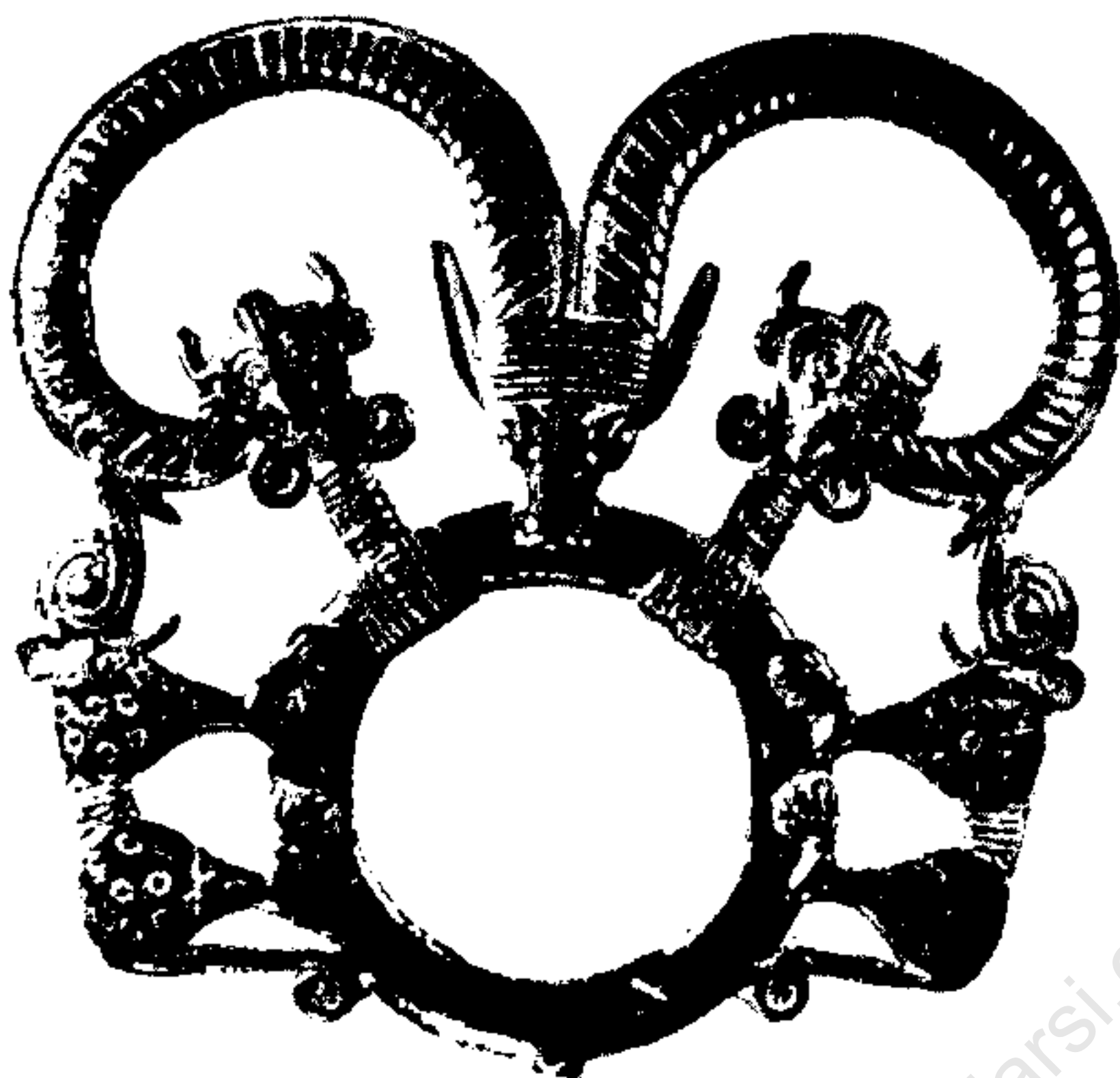


شکل ۲

هنری مهارت فنی شگرفی که در بیش از سه هزار سال پیش در پرداختن این مفرغ بکاررفته خود نیز از هر جهت دارای ارزش صنعتی است و بازگویی پیشرفت فوق العاده صنعت فلزکاری آن روزگاران در این بخش از ایران زمین میباشد.

شکل شماره (۲) نیز مربوط به دهانه اسب میباشد. بطوریکه دیده میشود این تصویر نمایش جاننداری خیالی است که سر انسانی با شاخهای گاو و اندامی شبیه بز دارد و در نخستین نگاه گاوهای بالدار دوران هخامنشیان را بیاد میآورد. گرچه این نقش در دورانهای کهن تر نیز با کم و بیش اختلاف مشاهده شده ولی با توجه به اینکه این اثر دست کم بیش از پانصد سال پیش از گاوهای بالدار کاخ «سارگن» در آشور پدیدگشته، این سؤال پیش میآید که آیا آثار هخامنشیان را با توجه بآنکه آنان دنباله همان نژاد ایرانی کهن هستند نباید صورت تکامل یافته پاره‌ای از مفرغهای لرستان دانست؟ و نیز اگر این نکته درخور تردید باشد لااقل میتوانیم از خود پرسیم آیا ممکن نیست هنرمندان پدیدکننده کاخ سارگن از آثار کهن ایرانی

واستحکام است و بهره‌گیری از بیان حال زبون‌نمای خط‌های پیچ‌دار و ناستوار، پاهای قهرمان خویش را جاندار تر و پرنیروتر نمایانده است. در تمام بخشهای پیکره، «ریتم» ویژه‌ای پدیدگشته و همه جای آن با حفظ همین وزن بهم پیوستگی یافته است و بان مهریگانگی و هم‌جوشی خوشایندی زده است. از نظر هم‌گذاری «کمپوزیسیون» خطی که گردن جانوران را زیر شکم آنان پیوند میدهد و دنباله آن در بالا از نوک شاخهای پهلوان میگذرد تمام این بخش را در دایره‌ای بی‌کم و کاست دربر میگیرد و بخش زیرین دایره بوسیله پاهای حیوانها بر روی مستطیل درازی که از بیرون با خط خارجی دایره هم‌پهن است قرار داده شده و این خود از بهترین راههای هم‌گذاری دوشکل با توسل به تصویرهای ساده‌ی هندسی است. با اندکی دقت روشن میگردد که در زیر پاهای شیران بوسیله خطی افقی شکل، آهویی زبون و بیچاره نقش گشته و در حقیقت امر موضوع جنگ رب‌النوع با جانوران جانبداری از حیوان ضعیف‌تر در برابر نیرومندتر است. خوبست یادآور شویم که گذشته از ارزشهای



شکل ۳

وسر حیوان زیرین با مهارت کامل فنی و همانند طبیعت ساخته شده و از نظر کالبدشناسی درست و بی‌عیب پدید شده و به این مفرغ مهر واقعیت زده است .

شاید جالب‌ترین نکته‌ای که در این اثر بتوان یادآوری کرد آنکه گاوهای انسان‌نمای پیکاسو نقاش بزرگ معاصر، بی‌کم و کاست شباهت تام، به این اثر دارد. کسی چه میداند شاید پیکاسو هیچگاه این مفرغ و یا نظایر آنرا ندیده باشد ولی بهر تقدیر هزاران نقش که تاکنون بر سفالها و یا پرده‌ها زده است آثارش را با نقشهای کهن و بویژه با این پدیده‌ها پیوند میدهد. آیا از دریچه یک بینش و سنجش کلی نمیتوان هنرهای تازه امروزی را بازگشت بجهان هنری پاک و غیرتصنعی و قدرتمند دنیای کهن دانست؟

در شکل شماره (۳) یکی از بهترین نمونه‌های این مفرغها را مشاهده میکنیم که چه از نظر هنری و چه از جهت تکامل فن مفرغ‌ریزی به بالاترین درجه کمال رسیده است. در بخش میانی، سر گاو کوهی ساخته شده که شاخهای بی‌اندازه زیبا و خوش حرکت وی بدکله‌ی دوانسان شاخدار پایان یافته است.

الهام گرفته باشند؟ بهر حال درباره‌ی این نکات سخن بسیار میتوان گفت ویر دانشمندان باستانشناس ایرانیست که در این زمینها بررسی جداگانه نمایند و بسیاری از مسائل تاریک را روشن سازند .

همانگونه که مشاهده میشود بخش بالایی بال حیوان به سردنده‌ای که دهان باز کرده است پایان می‌پذیرد و همچنین در زیر پای وی آهوی ناتوانی بر زمین نقش بسته است که نظیر چنین صحنه‌هایی را در آثار کهن تر فلات ایران و همچنین تمدن بین‌النهرین مشاهده میکنیم .

هم‌گذاری این مفرغ همچنانکه در بسیاری دیگر از این آثار بر پایه‌ی خطهای منحنی گذاشته شده : دایره‌های پدیدشده از شاخها، سر حیوان، کفل، بال و سوراخ صفحه، « ریتم » کلی شکل را پایه گذاشته‌اند. سر حیوان بوسیله استوانه‌ای به اندامش وصل شده و در بریدگی بخش پیشین، بال مفصل گشته است. همچنین این نکته درخور یادآوری است که هنرمند با یافتن هم‌چندهای یکسان از نظر درشتی دسر، جلو بال و کفل حیوان به تعادل زیبایی دست یافته است و نیز پایهای جانور



شکل ۵



شکل ۴

چگونه به دایره بستگی پیدا کرده: در اینجا هنرمند به متصل ساختن گردن به دایره بس نکرده بلکه با پدید کردن چند برجستگی در اطراف خط اتصال، گره استوار بوجود آورده و گردن را در دایره قفل و بست ایجاد کرده است. این نکات و بسیاری دیگر از جمله تناوب بخشهای ساکن و آرام با بخشهای جنبش دار که بوسیله خطهای هم رو و سطوحهای صیقلی بوجود آمده و تناسب سازی بی اندازه باریک که در این مفرغ معمول گشته این اثر را بعنوان یکی از شاهکارهای جاویدان جهان هنر در آورده است. درباره‌ی بهره‌ای که از این مفرغ می‌برده‌اند با توجه به زائده‌ای که در پشت آن تعبیه شده آنرا آویز و یا نشان دانسته‌اند.

دیگر از انواع این مفرغها پیکره‌های جداگانه‌اند که ظاهراً بر روی پایه‌ای قرار می‌گرفته‌اند و با آنها نام بت داده شده. همچنین پاره‌ای از اوقات باینگونه بتها حلقه‌ای پیوست گشته که در آن حال میتوان پنداشت که آنرا به ترك اسب و یا کدریند و غیره می‌بسته‌اند و برای در پناه بودن از زیانها به‌مراه داشته‌اند. شکل (۲) یکی از اینگونه بتها را معرفی مینماید که

با يك نظر میتوان حرکت شاخهای حیوان را با آنچه از این نوع بر بدنه سفالهای شوش و دیگر حیوانسازیهای ایران باستان پدید گشته سنجش داد. در دو بخش پهلوئی دایره‌ی میانی، دو حیوان دیگر که سری شبید پیل و اندامی همانند پلنگ دارند قرار گرفته‌اند. تمهیدی که در اتصال سر این جانوران با شاخ گاو کوهی بکار رفته و طرح ماریچی که پدید گشته همانست که در زمان ساسانیان با توسل به پیچک‌های از نوع برگ و ساقه کنگر، و در دوره‌های بعد از تسلط عرب با نام اسلیمی در همه آثار معماری و صنایع دستی ایران زمین و دیگر کشورهای همجوار معمول گشته است. از نظر دانش هم گذاری (کمپوزیسیون) دایره‌ی میانی، حلقه‌ی اتصال دیگر طرحها قرار داده شده. جوانه‌ی اصلی، بوسیله سر گاو از دایره جدا شده و پس از دور گرفتن در شاخها دوباره به هسته‌ی نخست باز گشته و از سوی دیگر بوسیله سر حیوانهای پهلوئی بحرکت آمده و پس از چرخش لازم با دم این جانوران بدایره‌ی میانی مربوط گشته است. خوبست خوانندگان ارجمند را باین نکته آگاه سازیم که انتهای شاخهای گاو پس از پدید کردن سر انسان شاخدار،

موضوع آن بنظر میرسد رب النوع پرندگان باشد .

در شکل شماره (۵) سر انسان شاخداری را می بینیم که اندامش شکل استوانه میان تهی دارد که ممکنست بر روی میله‌ای نصب بوده و یا جنبه‌ی دسته‌ی سنگ چاقو و غیره داشته . در هر حال آنچه درخور توجه است حالت فوق‌العاده گیرنده‌ای است که هنرمند باین پیکره‌ی کوچک داده و در وی نفخه زندگی دمیده است .

اکنونکه پاره‌ای از مفرغهای نمایشگاه لوور را شناختیم خوبست سراغ سنجاقهاییکه در آغاز این گفتار از آنها سخن داشتیم برویم و نمونه‌هایی چند از آنها را معرفی نمائیم . تصویر شماره (۶) صفحه دایره‌وار یکی از این سنجاقها را نشان میدهد . همانطور که مشاهده میشود موضوع نقش رام کردن دوحیوان بدست انسانی است که پاهایش به سم منتهی میگردد . بطور کلی همه‌ی اینگونه نقش‌ها به معتقدات مردمان دورانهای باستانی که به موجودات فوق انسانی و نیروهای پنهانی ایمان داشته‌اند پایان می‌یابد و ما را در یک جهان رؤیایی و خیال‌انگیز می‌کشاند .

همچنین در تصویر شماره (۷) که آنهم صفحه مدور یک سنجاق و یا گل میخ است تصویر رب النوع شاخداری مشاهده میگردد که با هر دست ماری را گرفته است . این رب النوع گوشه‌هایی همانند گوش گاو دارد و از هر سوی سر وی ، دوشاخ بیرون آمده که در میان دایره‌ای را که ممکنست تصویر خورشید باشد دربر گرفته‌اند . پاهای رب النوع نماینده‌ی کوشش فوق‌العاده وی برای مغلوب ساختن مارهاست و چهره‌ی او از هر جهت شباهت به تصویریری دارد که در خاطره‌ها از دیوان بجای مانده است . میدانیم که واژه دیو که امروزه در زبان فرانسه «دیو» Dieu گفته میشود در زبانهای کهن ایرانی «داوا» Daeva بوده و معنی خدا داشته است . این واژه پس از رواج دین‌های تازه‌تر (که بحث درباره‌ی آن از صلاحیت نگارنده خارج است) در زبان ما معنی دیو و اهریمن یافتند . در هر حال آنچه در تصویر بالا ملاحظه میگردد بی‌شک قهرمان شاخدار از شمار خدایان نیکوکار آنروزگار و مورد پرستش مردمان بوده است .

دیگر از آثار بی‌اندازه جالب این مجموعه باز صفحه دایره‌شکلی است که در تصویر شماره (۸) نشان داده شده و نقش مردی را نشان میدهد که یک دست شاخ گاو بالدار را گرفته و با دیگری دست مردی را که پای گاو دارد گرفته است . میان آنها چرخشی که شاید مظهر خورشید باشد نقش شده . زیر پای آنان دوحیوان گاو مانند قرار دارد که میان آنها گوساله‌ای خفته است . در جاهای خالی نقش تصویر ماهی و شکلی دوك مانند و همچنین گوی‌های کوچک برجسته طراحی شده است . تألیف بخشهای گوناگون این اثر باندازه‌ای با مهارت و ذوق فنی انجام گشته که بیننده را متحیر میسازد . باندکی توجه درمی‌یابیم

شکل ۶



که هنرمند آگاهانه و یا با خودجوشی موضوع هم‌گذاری چند شکل را در یک دایره به بهترین صورتی حل کرده است . برای آنکه هم آهنگی نقش میانی با طرح دورمرعات شده باشد اندام پهلوان وسط صفحه بطور روشنی دایره‌وار طرح شده و تألیف منطقی و خوشایندی را پدید کرده است . در نقش سمت چپ صفحه نیز در بخش جلوی بدن یک گونه انحناى مقعرى ترسیم گشته که دایره‌ی خورشید را بخوبی دربر میگیرد . همچنین پاره‌ای از بخش‌های صفحه با خطهای بسیار ریز و نزدیک بهم که بعنوان چین‌های لباس و یاریزه‌کارهای ریش و بال و غیر آن بکار رفته زینت شده و با بخشهای ساده‌بازی خوشایندی پیدا کرده است . و باز با کمی توجه درمی‌یابیم که بخشهای خالی صفحه با قسمت‌های پر بمیزان بسیار متعادل طرح ریزی شده و سطح کارچنان تقسیم گشته که هیچ بخشی را زیاده از اندازه خلوت و هیچ قسمتی را بیش از حد پر کار و شلوغ نمی‌یابیم . با آنکه برداشت کلی بر مبنای قرینه‌بازی پایه‌گذاری شده ولی مهارت هنرمند در ایجاد تنوع باندازه‌ای بوده که در کار وی هرگز خستگی قرینه‌سازی احساس نمیشود . و هنرمند برای پرهیز از این مشکل ، تمهیدهای شیرینی بکار برده که درخور توجه است . بر حسب مثال سر گاو پائین سمت راست را کمی دورتر از



شکل ۸

شکل ۷



گرافیکهای ایران کهن آشنایی یابند و اگر در خیال الهام گیری از هنر تازه هستند سرچشمه اصلی این هنرها که امروز بیش از هر وقت دیگر تازگی و جلوه دارند مراجعه کنند و با بررسی در این آثار دانش هنری خویش را غنی سازند. درست است که اگر امروز کسی یکی از مفرغهای لرستان را بی کم و کاست بسازد هنری نکرده است بلکه تقلیدی بی ارزش بجا آورده ولی اگر هنرمندی این گنجینه را خوب بشناسد و با نشانه‌های آن آشنایی پیدا کند و به رمز نازک کاریها و هنرمندیهای شگرف این آثار پی برد، بی شک هنگامیکه برای بیان خویشتن خویش که رمز هنرمندی است بکار می پردازد دست و روان خویش را سرشار از سرمایه‌های پایان ناپذیر میابد که در هر هنگام بدخوشترین وجهی وی را بکار خواهد آمد.

بهنگام هنرجویی و پژوهش در کارهای هنرمندان گذشته، هدف فراگرفتن آنچه در گذشته انجام پذیرفته نیست، بلکه نیت اصلی بارور ساختن نیروی پندار و غنی ساختن دانشهای فنی برای پدید کردن جهانی تازه است. همانگونه که بهره جویی از فرهنگهای واژه، تنها برای شناختن لغتها نیست بلکه از واژه‌ها برای بیان اندیشه‌هایی که تازگی دارند بهره میگیریم.

لکه دایره ترسیم کرده و پاهای گاو بالدار زیرین را از هم بازتر نشی کرده و در این بخش تصویر یک ماهی را پدید کرده ولی همین منحنی درست چپ بوسیله سر گاو که بزرگتر رسم شد و پاهای مرد سمت چپ و یک گوی کوچک برگشته است. همچنین است درباره‌ی گویهای پائین منحنی که در یکطرف، شکلی شبیه زنگوله جای آنرا گرفته است.

درباره‌ی این اثر و دیگر کارهای مفرغی لرستان سخن بسیار میتوان گفت و جا دارد که هنر پژوهان و دانشمندان و هنرشناسان ایرانی جنبه‌های گوناگون این آثار را بررسی نمایند تا بتوان هر چه بیشتر به رمز پیدایش هنری که در بیش از سه هزار سال پیش به بالاترین درجه تکامل و تنوع رسیده است پی برد.

از سوی دیگر امروز که هنرمندان بزرگ جهان همدی گویش خود را در راه یافتن زبان تازه در هنر بکار میبرند و می‌کنند در کارهای خود با توسل به نشانه‌های باریک، مفاهیم تازه‌ای از دریافت خود از جهان پدید کنند و همانگونه که در آغاز این گزارش دیدیم پاره‌ای از آنان در این راه هنر باستانی را باز می‌یابند خوبست هنرمندان ما با آثار بسیار

نکاتی چند دربارهٔ مسدودسازی

مهندس پرویز مؤیدعهد
استاد دانشگاه تهران

شهرسازی بمعنای امروز، همزمان پیدایش معماری نو، یعنی در حدود اولین سالهای قرن اخیر بوجود آمده است و در مدتی کوتاه تکامل یافته، بطوریکه تا این تاریخ توانسته است اساس مدنیت قدیم را بوضع اعجاب آوری دگرگون سازد. هدف شهرسازی یا بعبارت دقیق تر، معماری شهر، تنسيق و تنظيم و با ایجاد مجموعه‌ای از بناها و فضاهای آزاد و خطوط مرتبطه بین آنهاست، بدانگونه که برای تجمع و سکونت و کار گروهی از افراد انسان مناسب باشد و آنان در عین آسایش و آرامش بتوانند از تمام امکانات بهداشتی و تفریحات ضروری برخوردار شده و در وضعی موافق با کیفیات زمان و مکان زندگی مادی و معنوی خود را رشد دهند.

شهرسازی نمیتواند به تنهایی در قلمرو کارمعماران قرار گیرد، بلکه محتاج به همکاری گروه مشترکی از مهندسان و سیاحان و حقوقدانان و جامعه‌شناسان و بالاخره پزشکان نیز میباشد. و با معاضدت ایشان است که معمار شهر ساز میتواند به تنظیم هیئت خارجی و صورتی شهر و ترکیب طرح بناها و ترتیب فضاهای سرسبز، و تفکیک مناطق دست زنده و هریک از این عناصر را بر حسب وظیفه خاص آنها استقرار دهد، و بالاخره بر اندام شهر تناسب و زیبایی بخشد.

گرچه شهرسازی امروز یکی از پدیده‌های تمدن جدید است، ولی باید گفت که شهرسازی بطور کلی در ازمنه قدیم نیز وجود داشته است. شهرهای هلینستیک و اتروسک و روم قدیم از نظر شهرسازی شاهکارهایی بوده‌اند. معماران قرون وسطی نیز به فن شهرسازی آشنایی داشته و بسیاری از شهرهای آن دوران طبق طرح پیش‌بینی شده بنا گردیده یا توسعه یافته است.

پیدایش و تحول شهرهای کهن در هر زمان بر حسب عوامل و مقتضیات خاص آن زمان بوده است و تا وقتی این عوامل وجود داشته است، شهر به زندگی و گسترش خود ادامه میداده، و با از بین رفتن آن عوامل شهر نیز رو بانهطاط و زوال مینهاده است.

با بررسی تاریخچه شهرها، قبل از هر چیز نقش عوامل بوجود آورنده آن مورد توجه قرار میگردد. مانند عوامل: بازرگانی - مذهبی - نظامی - سیاسی - صنعتی و بالاخره موقع جغرافیایی که خاصه در تعیین شکل و نوع ترکیب طرح شهرها دخالت داشته است. این عوامل بصورت مطلق یا مختلط، هریک بنابه خصوصیات خود وظیفه‌ای جداگانه در امر ایجاد و تطور شهرها داشته‌اند. لکن در این مختصر نمیتوان شرح کامل و رسایی در کیفیت آنها بیان داشت. بنابراین بذکر خلاصه‌ای راجع به نقش این عوامل در بنیاد شهرها اکتفا میشود.

الف - بازرگانی :

فعالیت‌های تجارتنی یکی از قدیمترین و مؤثرترین عوامل ایجاد شهرها بوده است. از دوره‌های تاریک قرون، رسم سوداگری معمول بوده است چنانکه شهر اور (Uruk) از سی قرن قبل از میلاد مرکز بزرگ دادوستد بین اقوام محرو آشور و آسیای صغیر تا دامنه‌های قفقاز و قبایل آسیای مرکزی تا سرزمین هند بوده است.

بازرگانان از نظر تأمین جان و مال خود همواره بطور دسته‌جمعی و بصورت کاروان سفر

میکردند. در همین مسیر کاروانهای تجارتي بوده که بنا بر ضروریات خاص موجبات پی‌ریزی اغلب شهرها فراهم شده است. مثلاً در محل تلاقی دو یا چند راه تجارتي قافله‌های مختلف چندگاهی را اطراق میکردند تا به دادوستد کالاهاى خود پردازند. بتدریج با تأسیس انبارها و مراکز تجمع و تشکیل بازارهای مکاره هسته اولیه شهری را بوجود آورده‌اند.

همچنین ایجاد شهرهای کوهستانی غالباً بدینصورت بوده که، کاروان‌ها وقتى در مسیر خود به يك منطقه کوهستانی برخورد میکردند، بمنظور تبدیل وسیله نقلیه و آماده کردن خود برای گذشتن از راههای کوهستانی ناگزیر بوده‌اند مدتی توقف کنند. و در چنین نقاطی بوده که شالوده اینگونه شهرها ریخته شده است.

شهرهای صحرايي نیز با وضعی تقریباً مشابه با آنچه ذکر شد تشکیل گردیده است. در مسیر صحراهای نامسکون، از طرفی طولانی بودن راه و از سوی دیگر بی‌آبی و گرمای سوزان باعث شده است که قافله بازرگانان برای خود منزلگاههایی بوجود آورند. محل توقف و تمرکز ایشان زباطها و کاروانسراهایی بوده است که بتدریج به شهرهای صحرايي تبدیل گردیده، بطوریکه شهرهای بزرگی چون بغداد و دمشق در اصل کاروانسراهایی بوده‌اند.

صومعه‌ها یا قصرهای فئودالی نیز که در مسیر خطوط تجارتي واقع شده بوده‌اند، باعث جلب بازرگانان در پناه قدرتهای معنوی و مادی خود گشته و این امر موجب شده است که در طول ایام در جوار چنین نقاط شهریایی بوجود آید که نمونه‌های آن بسیار زیاد است.

ب - مذهب :

مذهب را بعنوان مهمترین عامل در تمدن اعصار قدیم باید شناخت. از نظر شهرسازی مذهب علاوه بر نقشی که در تشکیل و تحول و سرنوشت شهرها داشته است، در معماری بناها و خطوط ناظم شهر نیز سرچشمه الهام بوده است. در شهرهای مصر قدیم راههای اصلی در جهات و نقاطی قطع میشده‌اند که بوسیله ارقام مقدس تعیین شده بود.

با آفتاب سوزان مصر قاعدتاً میبایستی خیابانها مانند اغلب شهرهای مشرق زمین کم‌عرض و تنگ بنا میشد، تا در نتیجه، سطح معابر در سایه بیشتری قرار گیرند. در صورتیکه برخلاف، خیابانها بسیار عریض (در حدود ۶۰ متر) بوده است. بنحوی که تابش آفتاب و بادهای آتش‌زای بیابانهای مصر، این خیابانهای وسیع و مستقیم را بصورت جهنمی غیر قابل تحمل در میآورد. است ولی در عوض وسعت معابر، حرکت دسته‌های بزرگ مذهبی را در اعیاد و سوگواری‌ها آسان میساخته است.

همچنین در شهرهای آشور و اترسک، طول و عرض معابر تعداد شوارع اصلی، فاصله خانه‌ها از حصار شهر، ابعاد میادین و بالاخره مساحت و حدود شهر، همه طبق ارقام و اعدادی بوده که در نظر آنها قدرت جادویی داشته است.

شهر لورد Lourdes واقع در منطقه پیرنه علیا، یکی از مهمترین شهرهایی است که بر اثر عامل مذهبی ایجاد شده بدینمعنی که: روزی دختر آسیابانی جلوه مریم را در تاریکی مغاره‌ای رؤیت کرد. از برکت این معجزه! شفای بیماران آغاز شد، و در مدتی کوتاه زیارتگران بیشماری بدین مکان روی آوردند و کلیسای جامعی در جوار مغاره بنا نهادند. امروز این منطقه بصورت شهری بزرگ درآمد. هر ساله نزدیک به هفتصد هزار نفر زائر بسوی آن روی می‌آورند.

سایر شهرهای مذهبی نیز هر يك بر اثر عامل خاص مذهب تکوین یافته است. مکه، بیت‌المقدس، قم و مشهد همه در عداد این قبیل شهرها میباشند که در تمام آنها مذهب بر سایر عوامل مسلط بوده و استواری شهر معلول قدرت و فعالیت‌های مذهبی است.

پ - سیاست :

نفوذ سیاست نیز در موقع خود کمتر از سایر عوامل نبوده است. شهرهای: ورسای، کالسروخ، مانهایم ونهران بمقتضای سیاست روز یا فرمان سلاطین عمر پی‌ریزی ویا تشکیل شده است. مردم امریکا بعد از تحصیل استقلال و تشکیل ممالک متحده، بمنظور پایتخت و مرکز حکومت، شهر واشنگتن را بنا نهادند.

چه بسیار بوده‌اند پایتخت‌هایی که هر چند یکبار تغییر محل داده، زمانی در جوار مرزها ووقتی در مرکز مملکت قرار یافته‌اند. واین امرستگی به سیاست خاص هر دوره داشته است، بدینمعنی که دروضع اول تسلط بر مرزها و دروضع دوم نگرهبانی تمام نقاط کشور منظور بوده‌است. دراین قبیل شهرها عامل سیاسی بطورمطلق حکمروایی داشته و تا زمانی که شهر محل اقامت سلطان یا مقر حکومت بوده است توسعه آن سرعت ادامه یافته است، و با تغییر سیاست یا تعویض مرکز حکومت شهر ارزشد و از رونق بازمانده، مگر در موردی که عامل یا عوامل دیگر بجانشینی سیاست ادامه حیات شهر را تضمین کرده باشد.

ت - نظام جنگی :

این عامل در هر دوره بنا بقضای تکنیک جنگی روز، طرح شهر را بشکل و وضع خاصی در آورده است، چه از نظر انتخاب محل و چه از لحاظ راههای ارتباطی شهر، نقاطی که جنبه مهم دفاعی داشته‌اند، اغلب باعث ایجاد شهرهای عظیمی گردیده‌اند. مانند جزایری که در میان رودهای بزرگ واقع بوده و در عین حال در مسیر شاهراه نظامی نیز قرار داشته‌اند.

شهرهایی چون پاریس، برلن و لنین گراد در چنین جزیره‌هایی پایه‌گذاری شده‌اند. قبل از امپراطوری روم و بعد از سقوط آن و در تمام دوران قرون وسطی، شهرها تقریباً وضع دفاعی بخود گرفته و عامل نظامی یا بطور مطلق یا همراه با عوامل دیگر شهر را در قلمرو و سلطه خود داشته و بنای شهرها بر اصول تکنیک نظامی پی‌ریزی شده‌است. چنانکه معا بر تنگ و پریچ و خم شهرهای قدیم یونان برای جلوگیری از نفوذ سپاهیان دشمن به قلب شهر، و طرح شطرنجی شکل در شهرهای اتروسک، با دو خیابان بزرگی که شهر را به چهار منطقه تقسیم میکرده است، بمنظور سهولت خروج سربازان از دروازه‌های شهر بوده‌است. همچنین طرح ستاره‌ای شکل در شهرهای قرن هفدهم برای امکان تمرکز توپخانه و تیراندازی به جهات مختلف، ابداع شده است. امروز نیز برای مقابله با سلاحهای تازه جنگی، با پیشرفتهایی که بشر در قلمرو علم کرده است، بعید بنظر نمیرسد که طرحهایی بمنظور ایجاد شهرهای زیرزمینی تهیه و بموقع اجرا گذارده شود. چنانکه بعضی از دولتها، از هم‌اکنون در این امر گامهای مؤثری برداشته و موفقیت‌هایی نیز بدست آورده‌اند. اتم گراد شوروی را شاید بتوان بعنوان نمونه نام برد. یا کوی‌های صنعتی زیرزمینی، واقع در کشور سوئد که مجهز به وسایلی است که میتواند زندگی عادی و سالمی را در وضعی کاملاً مصنوعی برای کارگران و ساکنان خود تأمین کند و چه بسا که همین کوی‌های صنعتی، در آینده سرمشق برای شهرهای زیرزمینی گردند.

ث - صنعت :

عامل صنعت در گذشته چندان نقش عمده‌ای در سرنوشت شهرها نداشته است. لکن از اواسط قرن نوزدهم با ظهور ماشینیسیم، صنعت صورتی دیگر بخود گرفت و بر اثر آن تحولی عظیم در اوضاع اقتصادی پدید آمد. خاصه آنکه در این مدت جمعیت بیشتر کشورها بطور حیرت‌آوری رو بتراید نهاد. چنانکه از ۱۸۰۰ تا ۱۹۱۴ یعنی در مدتی حدود یک قرن، تنها جمعیت اروپا از ۱۸۰ میلیون به بیش از ۴۶۰ میلیون نفر رسید. در حالیکه پیش از آن در طی ۱۲ قرن یعنی از قرن

هفتم تا نوزدهم این جمعیت هیچگاه از ۱۸۰ میلیون تجاوز نکرده بود.

با توسعه صنعت، مردم روستایی و شهرنشینی که در زادگاههای خود بیکار و معطل مانده بودند، در جستجوی کار برآمده و به شهرهای عمده و مراکز صنعتی هجوم آوردند. هر روز بر تراکم این توده عظیم افزوده میشد. بتدریج حصارشهرهای قدیمی فرو ریخت و مناطق مسکونی با سرعتی زایدالوصف توسعه یافت.

شهرهایی که بموازات پیشرفت بطئی تمدن قرون گذشته به کندی تحول یافته و جز پذیرش ساکنان محدود خود ظرفیت بیشتری نداشتند، ناگهان با هجوم سیل خانه برافکن مردمی بی‌خانمان روبرو گشتند.

با تکثیر جمعیت، فضاهای آزاد را بناهایی مرتفع و درهم فشرده اشغال کرد. کوچ و خیابانهایی که برای عبور و مرور مردم پیاده و چارپایان بنا شده بود، جای خود را به وسایل نقلیه سریع‌السیر موتورری داد. هیئت شهرها بوضع آشفته درآمد و تاروپود آن از هم گسیخته شد. خلاصه جنبشی سریع و غیرمترقبه و فعالیت‌هایی مختلف و بی‌سابقه آغاز شده و مشکلاتی نوظهور و درهم پیچیده یکی پس از دیگری برگرفتاریهای اقتصادی دولت‌های وقت اضافه گردید. برای سامان‌دادن باین وضع درهم و تعدیل آشفتگی شهرها، اولیاء امور بتکاپو افتاده و در اندیشه چاره‌جویی برآمدند. با آنکه از بدو تحولات صنعتی و آغاز دوره ماشین‌ساز علمای صاحب‌نظر و جامعه‌شناسان، پیش‌بینی چنین اوضاعی را کرده و طرح‌هایی نیز در این زمینه عرضه داشته بودند، معذالک مشکل شهرها لاینحل بنظر میرسید. مسئله بهداشت شهر قبل از هر چیز مورد توجه قرار گرفت. تا بالاخره از اوایل قرن اخیر کنگره‌های بزرگ بهداشتی بطور پی‌درپی در شهرهای بزرگ اروپایی تشکیل یافت، همچنین بسال ۱۹۱۰ چند نمایشگاه بزرگ بین‌المللی برای نشان‌دادن طرح و وضع شهرها، در برلن، دوسلدرف و لندن تأسیس گردید و برای اولین بار وضع شهرهای مختلف در مقام مقایسه قرار گرفت.

در کنگره مشهور لندن که در همان سال ۱۹۱۰ تشکیل شد، عده‌ای از معماران بزرگ و پیشوایان علوم اجتماعی و متخصصان امور اداری شهرها دور هم گرد آمدند و مشکل تنسيق و اصلاح شهرها و تطبیق آن با وضع دنیای جدید را بصورت جدی‌تری مطرح کردند و برای اولین بار کلمه «اوربانیسم» یا شهرسازی بمعنای امروز بر سر زبانها افتاد.

بدنبال تشکیل این کنگره، موزه علوم اجتماعی فرانسه بمعاضدت شوراهای بهداشت شهری و روستایی، دست بفعالیت‌های دامن‌داری زدند. تا آنکه در سال ۱۹۱۲ مقدمات تدوین مقرراتی را فراهم کردند که بعدها با همکاری جمعیت معماران شهرساز، در سال ۱۹۱۹ بعنوان اولین قانون شهرسازی بدولت وقت تکلیف شد و مورد تصویب قرار گرفت. این اولین گام در امر شهرسازی بود.

حاصل آنکه از سالهای اول بعد از جنگ ۱۸-۱۹۱۴ بتدریج اصول و مقررات شهرسازی تکمیل شد و در کشورهای متمدنی جهان معمول گردید.

بزرگترین کنگره‌ایکه تا کنون برای رسیدگی به مسائل مربوط به امر شهرسازی، با شرکت معماران و شهرسازان و جامعه‌شناسان کشورهای مختلف، هر چند سال یکبار تشکیل گردیده است. کنگره‌ایست بنام سیام (Congris international des architectes modernes C.I.A.M)

مهمترین جلسه این کنگره در سال ۱۹۳۳ در شهر آتن تشکیل شد و برنامه‌کار، بررسی وضع ۳۳ شهر بزرگ اروپایی بود. نتیجه مطالعات این کنگره بصورت منشوری پخش شد که در سطور زیر بطور خلاصه بذکر قسمتهای غیر فنی آن مبادرت میشود:

منشور آتن

۱- اغلب شهرها وضع درهم و هرج و مرجی دارند بطوریکه دیگر قادر برفع احتیاجات

حیاتی و روانی ساکنان خود نیستند.

۲ - این وضع میتواند بخوبی توسعه روزافزون منافع خصوصی را از ابتدای ظهور ماشینیسم آشکار کند.

۳ - اعمال نفوذهاییکه روی منافع خصوصی میشود از طرفی باعث عدم تعادل قدرتهای اقتصادی و از طرف دیگر موجب ناتوانی مقامات مسئول و ضعف تعاون اجتماعی میگردد .

۴ - منافع خصوصی باید تابع منافع اجتماعی گردد تا باین ناسامانیها خاتمه داده شود .

۵ - شهر باید روی پلان مادی و معنوی خود آزادی فردی و منافع اجتماعی را تأمین کند.

۶ - ضروریترین قانون برای تنسيق هر شهر، طرح پروگرام و تدوین قوانینی است که اجرای آنرا میسر سازد .

۷ - پروگرام باید روی بررسی متخصصان فن طرح و در آن شرایط زمان و مکان پیش بینی شده باشد. ضمناً باید با مسائل طبیعی و موقع جغرافیایی منطقه مورد نظر همچنین با مفروضات اقتصادی و نیازهای اجتماعی و ارزشهای معنوی آن تطبیق کند.

۸ - کلید شهرسازی در این چهار عامل اصلی است :

۱ - سکونت

۲ - کار

۳ - تفریح سالم

۴ - عبور و مرور

اصل اول : سکونت

کنگره احتیاجات اولیه شهرسازی را در مناطق سکونی در این سه عامل حیاتی خلاصه کرده است : آفتاب - سیزه - فضا . متأسفانه بناهای مسکونی طوری در شهر تقسیم شده اند که با احتیاجات بهداشتی در تضادند. محله های پر جمعیت در نقاطی از شهر واقع شدند که از نظر موقعیت دارای شرایط مناسب نیستند. بعکس محله های کم جمعیت و بناهای لوکس نقاط مناسب تر و خوش آب و هوا تر را اشغال کردند.

موافقتنامه آتن میگوید : ما حق نداریم که در شهرها فقط برای افرادی که از ثروت بهره مند هستند نقاط مناسب و شرایط زندگی سالم و آسوده تری در نظر بگیریم . باید قانون و نظامنامه ای برای ارگانیسیم شهر تدوین کرد تا همه افراد بتوانند از سیزه و هوای سالم و روشنایی استفاده کنند . محله ها و بناهای مسکونی باید بهترین نقاط شهر را اشغال کرده و در فضاهای وسیع و سبز و مشجر و نزدیکی گردشگاهها و زمینهای بازی و ورزش و مراکز تفریح و استراحت قرار گیرد . تراکم مناسب جمعیت باید بستگی داشته باشد به شکل و ترکیب خانه های مسکونی که در نتیجه وضع زمین و موقع جغرافیایی آن مشخص شده است .

منابع تکنیک مدرن باید اقدام به ساختن بناهای مرتفع که در فاصله های دور از یکدیگر هستند بکنند و در نتیجه زمینهای وسیعی برای فضاهای سبز و مشجر و سایر تأسیسات بهداشتی و ورزشی باقی گذارد .

مقامات رسمی و مسئول امور شهرسازی با ایجاد یک رابطه صحیح بین محله های مسکونی و فضاهای آزاد و تعیین مساحت ثابت شهر برای مدتی در حدود پنجاه سال و تدوین اساسنامه ای در این زمینه میتوانند توسعه شهر را در آینده در شرایطی مناسب و اساسی تأمین کنند و در حدود مقررات این اساسنامه همه گونه آزادی به ابتکار و ابداع هنرمندان معمار و شهرساز برای تنسيق شهر بدهند .

اصل دوم : تفریحات سالم

ایجاد فضاهای سبز و خرم تنها وسیله ایست برای مقابله با خطرهای حاصله از تمدن مکانیکی و ماشینی و باغها و گلستانهای عمومی همیشه اثر شفا بخش روی جسم و روح مردم دارد و مهمتر از همه تأثیر آن روی وضع روانی و عصبی ساکنان شهر است. وجود فضاهای مشجر ضروری ترین عامل برای شهرهای بزرگ و پر جمعیت میباشد تمام محله های مسکونی باید در آینده زمینهای سبز و وسیعی برای ساختن تأسیساتی از قبیل زمینهای بازی و ورزش برای کودکان و جوانان در اختیار داشته باشند. مجموعه خانه های ناسالم باید خراب شود و جای آنها بوسیله سبز و درخت اشغال شود. بهداشت عمومی برای محله های قدیمی و ناسالم جز کلنگ علاج دیگری در نظر نمیگیرد. برای هر یک از محله های مسکونی باغ اطفال و باشگاه جوانان، مراکز اجتماعی تهیه شود. مساحت باغها و پارکها و فضاهای آزاد و مشجر طبق بررسی دقیقی که بعمل آمده است بر حسب تعداد جمعیت شهر تعیین شده است. برای شهرهای بزرگی که از اطراف بوسیله جنگلهای طبیعی و مصنوعی محصور هستند باید برای هر نفر پنج متر مربع زمین سبز و مشجر در نظر گرفت ولی برای شهرهایی که فاقد جنگل و مناطق سبز هستند باید مساحتی معادل بیست متر مربع برای هر نفر حساب آورد.

اصل سوم : کار

فاصله بین مراکز کار و خانه های مسکونی باید بحد اقل اندازه برسد. منطقه صنعتی باید بوسیله یک منطقه وسیع مشجر از مناطق مسکونی جدا شود. مراکز حرفه ای میتوانند در محوطه داخلی شهر ولی در نقاط مشخص قرار گیرند. مراکز معاملات و امور تجاری باید دارای ارتباط آسان با مناطق مسکونی همچنین مراکز صنعتی و مراکز حرفه ای داشته باشند.

اصل چهارم : عبور و مرور

بیشتر راههای ارتباطی در بدو امر برای عبور و مرور پیاده رونندگان و یا از ایدها و چهارپایان پیش بینی شده است نه برای حرکت وسایل موتوری، فاصله نقاط برخورد وسایل ارتباطی بسیار کم است فاصله اغلب کوچه هاییکه مسیر وسایل نقلیه هستند از یکدیگر در حدود صد یا پنجاه یا هریست یا ده متری است در حالیکه لا اقل این فاصله باید در حدود دویست یا چهار صد متر باشد. در مقابل سرعتهای مختلفی که وسایل نقلیه دارند شبکه عبور و مرور شهرها کاملاً ناقص و فاقد ارزش میباشد هر دسته از وسایل نقلیه اعم از اتوبوس - اتومبیل - کامیون - دوچرخه - ارابه و غیره بر حسب سرعت مسیر و هدفی که دارند باید تقسیم بندی شده و برای آنها پیستهای جداگانه ای در نظر گرفت. مشکل نقاط تقاطع راههایی که اشباع از ترافیک هستند باید بوسیله ایجاد اختلاف سطح حل شود بخصوص وسایل نقلیه ترانزیت نباید مجبور به توقف در نقاط مختلف شهر گردند با ایجاد اختلاف سطح در نقاط برخورد میتواند حرکت پیوسته وسایل نقلیه را تأمین کرد. پیاده رونندگان باید مسیری کاملاً جدا از خط سیر اتومبیلها داشته باشند. راههای ارتباطی باید بر حسب وضع و هدفی که دارند تقسیم بندی گردند مثل راههای ارتباطی محله های مسکونی و راههایی که فقط برای گردش و پیاده روی در نظر گرفته شده است راههای ترانزیت و شاهراههای اصلی داخل شهر که بر راههای خارج از شهر متصل میشود و همیشه یک فضای وسیع و مشجر باید بصورت دیوار محافظی، راههای بزرگ عبور و مرور را از دیگر قسمت های شهر جدا کند.

درسه شماره گذشته شرحی درباره موقع جغرافیائی ایران و کیفیات اقلیمی آن نوشتیم و پس از آن به بحث در تاریخ حفاری در ایران پرداختیم و بخصوص از روشهای حفاری گذشتگان انتقاد کردیم و ژالدومورگان را با اشتباهاتی که در روش کار خود داشت بعنوان نمونه یادآور شدیم. در گذشته به تأکید ذکر کردیم که هدف از حفاری نباید جمع آوری اشیاء گرانبها برای موزهها باشد بلکه روشن کردن تاریخ گذشته باید وجهه همت باستانشناس قرار گیرد.

کیکاووس جهاننداری

ایران در آینه مجسمان

(۴)

نخستین دستورالعمل اینست که کار را با کارگرانی هرچه کمتر بر گذار کنیم. مورگان بکمک هزار و دویست نفر کار میکرد اما نتیجه کار با سیصد نفر بهیچوجه بهتر از حاصل کار دویست نفر نیست. این معلوم است که باستانشناس خود شخصاً نمیتواند کلنگ بزند اما اطلاعات خود را از خاکهایی که بر اثر کلنگ زدن زیر و رو شده است بدست میآورد. بهمین دلیل باستانشناس ناگزیر است کار کلنگ زدن را زیر نظر مستقیم خود داشته باشد. در نتیجه هر کارگاهی به یک مدیر، چهار یا پنج دستیار و یک یا دو معمار برای تهیه طرح محتاج است. کارگران محلی باید علی‌الدوام تحت مراقبت و نظارت باشند «اگر حفاری نوعی جراحی باشد پس باید در روش کار خود از آن علم نکته‌ها بیاموزد. این جراح است که سر رشته کارها را درست دارد نه پرستار. پس به تعداد حفاریهایی که میشود باید متخصص کار آزموده و حفاری در اختیار داشت»^۱ در نتیجه حفاریهایی که با دقت انجام میگیرد وقت بیشتری میخواهد. این مهم است که حفار بداند آیا به دنبال اشیاء کمیاب است و یا میخواهد یک ناحیه را درست بشناسد. بهتر آنست که در ناحیه کوچکی به دقت و با تأمل حفاری کرد تا اینکه به بهره‌برداری با اصطلاح «صنعتی» دست زد و منطقه‌ای را برای همیشه از حیز انتفاع انداخت.

مناطق باستانی واقع در شرق نزدیک از اجزاء کاملاً مختلفی تشکیل شده است. بناها را پشت هم بروی ویرانه‌های گذشتگان ساخته‌اند. باستانشناس ناگزیر میشود که به یک گاه‌شناسی نسبی اکتفا کند و نخستین وظیفه او آنست که حتی المقدور بدون شك و تردید توالی دقیق لایه‌ها را گزارش دهد و ادوار آنرا کشف کند. با این کار مراحل تاریخ باستانشناسی آن موضع بدست آمده است. باستانشناس با گمانه زنی و ایجاد مقاطع در محل کار را شروع میکند و آهسته آهسته جزیان زمان را از حال به گذشته دنبال میکند. همینکه به عمق می‌رود میتواند به حد فاصل یا دیواره لایه‌ها پی برد و بدین طریق می‌توان توالی مراحل مشخص سکونت اقوام را دریافت. در عمل پی بردن به تفاوت لایه‌ها کاریست دقیق و مشکل، در حالی که این امر در تئوری ساده

1 - A. Leroi - Gourhan, Etude Archeologique, Paris 1963, p. 54.



راست : جام از گل پخته مزین به نقوش هندسی متعلق به تیره حصار (دامغان) سه هزار و پانصد سال قبل از میلاد مسیح - موزه ایران باستان طهران
چپ : ظرفی به شکل حیوان با چهارچرخ گل پخته متعلق به گیلان اوایل هزاره اول قبل از میلاد مسیح - موزه ایران باستان طهران

بنظر می آید . اغلب میتوان لایدها را در اثر تفاوت رنگ و اختلاف در مراحل ساختمانی آنها باز شناخت . اما در عمل معرفت دقیق بدانها مستلزم داشتن تجربه زیاد وحسی است که در اثر کار زیاد در باستان شناس ایجاد میگردد . البرایت درست گفته است : « حفاری در عین حال هم هنر است و هم علم »^۲ از این گذشته تشخیص توالی لایدها اغلب در اثر ایجاد مستحادثاتی مانند گور و چاه آب مشکل میشود بنابراین تأویل و توجیه دیواره محل کاری است مشکل و تنها هنگامی میتوان به نحوی رضایت بخش از عهده آن برآمد که دیوار را قبلاً صاف و هموار کرده باشند . ویلر می نویسد : « توجیه يك مقطع مانند قرائت يك زمان است و این کار فقط به کمک امثله و تجربه آموخته میشود »^۳ .

پس از اینکه بدین طریق لایه های مورد مطالعه را پاک کردند و آنها را کاملاً شناختند دیگر بر عهده باستان شناس است که فهرست دقیق و کاملی از دیواره هائی که مورد کاوش قرار گرفتند تهیه کند .

پس به این نتیجه می رسیم که هدف از حفاری آگاهی به توالی مراحل است که از فرهنگها و تمدن های متمایز گواهی می دهد . این روش معمول است که باستان شناس کار را با نمره گذاری مراحل مختلف از بالا به پائین شروع میکند .

هنگامی که باستان شناس به زمین بکر رسید دیگر می تواند از این نمره گذاری موقت دست بکشد و قدیمترین مرحله تمدن را I نامد و پس از آن به ترتیب مراحل دیگر را II و III

2 - W.F. Albright, L'Archeologie de la Palestine, Paris 1955, p. 7.

3 - Wheeler, Archaeology from the earth p. 49.



راست : نقش حیوان از گل بخته که از شوش بدست آمده است اوایل هزاره سوم قبل از میلاد مسیح - موزه لوور
چپ : کتیبه خط میخی - بازار گاد در قالار بار کوروش بدست آمده است

شماره بگذارد . با کمال تأسف باید گفت که از این رسم منطقی همواره پیروی نکرده‌اند و این غفلت خود باعث نابسامانیهای بسیار شده است . آثار باستانی ایران مانند تپه گیان را از بالا به پایین نمره گذاری کرده‌اند و در نتیجه گیان ۷ قدیمترین مرحله محسوب می‌گردد . از طرف دیگر تپه سیلک را درست طبقه بندی کرده‌اند و سیلک ۷۱ در نتیجه از نظر زمانی آخرین و جدیدترین مرحله اشغال این ناحیه بوده است . مسلم است که فقط در صورتی می‌توان بدین طریق به بسیار مطلوب متوسل شد که به زمین بکر رسیده باشیم . هر گاه مرحله‌ای که ما در آخر کار بدان رسیده‌ایم قدیمترین مرحله نباشد دیگر نباید آنرا مرحله ۱ بنامیم . به همین دلیل چانه‌ودارو^۴ را که در ناحیه سند واقع است برعکس یعنی از بالا به پایین شماره گذاری کرده‌اند زیرا ریزش آب مانع از تحقیق در قدیمترین لایه‌ها شده است .

خوب حالا برای اینکه بتوانیم مقاطع آزمایش ایجاد کنیم ، چه روشی را باید برگزینیم ؟ مسأله نقشه کار بسیار مهم است زیرا حفاری که درست طرح و پیش بینی نشده باشد چه بسا که به سرعت به مجموعه‌ای از گودالهای درهم برهم تبدیل شود . البته نظارت فائقه بر چنین گمانه‌ای

4 - Chanhu Daro

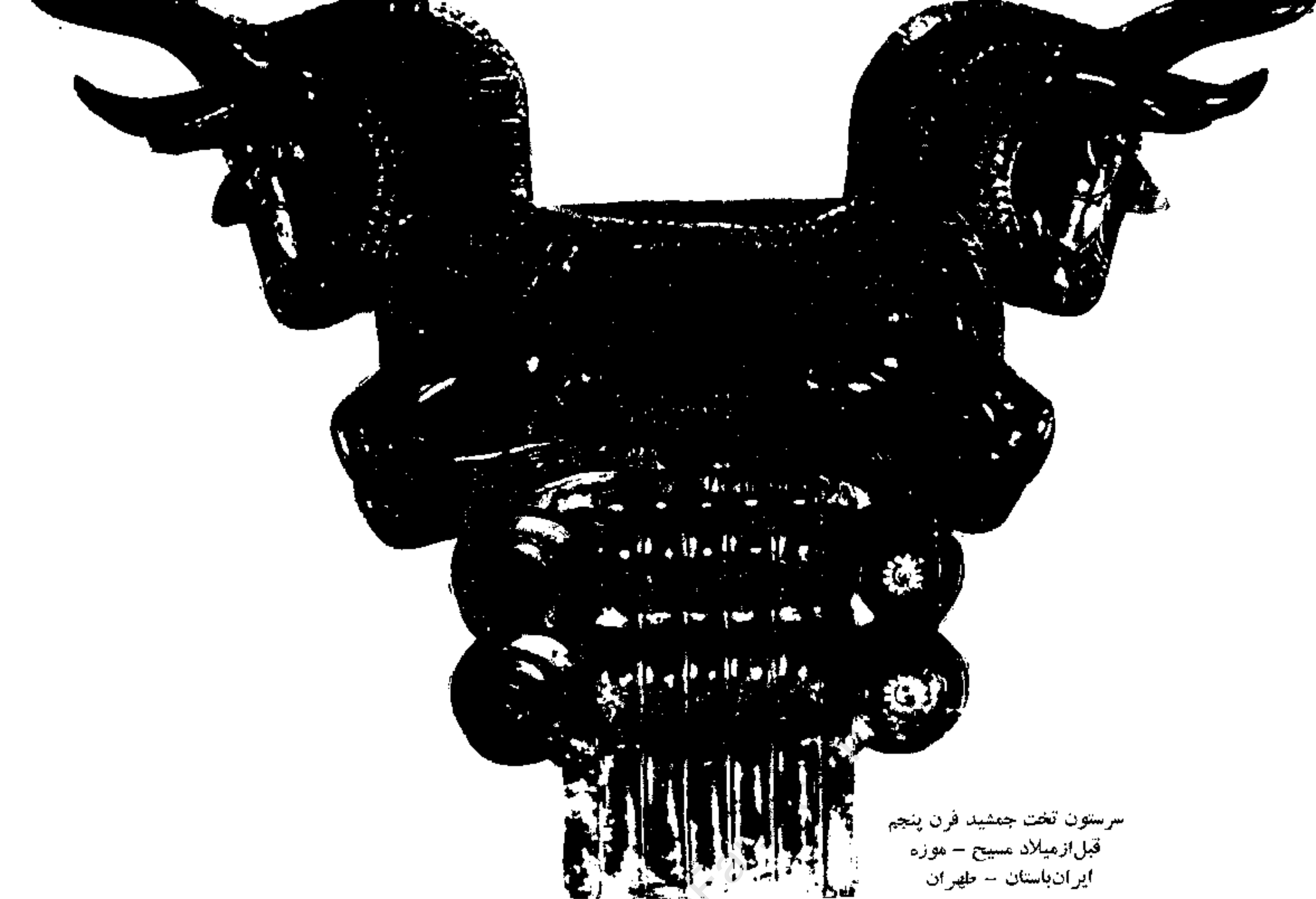
داشتن کاری است بس مشکل ، از آن گذشته از ابتدای امر باید همکاری افراد را با هم تأمین نمود. هر حفاری گزارش دقیق و نظارت میخواهد. بهترین و معقولترین طرح تقسیم سطحی است که میخوایم در آن حفاری کنیم به چهار گوش های منظم. باید چنان نقشه کار را پیش بینی کرد که بتوان حفاری را بر حسب تحولات پیش بینی نشده کار در آینده از هر جهت که لازم باشد توسعه داد بصورتی که این کار موجب ایجاد تغییراتی در طرح کلی نگردد. ساده تر از همه اینست که زمین را به چهار گوش هائی تقسیم کنیم. البته چنین کاری را نباید بروی کاغذ و در عالم خیال انجام داد بلکه باید نقشه را روی خود زمین پیاده کرد. بدین ترتیب کار گاه بصورت مربعهائی که پهلوئی هم قرار گرفته اند درمی آید با فواصل منظم، برای آنکه در کار علامت گذاری تسهیل شود میتوان حد فاصل چهار گوشها را از هم دیگر دیوار کشید. هنگامی که حفاری پیشرفت کرد میتوان این دیوارها را برداشت.

دیدیم که تحقیق دقیق در دیوارها مهمترین اطلاعاتی را بما می دهد که بر مبنای آن می توانیم وضع لایه شناسی منطبقه مورد نظر خود را روشن کنیم. روش تقسیم منطبقه به چهار گوش این امکان را بما می دهد که در کماندزنی نه یک دیوار بلکه چهار دیوار در اختیار ما قرار گیرد و از این طریق بدقت مشاهده و امکان بازرسی متقابل ما افزوده شود. از آن گذشته طبق این روش میتوان باز در همه جهات به تعداد این چهار گوشها افزود بدون اینکه ناگزیر باشیم در نقشه اصلی کار تغییراتی بدهیم. اضلاع این چهار گوشها میتواند ۵ متر در ۵ متر باشد و باید یک گودال مقدماتی در حدود پنج سانتیمتر تا یک متر در هر چهار گوش حفر کرد. این گودال مقدماتی ما را از این آگاهی میکند که باستان شناس با چه چیز مصادف خواهد شد و این مانع آن میشود که مصالح موجود بدهد رود دیگر آنکه باید در زمان واحد به حفاری در چهار گوشها پرداخت زیرا ما باید در یک چهار گوش بتوانیم معلوماتی را که از چهار گوش دیگر بدست آورده ایم بیازمائیم. بهر چهار گوش باید یک دفتر یادداشت اختصاص داد. اشیائی که در هر لایه بدست می آید باید حتی المقدور بلافاصله مورد مطالعه قرار گیرد و همه موقتاً ضبط و ثبت شود و طبقه بندی آنها بد بعد موقوف گردد. امتیاز بزرگ این روش در اینست که لایه ها و مواد بدست آمده را می توان در همه ابعاد بازرسی و ثبت کرد.

برای مطالعه دوره قبل از هخامنشیان سفال یکی از غنی ترین منابع اطلاع ماست. از آن گذشته در هر منطقه باستان شناسی قطعات سفال فراوانتر از هر چیز دیگر بدست می آید. به همین دلیل نباید تعجب کرد که باستان شناس از آن برای تعیین تاریخ منطقه مورد عمل خود استفاده کند. اینکه توانسته اند یک گاه شماری نسبی که مبتنی بر توانی قدرت فنی و سبک هنری است ایجاد کنند فقط به کمک سفال بوده است و بس. از آن گذشته از برکت وجود سفال توانسته اند لایه های مناطقی را که کم و بیش از هم فاصله دارند با هم مربوط کنند و این خود تنها از قرابت موجود بین فرآورده های سفالی میسر شده است و بس. بدیهی است که باید روابط بین دو گروه از سفال با کمال احتیاط و دقت روشن شود زیرا انتشار یک نوع سفال در یک منطقه معین دلیل ندارد که در زمان واحد و بهمان مقدار که بدست آمده صورت پذیرفته باشد. در این ضمن فراموش نیز نباید کرد که از ایران قبل از هخامنشیان بجز الواج عیلامی قدیم که در شوش بدست آمد و آنها که در لایه ۱۷ نیپه سیلک کشف شد شاهد مکتوب دیگری بما نرسیده است. در نتیجه چاره ای جز آن نیست که از سفال برای طبقه بندی ادوار تمدن ایران و اقلاً برای دوره های ماقبل تاریخ و ابتدای دوره تاریخی استفاده کنیم.

تعداد حفاریهای علمی در نجد ایران هنوز محدود است و هر نوع طبقه بندی منظم هنوز بر پایه فرض استوار است و چه بسا که باید در آن تجدید نظر کرد. بهر تقدیر سفال محکی است برای نتیجه گیریهای باستان شناسی.

باید از نظر دور نداشت که با استفاده از سفال طبق اسلوب درست بطور کلی گامی بسوی پیش برداشته ایم. میدانیم که مفاهیم «دوران قدیم سنگی و دوران جدید سنگی» در عصر حاضر



سرستون تخت جمشید قرن پنجم
قبل از میلاد مسیح - موزه
ایران باستان - طهران

دیگر روشن شده است . دیگر صحبت از آن نیست که ما انسانی را که سنگ تراشیده مقابل انسانی که آنرا میقل داده بگذاریم ، بلکه ما با بکار بردن این الفاظ تمدنی را که بدست شکارچی ها و ماهیگیرها تشکیل شده در برابر تمدنی میگذاریم که توسط دامداران و برزگران ایجاد شده است . آغاز دوران کشتکاری و برزگری نقطه عطف و تحولی بزرگ در تاریخ تکامل بشری محسوب میشود . کسی که وابسته به طبیعت است با طبیعت همکاری میکند . یعنی از طبیعت چیزی را که برای زندگی خود لازم دارد میگیرد . قدیمترین کانون نشوونمای کشاورزی شرق نزدیک است . در این نقطه در هفت هزار سال قبل از مسیح به مقدار قابل ملاحظه ای اراضی زیر کشت وجود داشته است . به گندم و جو در مرحله ای که هنوز بومی نشده بوده است در نواحی آسیای غربی بر میخوریم . بومی شدن گندم و جو در این مناطق به موازات اهلی کردن حیوانات عملی شد . برای نگاهداری خواربار که از غلات تشکیل می شد ناگزیر به ساختن ظرفهائی بودند که در برابر آتش مقاومت کند و مایع نیز از آن نتراود . پس می بینیم که اهمیت سفال که در همه جا جزء لاینفک روستاهای دوران جدید سنگی است در چیست . گوردون چایلد می نویسد : « که سفال شاید وجود خود را مدیون سوختن تصادفی سبزی باشد که برای غیر قابل نفوذ کردن آن رویش گل مالیده بودند »^۵ . مسلم است که بعضی از نقوش تزئینی دوره I تپه سیلک با خطوط موازی که یکدیگر را با زاویه قائمه قطع میکنند از فن سبذ سازی مأخوذ است . اما آنچه در ابتدا فقط یک کالای مصرفی ساده بود به سرعت به اثری هنری مبدل شد . برای ساختن یک گلدان به اطلاعات فنی زیادی احتیاج است .

5 - V. Gordon Child, La Naissance de la civilisation, Lausanne 1963.

يك تکه خاک آتش دیده به سهولت به دلخواه کسی که آنرا در دست دارد بخود شکل میگیرد ، اما اگر مقدار آب زیاد باشد این گلدان را درخود حل میکند و اگر آب کم باشد این خاک ترك برمی دارد . حال هرگاه خاک را بیش از ششصد درجه حرارت بدهیم دیگر خاصیت انعطاف خود را از دست میدهد و محکم میشود . آنوقت دیگر شکل سفال دوام میگیرد . از آن گذشته خاک برشته شده رنگ خود را بر حسب روشی که به آن حرارت داده اند تغییر میدهد . اگر هوا در حین عمل برشته کردن وارد شود ظرف رنگ قرمز که ناشی از اکسید آهن است بخود میگیرد . این قطعه سفال را همچنین می توان با طرحها و کنده کاری زینت بخشید . پیشه ور اندک اندک کار کشته میشود . به حرفه خود تسلط پیدا میکند . مسلماً سفال یکی از زیباترین جلوه های قدرت خلاقه انسانی است . کوزه گر کوزه را بر حسب قوه خیال خود شکل میدهد . پس در حقیقت او چیزی می آفریند . هربرت رید بخصوص در این باره تأیید میکند : « سفال در عین حال ساده ترین و هم مشکل ترین هنرهاست . این کار از آن رو که از همه کارهای دیگر ابتدائی تر است ساده تر نیز هست ، اما از طرف دیگر چون مجرد تر از هر فعالیت هنری دیگر است پس از این نظر از همه مشکلتر هم به حساب می آید » .

« هنر يك کشور و ظرافت نیروی ابداع اهالی آنرا میتوان از سفال های آن قیاس کرد . این محك مطمئن است . سفال سازی هنری است خالص و از هر قعد و عمد تقلید مبری . در مجسمه سازی که از هر چیز دیگر به سفال سازی نزدیک تر است از بدو ظهور قصد تقلید وجود داشته است . پس شاید از این لحاظ در مجسمه سازی کمتر از سفال سازی برای بیان و تجسم فرم آزادی در کار باشد ، سفال سازی هنری است پلاستیک به مجرد ترین مفهوم آن » .

« اولین سفال سازان مسلماً از حصیر و سبد تقلید میکردند و تزیینات سفال بخوبی این شباهت را تأیید میکند . اما سفال سازان به سهولت توانستند خود را از قید این شباهت رها کنند و آثار هنری خاص خود را بیافرینند »^۷ .

سفال نقش دار از نظر زیباشناسی برای باستان شناسان ایران یکی از جذاب ترین موضوعهای مطالعه است . یکی از مهم ترین هدفهای حفاری درست اینست که بتواند مبداء و خاستگاه انواع سفال را روشن کند . بهمین دلیل باید روشهای کار را هر چه دقیقتر کرد . این روشها ثمره يك طرز فکر درست در علم باستان شناسی است که به موجب آن تمام توجه باید به خود حفاری معطوف شود و هر شیئی در همان محل کشف مورد مطالعه قرار گیرد . تجربه نیز صحت این روش را ثابت کرده است . بهیچوجه آنطور که کی گفت ، حفاری « يك حادثه منحصر بفرد از يك سلسله وقایعی که منجر به تحقیق در اسناد میشود یا روش خسته کننده ای که با توسل بدان می توان اشیائی را برای استنتاجات علمی فراهم کرد ، نیست »^۸ .

مطالعه در سفال فعالیت اصلی علم باستان شناسی است . بر حسب اینکه با بصیرتی کمتر یا بیشتر بدین کار بپردازیم بهمان نسبت کار فکری و نتیجه گیری تاریخی ما مبهم یا دقیق ، گرا نبها یا بی ارزش خواهد بود .

6 - H. Read, The Meaning of Art, Penguin Book, 1961, p. 33.

۷ - انسان اغلب کار کوزه گری را مظهر خلقت پنداشته است . یهود نیز انسان را بهمین طریق آفریده است . متن کتاب مقدس در این باره چنین است : پس خداوند آدم را از خاک زمین صورت داده و نسیم حیات را بر دماغی دمید و آدم جان زنده شد . سفر تکوین ، فصل دوم ، آیه هفتم . یرمیاه نیز تمثیل کوزه گر را برای نشان دادن کسی که چیزی را باراده خود می آفریند بکار برده است (کتاب یرمیاه ، فصل هیجدهم ، آیه دوم) : که برخیز به خانه کوزه گر فرود آی که ترا در آنجا به کلام خود شنوا خواهم کرد . پس بخانه کوزه گر فرود آمدم و اینک شعلی بر روی چرخ درست میکرد و ظرفی که از گل می ساخت در دست کوزه گر ضایع شد و برگشته ظرف غیر مرا ساخت مطابق آنچه که در نظر کوزه گر خوش آمد که بسازد . پس کلام خداوند بدین مضمون بمن رسید که خداوندگار می فرماید ای خاندان اسرائیل آیا من بشما مثل این کوزه گر نمی توانم عمل نمایم ؟ یرمیاه پولس مکرراً از تمثیل استاد کوزه گر یاد میکند .

8 - A. Leroi, Gourhan, Etudes Archeologique, Paris 1963, p. 56.

قالی های قدیم ایران

پروین برزین

هنر و صنعت بشمار میروند کلیه صنایع بخصوص صنعت قالی بافی مورد توجه قرار گرفت. در این دوران تعداد زیادی قالی و قالیچه بسیار نفیس باقیمانده که در کارگاههای تبریز-کاشان-همدان-شوشتر و هرات بافته شده است. در بعضی از این شهرها از طرف دربار سلطنتی کارگاههای مخصوص برپا گردیده بود که در آنها بهترین و ظریفترین فرشها بدست هنرمندان ماهر تهیه میگردید. قالیهای دوران صفویه را میتوان بدو گروه تقسیم بندی کرد آنهایی که در دوران فرمانروائی شاه اسمعیل و شاه طهماسب تهیه شده که «به مکتب شاه طهماسب» معروف است و دیگری قالیهای بافت دوران سلطنت شاه عباس معروف به «مکتب شاه عباس».

شاه طهماسب که متجاوز از نیم قرن (۹۸۴ - ۹۳۱ هجری) سلطنت کرد در همه احوال به تشویق هنرمندان پرداخت. از اینرو در دوران سلطنت او غالب صنایع ظریفه بخصوص قالیبافی راه ترقی پیمود و تغییرات کلی در طرحها بوجود آمد، چنانچه قالیهای ترنجدار جانشین آن گروه از قالیهائی شد که تا اواخر قرن نهم هجری بافت آنها در ایران معمول بود و بعداً بطرح تیموری و مغولی شهرت یافت.

علاوه بر قالی ترنجدار در این دوران بافتن قالیهائی با نقش حیوان و شکارگاه متداول گردید که این نقشها معمولاً عدهای اسب سوار را در حال مسابقه نشان میدهد. این طرحها با کمک نقاشان و مذهب کاران که در دربار منزلتی داشتند تهیه میگردیده است.

قالیهای مکتب شاه عباس عبارتند از:

(الف) - قالیهای گلدانی.

(ب) - قالی با نقش اسلیمی که نمونه های آن بسیار کمیاب است. این طرح معروف به «طرح شاه عباس» تاحدی مورد پسند واقع شد که در قرن سیزدهم هجری در قفقاز به تقلید آن پرداختند.

(پ) - قالی با نقش درخت و باغ.

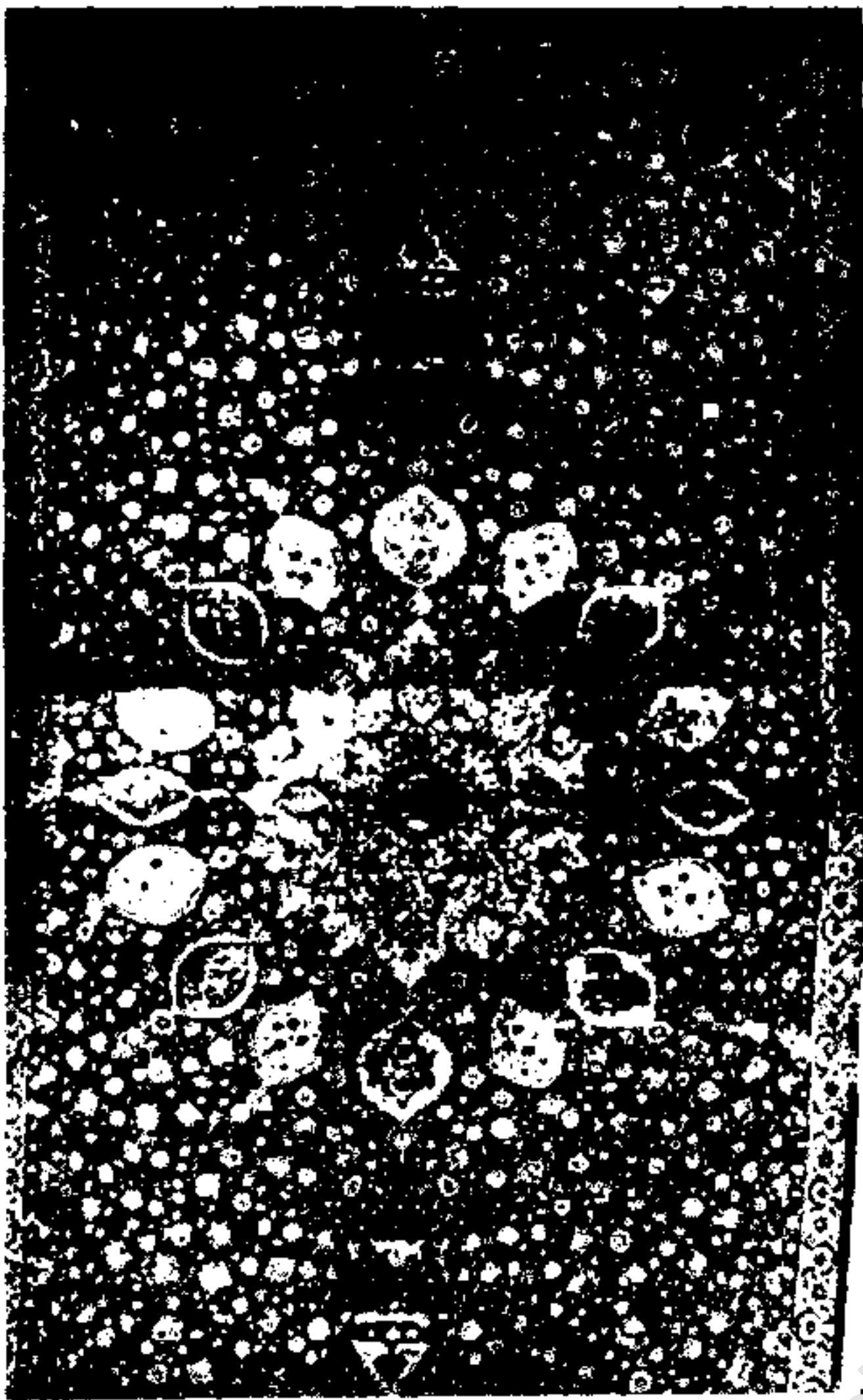
(ت) - قالیچه های سجاده ای.

طی سالیانی که چه در مأموریت اداری و چه تحصیلی در کشورهای مختلف اروپای غربی و آمریکا میگذراندم بسیاری از موزه های معروف جهان را بازدید نمودم و به سبب ضرورت شغلی و علاقه شخصی بالاخص بقسمت های مربوط بدقالی و قالیچه این موزه ها دقت بسیار بعمل آوردم. اما هرچه بیشتر بدچنین امری اقدام میوزیدم تأسف و اندوهم افزوده میگشت و باخود میاندیشیدم چگونه است که در خود ایران موزه ای خاص برای قالی یعنی چیزی که کشور ما بدان مباحثات میوزرد نداریم. علیرغم این واقعیت که وجود نمونه های ارزنده هنر قالی ایران در موزه های مختلف جهان مؤید قدرت تاریخی و دوران پرشکوه گذشته میهن ماست و علاوه بر آنکه بنمایش گذاردن این نمونه ها توجه جهانیان را بالمال بایران جلب میکند و سبب معرفی بیشتر صنعت و هنر قالیبافی ایران طی قرون می باشد مع الوصف نبودن موزه ای در خود ایران همیشه مایه افسوس و تأثر نگارنده بود.

از بخت نیک گفته میشود وزارت فرهنگ و هنر اخیراً با کسب اجازه از پیشگاه شاهنشاه آریامهر مقدمات ایجاد موزه ای مخصوص قالی ایران را فراهم آورده است. نگارنده اطمینان دارد که این اقدام بی سابقه نه فقط سبب حفظ و حراست آثار گرانبهای هنر ایران است بلکه میتواند مرکزی برای هدایت و پیشرفت هنر قالیبافی در ایران بشمار رود و از ادامه بحرانی که طی این مقاله بدان اشاره میشود جلوگیری لازم بعمل آورد.

از فرشهای ایران قبل از دوران صفویه متأسفانه نمونه ای در دست نیست، بلا تردید در دوران مغول و تیموری کارگاههایی در سراسر مملکت وجود داشته که بکار قالی بافی میپرداخته اند. تنها مدرک موجود مینیاتورهای باقیمانده از این دورانست که در آنها نقش قالی بد چشم میخورد. طرح قالیهائی که در مینیاتورهای مغولی و تیموری کشیده شده تحت نفوذ و تأثیر نقاشیهای همزمان خود قرار گرفته است (شکل ۱).

با آغاز سلطنت سلسله صفویه که پادشاهان آن از مشوقین



۱ - قطعه عیساتور از حبه نظامی مورخ ۹۳۱ هجری متعلق به موزه سروبولین در شهر نیویورک ۲ - قالی متعلق به بنه شیخ صفی‌الدین در اردبیل - کار تبریز - قرن دهم هجری متعلق به موزه ویکتوریا آلبرت در لندن

قالی با نقش ترنج

در این گروه معمولاً طرح ترنجی در وسط بکار برده می‌شود و چهار ربع ترنج در چهار گوشه قرار می‌گیرد. ایجاد ترنج در وسط قالی سبب گردید که شهرت قالیها رو بافایش گذارد. بعضی از این نوع قالیها از نظر طرح بسیار ساده است و برخی دیگر دارای کار و تزئین زیاد و متنوع. معروفترین قالیهای ترنج‌دار یک جفت قالی است متعلق به بنه شیخ صفی‌الدین در اردبیل که در سالهای ۹۴۷ - ۹۴۶ هجری در تبریز بافته شده است (شکل ۲).

هیچ قالی در هیچ دوران شناخته شده و در هیچ منطقه‌ای تا این اندازه معرف سادگی و زیبایی این نوع قالیهای ترنج‌دار نمیباشد. ترنج میانی خوش‌نقش قالی در واقع مرکزی است که از هر گوشه آن نقشی رو بخارج طرح‌ریزی شده و مجموع این طرح‌ها نیز ترنج بزرگتری بوجود می‌آورد. این امر روش کلی طرح ساقه‌ها و طرحهای اسلیمی را که ایجاد گردیده بسادگی نشان میدهد و سهولت میتوان حرکات آنرا در جهت‌های مختلف

تعقیب نمود.

گاه بجای طرح یک ترنج در وسط، چندین ترنج کوچکتر در تمام سطح قالی قرار میدادند که در میان آنها طرح‌های دیگر کشیده میشده است و در فواصل طرحهای ترنجی اشکال طوماری و طرحهای اسلیمی نقش میگردیده است.

در بعضی از قالیهای ترنجی علاوه بر نقوش اسلیمی شکل انسان و حیوان نیز دیده میشود.

از نمونه‌های قالیچه ترنج‌دار قالیچه‌ایست ابریشمی متعلق به موزه ایران باستان که در تبریز که با ترنجی در وسط و چهار ربع ترنج در چهار گوشه تزئین یافته و در متن نقوش شاخ و برگ دیده میشود. حاشیه قالی با یک ردیف نقوش هندسی زیست‌شده که نقش آن بر اساس یک در میان عبارتست از دو طاوس که در دو طرف یک درخت نشسته‌اند و دو انسان بالدار که در اطراف آن دو شاخه‌هایی بشکل شکوفه قرار دارد (شکل ۳).

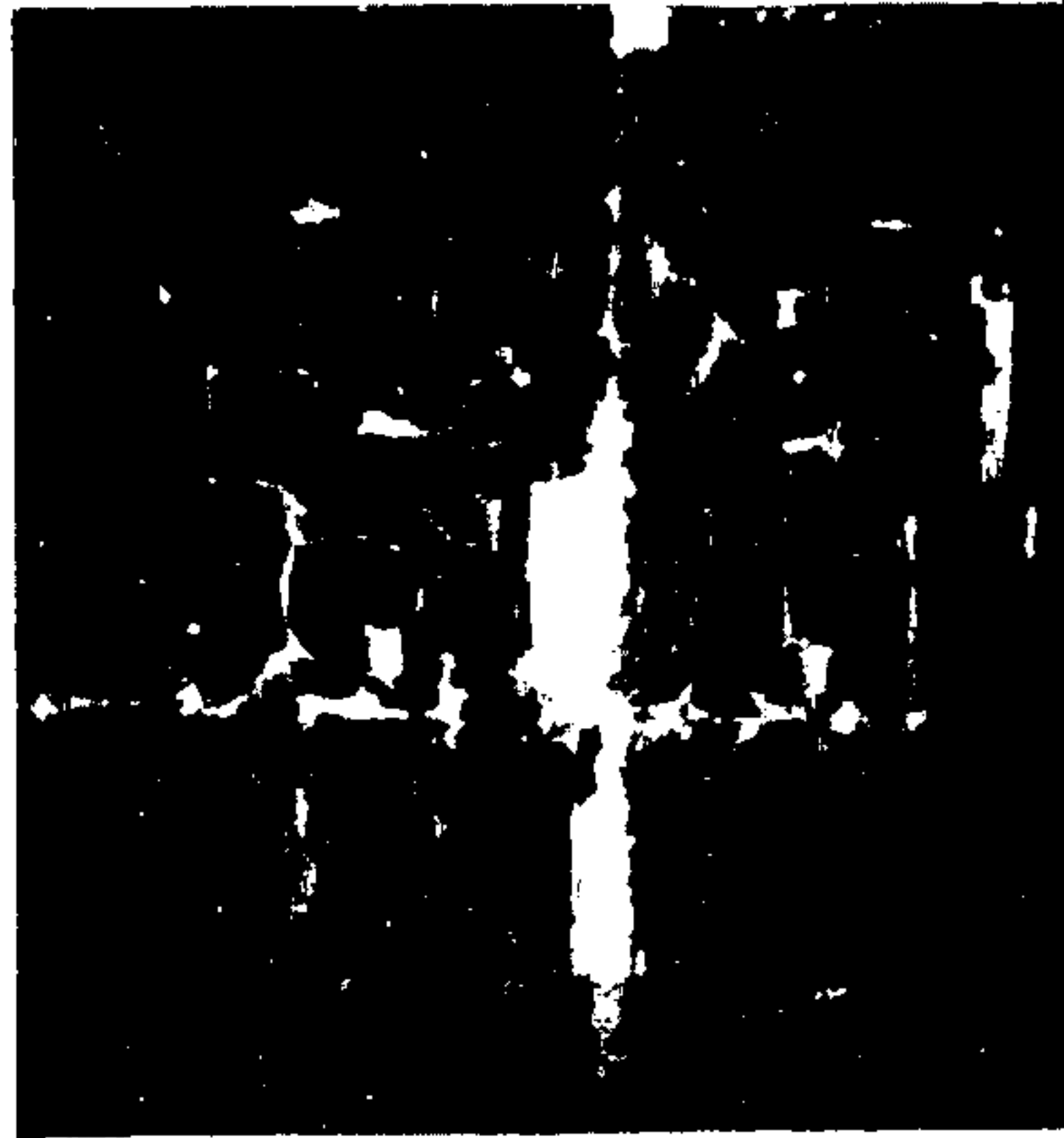
برای تزئین قالیهای ترنج‌دار گاه از اشعار فارسی استفاده شده است، قالیچه‌ای که در تبریز متعلق به موزه ایران باستان از بهترین

نقش شده است . داخل ترنج وسط تعدادی مرغابی نموده شده و طراح باین وسیله خواسته ترنج را بمنزله حوضی که در وسط باغ قرار دارد مجسم سازد (شکل ۴) .

قالی با نقش شکارگاه

یکی دیگر از طرح های متداوله مکتب شاه طهماسب نقش حیوانات و شکارگاه است که در این طرح ها معمولاً حیوانات در بین نقوش شاخ و برگ و گل و گیاه در حال حرکت و یا در حین نزاع میباشند . انواع حیواناتی که بر روی این قالی ها نقش شده عبارتند از : شیر - پلنگ - ببر - یوزپلنگ - بزکوهی - شتر مرغ و خرگوش .

۴



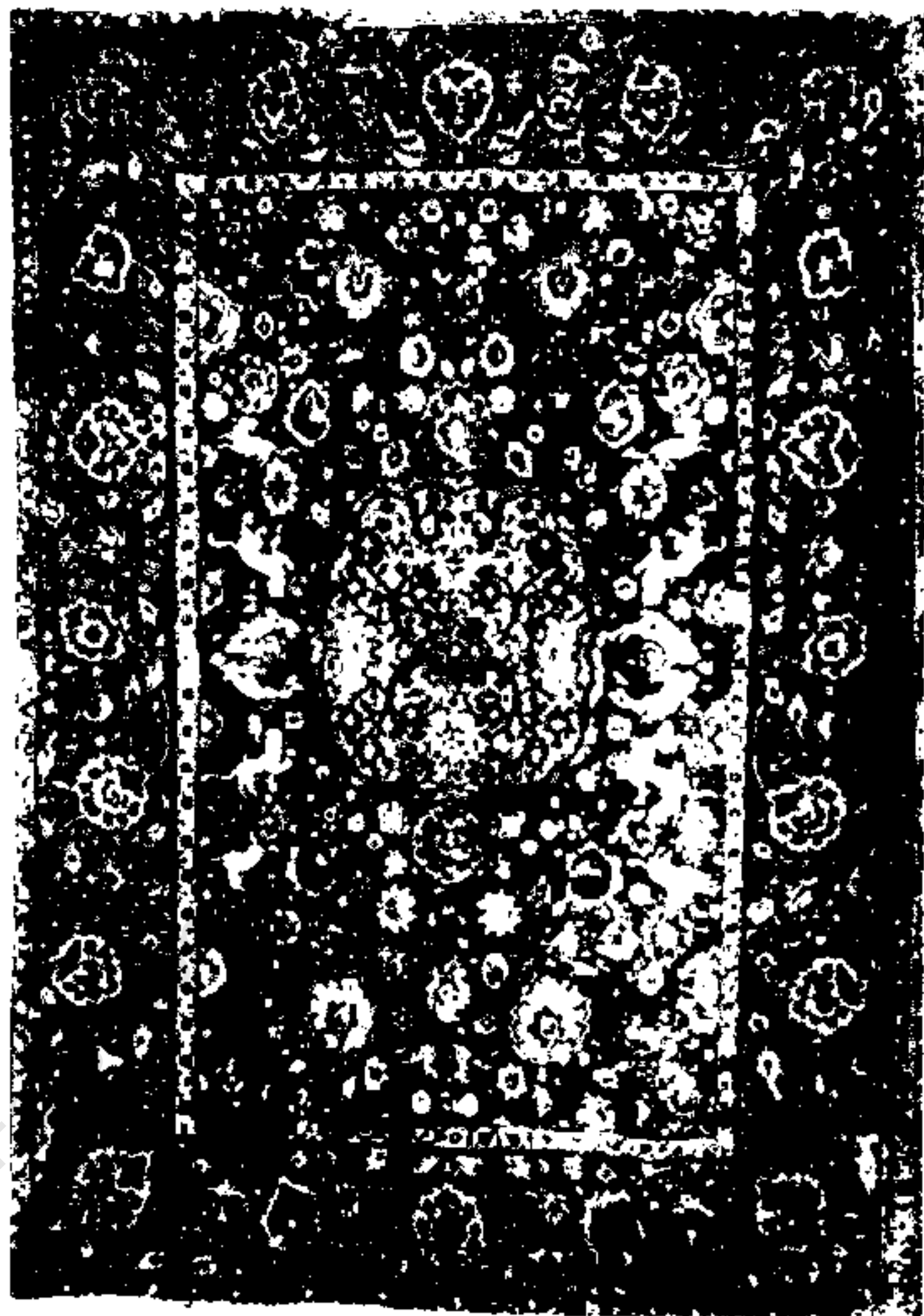
۳ - قالی با نقش ترنج - کار تبریز - دوران صفویه
۴ - قالی با نقش ترنج و اشعار فارسی - تبریز - دوران صفویه

نمونه این گروه است که حاشیه آن با تعدادی هشت ضلعی تزئین یافته و در متن آن اشعار زیر بخط نستعلیق خوانده میشود :

تا هست جهان ، جهان ترا باد
بر مسند دولنت بقا باد
ای بر دوشک سپهر جایت
قالیچه چرخ زیر پایت
خورشید زمین . . فلك راست
چون بر دوشك . . جایت
قالیچه نشین چرخ چارم
در زیلوی چهار گوشهات گم
آراسته بر رکاب اجلال
قالیچه فتح و عز و اقبال
در وسط این قالیچه باغی مجسم است که انواع حیوانات در اطراف دیده میشوند . روی شاخه درختها تصاویر پرندگان

باغ بعنوان طرح قالی مرسوم گردیده باینمعنی که در وسط قالی نقش حوضی قرار گرفته که هم در آن ماهی و هم گلپهائی که در آب نمو میکنند دیده میشود و در دو طرف حوض جوی آب قرار دارد. در قالیپهائی که باندازه‌های بزرگ بافته شده درخت دیده میشود و در قالیچه بسبب محدود بودن وسعت فرش نقش درخت حذف گردیده و بجای آن بوته‌های ظریف گل بچشم میخورد.

نمونه زیبا از قالی با نقش درخت و باغ قطعه فرشی است متعلق بموزه فاگ دانشگاه هاروارد که در وسط آن یک جوی بزرگ قرار گرفته و جویهای کوچکتری از آن منشعب شده‌اند. درون همه آنها نقش ماهی استیلیزه دیده میشود بقیه سطح قالی بقطعات مستطیل شکل تقسیم شده و در هر مستطیل طرح درخت (شبه چنار) و گیاههای مختلف مشاهده میگردد. حاشیه قالی بانقش گل و بوته آرایش گردیده است (شکل ۶).

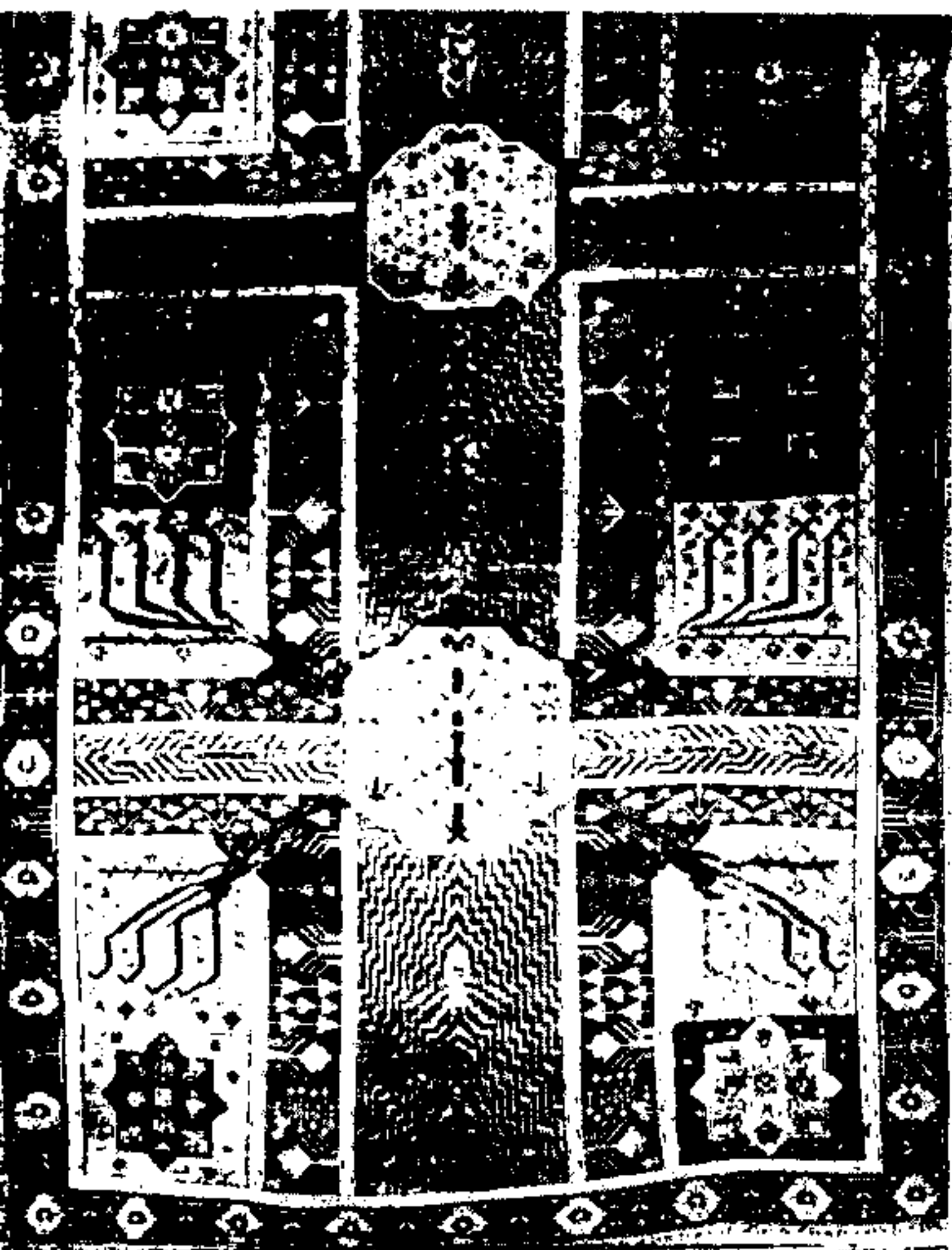


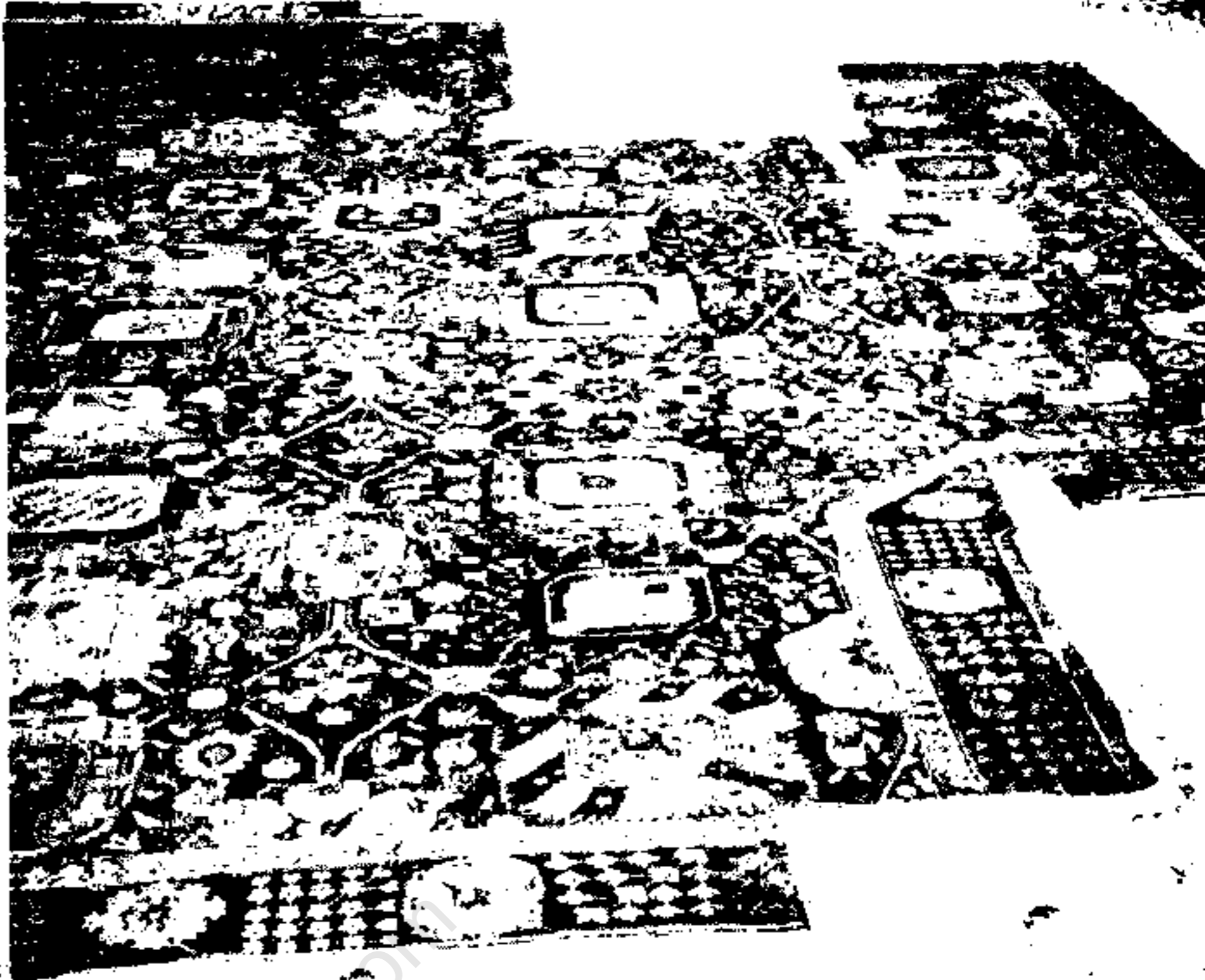
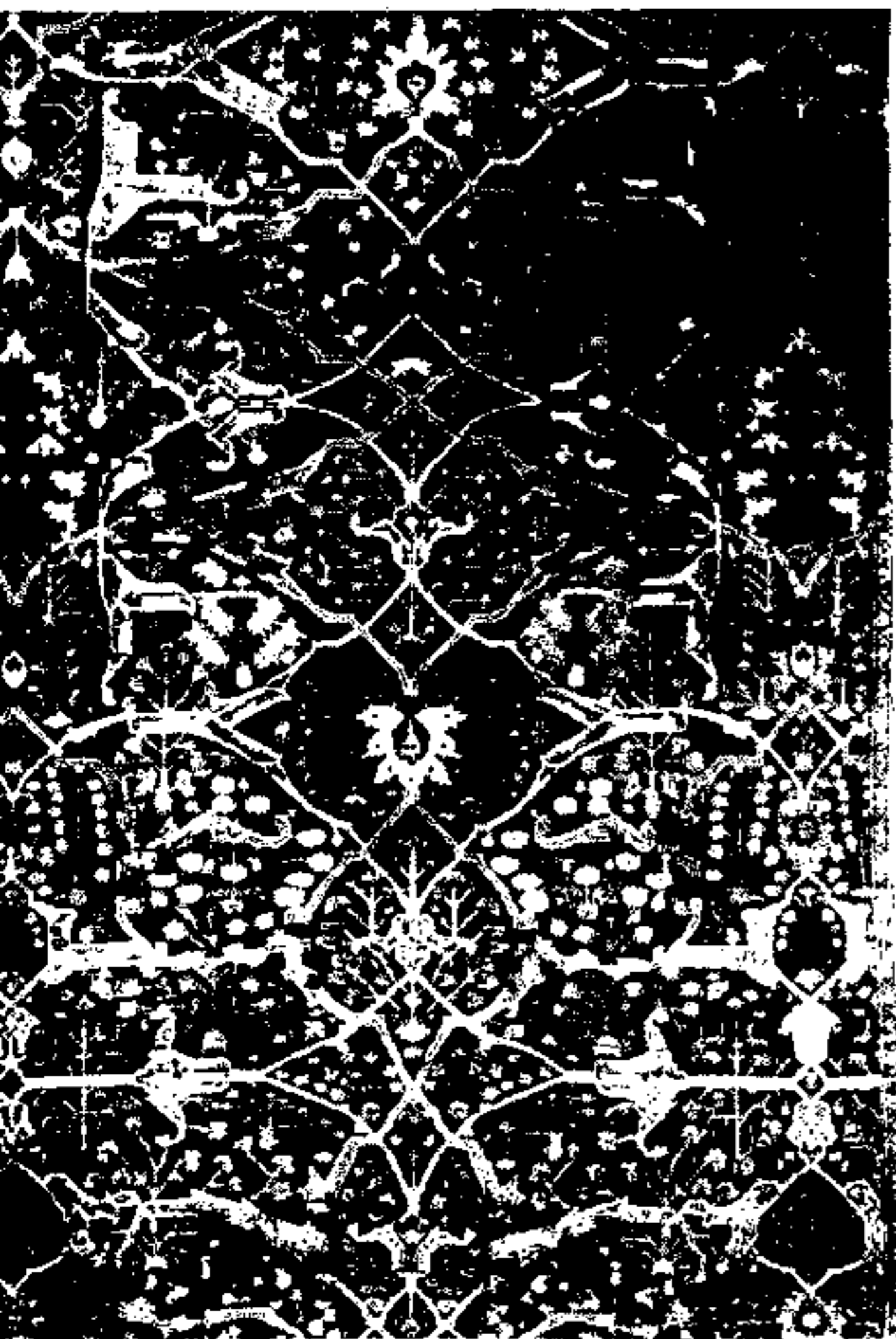
۵ - قالی با نقش شکارگاه منعلق به موزه فاگ - دانشگاه هاروارد - قرن دهم هجری
۶ - قالی با نقش درخت و باغ - دوران صفویه - موزه فاگ

نمونه بسیار عالی از این نوع قالی قطعه فرشی است متعلق بموزه هنری فاگ^۱ در دانشگاه هاروارد در شهر کمبریج استان ماساچوست در امریکا. طرح این قالی دنباله طرح‌های مشخص و قدیمی گل و حیوان است و صحنه شکار را برای انسان مجسم میسازد در حالیکه از خود شکارچی اثری نیست (شکل ۵). قالی با نقش درخت و باغ

باغ ایران معروفیت جهانی داشته چنانکه اثر آن در نقاشی و مینیاتور منعکس است. از اوائل دوران صفوی بکار بردن نقش

1 - Cambridge, Mass, Fogg Art Museum, Harvard University.





۷ - قالی با نقش گلدانی - جوشقان - دوران قاجاریه
 ۸ - قالی با نقش گلدانی - دوران صفویه - موزه متروپولیتن

قالی با نقش گلدانی

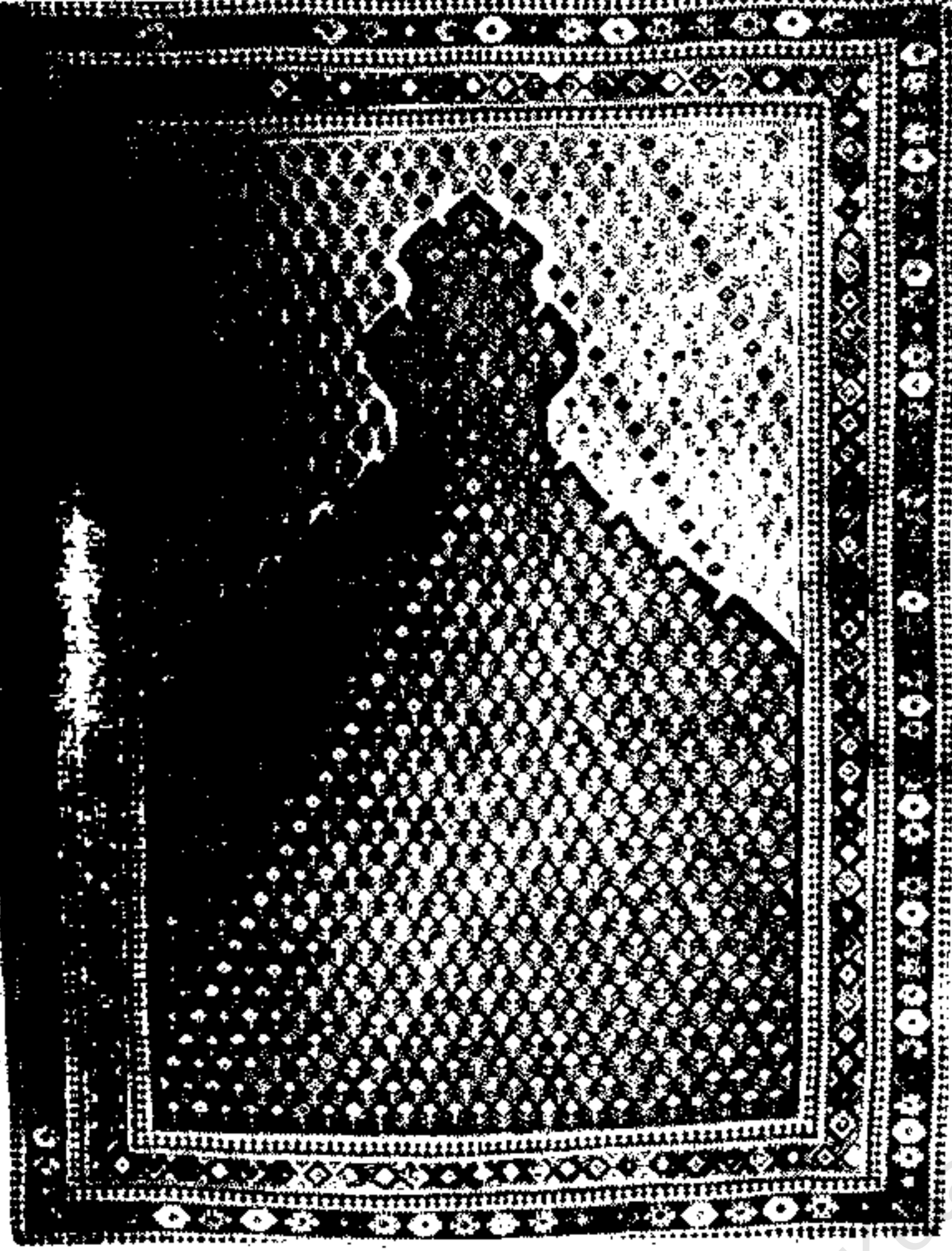
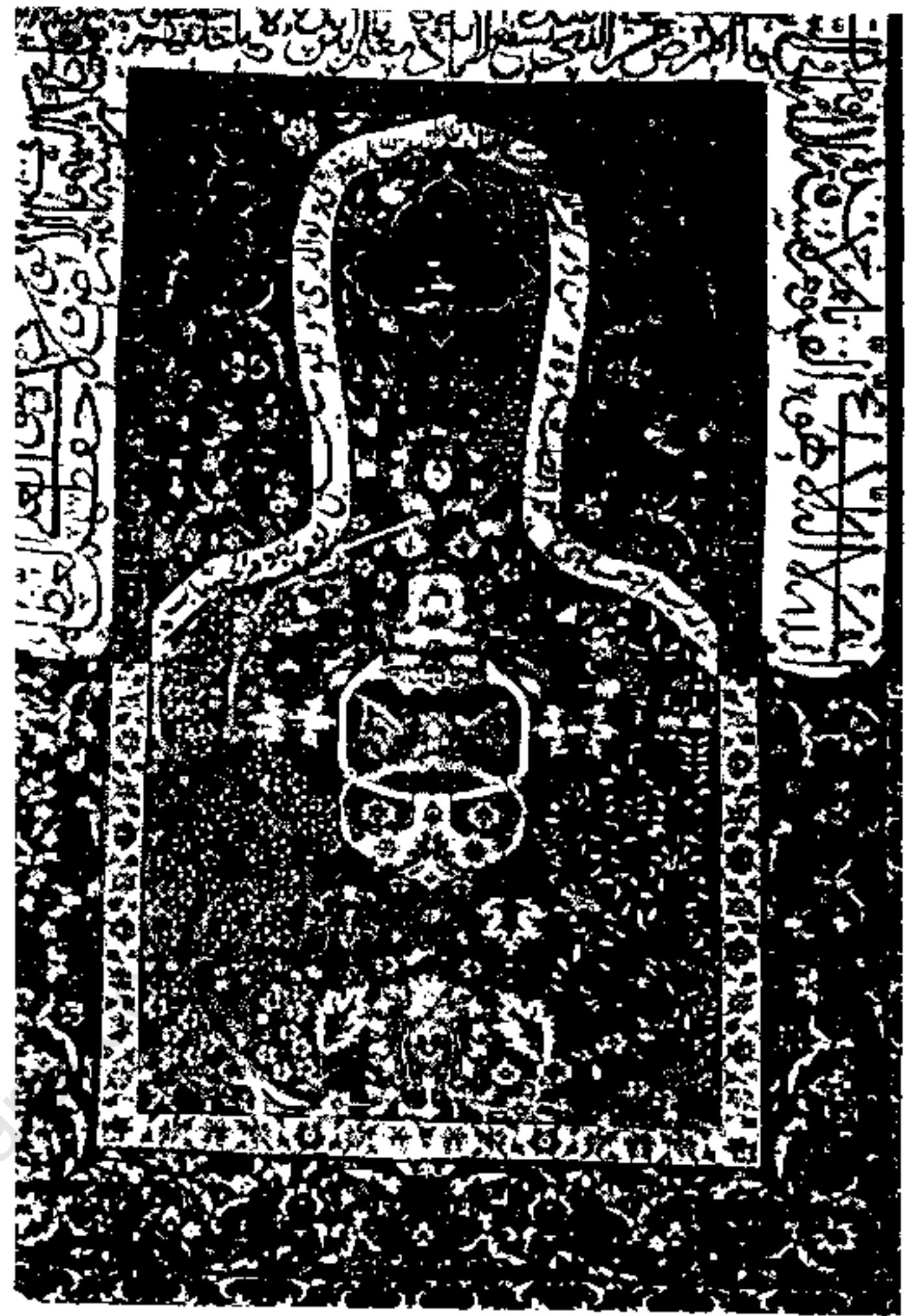
روی این نوع قالی‌ها که متعلق بدوران شاه عباس است نقش گلدانی مشاهده میشود که شاخ و برگ از آن منشعب و باطراف پراکنده شده است. بهمین مناسبت این گروه قالی‌ها به «نقش گلدانی» معروف است. نمونه‌ای از این‌ها در موزه ایران باستان نگهداری میشود که در اصفهان بافته شده و متعلق به مسجد کوچکی از ازمینه زمان شاه عباس ثانی در مجاورت حرم مطهر حضرت معصومه (ع) در قم بوده است. چهار گوشه این فرش بریدگی دارد و چنین برمیآید که این قالی برای شبستان مسجد مذکور تهیه گردیده باشد (شکل ۷).

در قالیهای نقش گلدانی گاه معلوم نیست بافنده یا طراح بچه علت گلدان را حذف کرده ولی سایر خواص و مشخصات قالیهای نقش گلدانی را حفظ کرده است. عده‌ای از اهل فن بافت این قالیها را به جوشقان نسبت میدهند. و نمونه‌ای از قالی‌های نقش گلدانی که گلدان در آن دیده نمیشود قالی زیبایی

است متعلق بموزه متروپولیتن در نیویورک که انعکاس جانبی از قالیهای سبک اسلیمی و گلدانی بشمار میرود این نوع قالی در دوران سلطنت شاه عباس کبیر بدرجه کمال رسید (شکل ۸).

قالیچه سجاده‌ای

بافت این نوع قالیچه نیز در دوران شاه عباس کبیر بسیار معمول گردید این قالیچه‌ها عموماً با اندازه‌های کوچک بافته شده است. نقش اصلی آن‌ها محرابی است که اطراف آنرا با آیات قران و یا صلوات و ادعیه دیگر آرایش نموده بقیه قسمت‌ها را با نقوش اسلیمی و گل و بوته تزئین داده‌اند. نمونه‌ای از این گروه قالیچه‌ایست متعلق بموزه ایران باستان که در حاشیه قسمت بالای آن سوره آیه الکرسی مشاهده میگردد. در متن آن یک درخت انار و در سمت راست یک درخت باشکوفه متغوش است (شکل ۹).



۹ - قالیچه سجاده‌ای - دوران صفویه
 ۱۰ - قالیچه سجاده‌ای - موزه متروپولیتن در نیویورک - قرن سیزدهم هجری

نمونه دیگر قالیچه‌ایست متعلق بموزه متروپولیتن که روی آن هیچ نوع نوشته‌ای مشاهده نمیشود. طرح این قالیچه متشکل است از تعدادی گل‌های متحدالشکل کوچک متوالی دارای شکوفه‌ای بشکل لوزی، هرپوته گل بنوبه خود از حیث طرح مجزا و مشخص از دیگرانست ولی از نظر رنگ بدو قسمت مجزا از هم قابل تقسیم است معینا جهت حرکت کلی طرح طوری است که نه فقط آن را زنده جلوه میدهد بلکه دیدانسان را بلاانقطاع از پائین قالیچه بیالای آن هدایت میکند. (شکل ۱۰).

صنعت قالی‌بافی با انقراض سلسله صفویه اگر چه تا اندازه‌ای راه زوال پیمود ولی از میان نرفت. هنرمندان در هر دوره و شرایطی بکار خود ادامه دادند چنانچه از دوران زنده و قاجاریه نیز نمونه‌های زیبایی در دست میباشد که بعضی

از آنها از حیث نقش و بافت در زمره قالیه‌های ممتاز محسوب میشود. در حال حاضر کارگاههای متعدد در سراسر کشور مشاهده میگردد که همساله تعداد قابل ملاحظه‌ای قالی و قالیچه میبافند در طرح و نقشه قالی بتازگی بحرانی بوجود آمده است که تشخیص قالی یک ناحیه از ناحیه دیگر مشکل بنظر میرسد باین معنی که نقشه و طرح معمول در کاشان در اصفهان نیز تقلید میشود و این امر در مورد قم و کاشان و سایر نقاط نیز صادق است. با ادامه این وضع بیم آن میرود که پس از چندی طرح‌ها اصالت محلی خود را از دست بدهند. بسیار شایسته بنظر میرسد که مسئولین وقت باین امر توجه کنند و براهنمائی تهیه کنندگان پیردازند تا نقشه و طرحی که از سالیان دراز مختص یک ناحیه بوده است مورد تقلید ناحیه دیگر قرار نگیرد تا در نتیجه طرح‌ها مخلوط نگردد و شناسائی و تمیزیک گروه از گروه دیگر عملی باشد.

تاریخچه می کتاب و کتابخانه در ایران

(۱۱)

رکن الدین همایون فرخ

۱۰۰ - کتابخانه تاج الاسلام مرو : خاندان سمعی در فضیلت و تقوی و دانش و پیش در خراسان شهرت و معروفیت بسزائی داشتند .

چندتن از افراد این خاندان از محققان و نویسندگان بنام ایرانند از جمله معین الدین ابوبکر محمد امام منصورین عبدالجبار سمعی .

امام تاج الاسلام معین الدین ابوبکر سمعی تألیفات بسیار دارد که از جمله انساب و تاریخ مرو و تاریخ بغداد است . و این دانشمند را خواجه نظام الملک بر دیگر دانشمندان عصر مقدم میداشتند است . تاج الاسلام سمعی در مرو کتابخانه بزرگی فراهم آورده بود که مورد استفاده اهل فضل نیز قرار میگرفته است .

۱۰۱ - کتابخانه سمعی مرو^۱ : شیخ المحقق والمذکر المدقق ابوالقاسم عبدالله بن مظفر بن سمعی ازدودمان سمعی و نوه معین الدین ابوبکر سمعی است . او از عارفان بنام او اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم است . این عارف دانشمند از جمله نویسندگان و شعرای چیره دست ایرانست . شهاب الدین سمعی را کتابی است بنام روح الارواح که گذشته از ارزش عرفانی یکی از آثار بدیع نظم و نثر فارسی قرن هفتم است^۲ .

شهاب الدین سمعی در خانقاه خود در مرو کتابخانه‌ای بزرگ برای استفاده طالب علمان بنیاد نهاد که یا قوت حموی نیز متذکر آنست .

۱۰۲ - کتابخانه ملک محمد سلجوقی : بطوریکه در تاریخ بدایع الزمان^۳ و تاریخ کرمان^۴ آمده است در جنب مسجد جامع گواشیر کرمان کتابخانه‌ای وجود داشته است که بنیاد آن را به سلطان ملک محمد سلجوقی از پادشاهان آل قاورد کرمان نسبت میدهند .

۱۰۳ - کتابخانه مدرسه قطیبه کرمان : ناصر الدین منشی کرمانی در کتاب غالب قدر خود سمط العلی للحضرة العلیا که در تاریخ فراخانیان کرمان است در شرح ایجاد مدرسه قطیبه کرمان که از مستحدثات قتلغ ترگان بوده است مینویسد : دانشمندان خراسان و ماوراءالنهر را برای تدریس آن فراخواند از جمله برهان الدین باختری - سعید بن ابی المعالی - تاج الدین و برهان الدین بخاری که بشاهان بخارا نامبردار بودند^۵ . مدرسه قطیبه کتابخانه‌ای داشته است که در کرمان ممتاز و شهیر بوده است .

۱۰۴ - کتابخانه رستم بن علی در طبرستان : تاریخ طبرستان مینویسد که رستم بن علی کتابخانه‌ای عمومی و قابل توجه برای شیعیان بنیاد نهاد که مرجع شیعیان عراق و مازندران

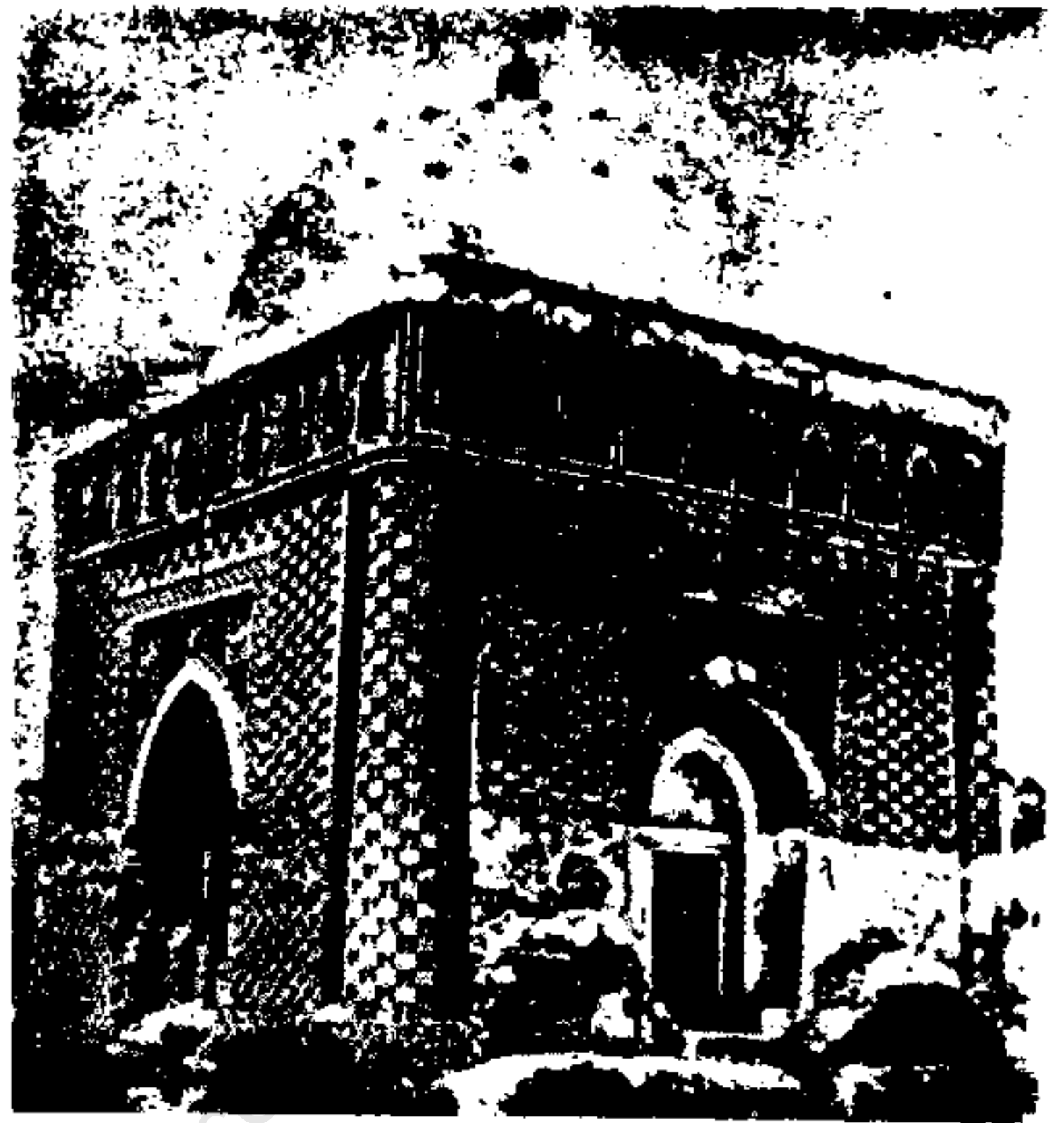
۱ - برای اطلاع بیشتر از دودمان سمعی به مقاله نویسنده در مجله وحید مراجعه فرمایند .

۲ - نسخه منحصر بفرد این اثر متعلق بکتابخانه نویسنده است .

۳ - ص ۲۷ .

۴ - طبع لیسن ص ۴ - ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ .

۵ - ص ۴۱ - ۴۲ .



راست : آرامگاه امیر اسمعیل سامانی - کتابخانه دودمان سامانیان از بزرگترین کتابخانه‌های ایران بود چپ : پشت جلد نخستین صفحه کتاب ابن بی‌بی که برای کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی تحریر یافته است

و طبرستان بوده است .

۱۰۵ - کتابخانه مدرسه سلطان محمد سلجوقی در اصفهان : سلطان محمد سلجوقی برای حنفیان اصفهان مدرسه‌ای ساخت و پس از اینکه درگذشت او را در همان مدرسه بخاک سپردند . در این مدرسه برای طلاب حنفی کتابخانه‌ای بزرگ فراهم آورده بودند . مدرسه و کتابخانه آن در محله دارالبطیخ معروف است و حمد مستوفی نیز متذکر این مدرسه شده است^۶ هم‌اکنون این مدرسه معمور و بنام مدرسه حاج حسن در اصفهان شهرت دارد .

۱۰۶ - کتابخانه مدرسه نظامیه هرات : خواجه نظام‌الملک پس از فراغت از تأسیس کتابخانه‌های نظامیه بغداد - نیشابور و اصفهان - در شهر هرات نیز مدرسه نظامیه‌ای بساخت با همان مشخصات نظامیه‌های دیگر این دارالعلم نیز کتابخانه معروف و معتبری داشته است .

۱۰۷ - کتابخانه خانقاه شیخ ابومسعود : شیخ ابومسعود احمد بن فرات رازی از بزرگان عرفای قرن سوم هجری است که در اصفهان رحل اقامت افکند و بایجاد خانقاهی برای ارشاد و رهنمائی مردم همت گماشت و پس از اینکه درگذشت در خانقاهش بخاک سپردند که هم‌اکنون نیز مزارش برجاست^۷ .

شرح حال او را حافظ اصفهان ابوصالح عبدالرحمن شهرستانی که از خواص شاگردانش بوده است بدست داده و عیناً در کتاب خلدبرین تألیف حاج شیخ احمد بیان اصفهانی آمده است^۸

۶ - تاریخ‌گزیده چاپ لیدن ص ۴۴۷ .

۷ - اصفهان محله شیخ ابومسعود که بسطحه در شیخ هم معروف است .

۸ - ص ۱۹۲ .

کتابخانه خانقاه شیخ ابومسعود یکی از نفیس‌ترین کتابخانه‌های ایران بوده است. در اواسط قرن نهم سلطان یعقوب آق‌قویونلو آرامگاه و بنای خانقاه شیخ را به زیباترین صورتی تجدید بنا کرد و برای آن طرح باغی بسیار مصفا افکند و کاشی‌کاریهای این خانقاه از هنری‌ترین کاشی‌کاریهای اصفهان بوده و هست.

در سال ۱۲۶۴ مردی عرب بنام سیدصدرالدین جبل عاملی باصفهان می‌آید و با املاک و کتابخانه و ذخائر و نفایس خانقاه چشم طمع میدوزد و برای دست یافتن بآن گنجینه معرفت و ائانه‌گرانبها دست باغواهی عام میزند و غوغائی بر میانگیزد که نتیجه آن تاراج کتابخانه و نفایس خانقاه و انهدام آن بوده است. خلدبرین مینویسد: «... شرح املاک موقوفه شیخ ابومسعود و ذخایر و کتب و اهمیت مزار او مفصل است و نگارنده را در این خصوص حکایات و اطلاعاتی است که فعلاً از نگارش آن صرف‌نظر می‌نمایم»^۹.

۱۰۸- کتابخانه بوطاهر خاتونی در ساوه: بوطاهر خاتونی از اجله دانشمندان و نویسندگان نامی شیعی ایران است. بنوشته قزوینی در آثار البلاد و عبدالجلیل قزوینی در کتاب النقض^{۱۰} او کتابخانه عظیم و بسیار غنی برای شیعیان ساوه بنیاد نهاد که مرجع شیعیان بوده است.

۱۰۹- کتابخانه مدرسه وردان روز یزد: از بناهای سلطان وردان روزبن عزالدین لنگر در یزد بوده است که سال ۵۸۵ هـ. در بازار دلالان یزد ساخته بود - او در همان مدرسه نیز مدفون گشت - این مدرسه نیز کتابخانه‌ای داشته است.

۱۱۰- کتابخانه مدرسه کیکاوس سام: کیکاوس سام برادر سلطان وردان روز بود و در سال ۵۹۰ هـ. در محله دولت‌خانه سلطان ابراهیم مدرسه‌ای بساخت که شهرت گرفت و این مدرسه نیز کتابخانه‌ای داشت.

۱۱۱- کتابخانه مدرسه کیشجاع: کیشجاع برادر کیان سرسو از امرای کالنجاری یزد بود و در محله سرریک جنب مدرسه‌ای که برادرش ساخته بود طرح مدرسه و کتابخانه‌ای عالی در حدود سال ۵۲۰ هـ. انداخت که از مدرسه‌های بنام یزد بوده است.

۱۱۲- کتابخانه مدرسه دومناره یزد: این مدرسه و کتابخانه آن از مستحدثات سلطان علاءالدوله کالنجار در یزد بوده که چون دومنار بزرگ داشته است بمدرسه دومنار شهرت یافته بود. مزار سلطان علاءالدوله نیز در اندرون گنبد آن است. بنای این مدرسه را سال ۵۱۳ هـ. نوشته‌اند^{۱۱}.

۱۱۳- کتابخانه مدرسه سرریک: این مدرسه و کتابخانه آن از بناهای کیان سرسو از امرای سلطان علاءالدوله کالنجار است که مزار کیان سرسو نیز در آن قرار داشته است.

۱۱۴- کتابخانه مدرسه غیاثیه سرریک: بانی آن امیر غیاث‌الدین علی بوده است که در زمان اتابک یوسف شاه علاءالدوله حکومت یزد را داشته است و تاریخ بنای آن را ۶۲۴ هـ. ثبت کرده‌اند.

۱۱۵- کتابخانه مدرسه عبدالقادر یزد: عبدالقادر بن محمد بن سدید از آل تمیم سال ۶۳۴ هـ. این مدرسه را در خارج از حصار یزد بساخت که بنام او معروف گشت.

۱۱۶- کتابخانه عطاخان: علاءالدوله عطاخان نوه سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی پس از درگذشت پدرش سلطان محمود بن ملک‌شاه فرمانروای یزد شد و در حوالی مدرسه دومنار مدرسه‌ای عالی بساخت و در آن کتابخانه‌ای برای طلاب علم بنیاد نهادند. این مدرسه بنام مدرسه عطاخان و یا «زندان شریعت» شهرت داشته است.

۱۱۷- کتابخانه مدرسه ترکان خاتون کرمان: ترکان خاتون دختر عطاخان که حرم

۹- خلدبرین ص ۱۹۶ - ۱۹۷.

۱۰- التفتی بکوشش آقای محدث ص ۱۲.

۱۱- جامع مفیدی بکوشش آقای ایرج افشار ص ۷۶ ج ۱.

سلیمان شاه قاوردشاه سلجوقی از پادشاهان آل قاورد کرمان بود مدرسه‌ای عالی در کرمان ساخت که کتابخانه‌ای نیز داشته و بنام مدرسه ترکان خاتون شهرت گرفت .

۱۱۸ - کتابخانه مدرسه فخریه یزد : این مدرسه نیز از بناهای کیانسر در محله سرریگ است که بسال ۵۲۰ ساخت و بنام مدرسه فخرجلاد معروف بود .

۱۱۹ - کتابخانه نصیرالدین ابوالمظفر آتسز خوارزمشاه : بطوریکه از مقدمه کتاب «الاعراض الطیبه والمباحث العلمیه»^{۱۲} تألیف زین‌الدین ابوالفضائل اسمعیل بن الحسن گرگانی متوفی ۵۲۵ مستفاد است نصیرالدین علاءالدوله ابوالمظفر آتسز خوارزمشاه دانشمندان و نویسندگان را به تألیف و تصنیف کتابها تحریص و تشویق میکرده است و این پادشاه فضل دوست کتابخانه‌ای فراهم آورده بوده که بیشتر کتابهای آنرا نسخ منحصر بفرد و یا بخط مصنفان و مؤلفان تشکیل میداده است و نسخه‌هایی از کتابخانه او را نویسنده دیده است .

۱۳۰ - کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو سلجوقی (جلوس ۶۶۴ هـ) : سلجوقیان روم را باید از پاسداران سخن و زبان فارسی دانست که دربارشان پیوسته مجمع افاضل و اکابر و عارفان و دانشمندان زمان بوده و به همت ایشان سالها زبان و ادب فارسی در حدود آسیای صغیر فرمان میرانده و زبان علمی و ادبی آن خطه بوده است .

سلطان غیاث‌الدین کیخسرو بن رکن‌الدین قلعج ارسلان در سن شش سالگی پس از پدرش بسطنت رسید و معین‌الدین پروانه که او نیز مردی مدبر و دانش دوست بوده است حمایت و صیانت او را بر عهده گرفته و مسامرة الاخبار در این باره مینویسد : «الحق معین‌الدین پروانه او را تربیت نیکو داد و مثل قاضی نورالدین ینبوعی صاحب فضیلتی کامل و عدیم‌المثل را به تعلیم او نصب کرد تا او را از فنون کتاب بقدر امکان بهره‌مند گردانید»^{۱۳}.

مصاحبت و اثر تربیت معین‌الدین پروانه که خود مردی وارسته و فضل دوست بود سبب شد که غیاث‌الدین کیخسرو با اهل فضل و ادب محشور و هم‌نشین گردد و فارسی‌زبانان نقاط دیگر ایران که از بلوای مغول متواری بودند در گاهش را مأمن امن و پناهگاه امن یافته پروانه وار بگرد او و معین‌الدین پروانه گرد آیند و قونییه یکی از مراکز درخشان ادب و فرهنگ ایران گردد و در جهان بدین عنوان آوازه یابد .

کریم آق‌سرائی در اثر ارزنده خود بنام مسامرة الاخبار که تاریخ سلجوقیان روم است و آنرا بسال ۷۲۳ هـ . تألیف کرده است این‌نکند را با شیوایی خاصی بدین صورت توصیف کرده است : «واصحاب طریقت و زمره اهل صفا و مشایخ سجاده معلا و اهل دلان بودند مثل شیخ سعیدفرغانی و فخرالدین ابراهیم عراقی و حمید و دیگر شیوخ که در پرتو صفای باطن ایشان آفتاب لمعه‌ای بودی و از اطراف جهان با آوازه شیخ الاسلام صدرالدین (قونوی) مجتمع شده بودند که این طایفه زراق که در این زمان دم تصوف میزنند در مقابله آن اکابر طریقت ، چون صخره صما بودی در موازنه لعل بدخشان ، اگر شمه‌ای از اهل تدریس و فضایل ایشان گرد آید بتطویل انجامد . علی‌الخصوص عاشق ربانی و جذبه سبحانی قطب الزمان مولانا جلال‌الدین محمد بلخی را که در آن زمان قرین بود . چه شرح رود آوازه و بدبده صیت سخنان او باقطار عالم شایع بوده رضوان الله علیهم اجمعین و اصحاب انشاء و اهل فضل و قلم بودند مثل زین‌العابدین و حسام‌الدین و کمال‌الدین و صدرالدین و اثیرالدین منجم که قلم مشکبار بر بیاض کافور کردار کاغذ روان کردند صد هزار نسخه گوهر از هررقمی بظهور پیوستی در هیچ عهدی در دیوان رسائل مثل آن افاضل و اکابر دست از آستین کتابت بیرون نکرده‌اند و نه بدان حسن عبارت صاحب قلمی در هیچ زمانی نکته‌ای در هیچ رسالتی رانده .»

وزرای غیاث‌الدین کیخسرو نیز همه از زمره اهل فضل بوده‌اند چنانکه صاحب مجدالدین

۱۲ - تألیف دیگری است از مصنف ذخیره خوارزمشاهی .

۱۳ - مسامرة الاخبار ص ۸۸ .



راست : پشت نخستین صفحه کتاب ذخیره خوارزمشاهی که برای کتابخانه
محمدبن بیلوان نوشته شده است چپ : نمای آرامگاه شیخ احمد
غزالی در فروین : کتابخانه غزالی در همین آرامگاه بنیادگذاشته شد

محمد منصب اتابکی داشته و کریم آق سرائی درباره او می‌نویسد : «حضرت رفیع و سید منیعش
جرم آفتاب بود که بازماندگان ظلمت حاجت را فیضان نور از مطالع آن بود . وزیر بود
در علوم وافی ، بدرجه مکانت صاحب عباد کافی ، رسیده‌ای که در هر نکته که در حدیقه محاورت
بر حدیقه سخن ایراد کردی از غایت و عدوبت و لطافت هیچکس را از اهل فصاحت و بلاغت
قدرت جواب آن نبود ، صاحب فضیلتی بود ذوالکتابتین که در بسط خافقین نظیر نداشت .
و در مورد توجه سلطان و اعیان زمان به دانشمندان خاصه از طرف معین‌الدین پروانه
و نتایج حاصله از آن مینویسد : « . . . با وجود رأی ملک‌آرای و همی داشت فکر پیمای . در
فنون کتابت عبارت بلاغتی دلگشای مجالس و مجامع ایشان مشرف بحضور علما و مشایخ و مقر
حکومت ایشان مزین بوجود اکابر و افاضل گوگب کتاب در پناه شرف و رفعت ایشان از حسیض
هبوط باوج مکانت رسیده و در گزار مآثر ایشان گل فضل چنان بشکفید که رخساره علم و ادب
بر افروخت ، آشنا و بیگانه در حمایت جاه آن سروران یگانه می‌آمدند و خود را بر فترک دولت
ایشان می‌بستند »^{۱۴} .

سلطان غیاث‌الدین کیخسرو و معین‌الدین پروانه الحق حقی بزرگ در راه پاسداری
وصیانت زبان و ادب و آثار گرانبهای فرهنگ ایران بگردن فارسی زبانان جهان دارند . در فتنه
و آشوب و قتل عام مغولان زشت از غولان که صحنه ایران به ماتمکده‌ای جغد نشین و ویرانه‌ای
اندوهگین مبدل شده بود و تیغ بیداد خرمن‌هستی افراد را درو می‌کرد و شمشیر نهال بارور دانشمندان
و سخنوران را از بیخ و بن برمی‌کند و کتابخانه‌های معمور محل عبور ستور بود ، آن پادشاه
و وزیر دانشور به جلب و جذب برگزیدگان ملت ایران برخاستند و مجلس و محفل خود را از پرتو

دانش و فروغ بینش آنان بیاراستند و در نگاهبانی آثار آنان بجان بکوشیدند و هم امروز در اثر همان عنایت و توجه و حمایت و درایت ایشان است که در کتابخانه‌های ترکیه و ایران از آثار مخلص و جاودان آن دوران و قبل از آن کتابهایی ارزنده و نفیس بیادگار مانده است .

کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو را در عظمت و گرانقدری باید یکی از کتابخانه‌های کم‌نظیر ایران شمرد ، بیشتر آثار بی‌مانندی که امروز در کتابخانه‌های نور عثمانیه بجا مانده میراث و مرده‌ریک آن گنجینه عظیم است . برای نمونه عکس یکی از کتابهایی که برای کتابخانه سلطان غیاث‌الدین کیخسرو تحریر یافته بوده است در اینجا گراور می‌کنیم (تاریخ ابن‌بی‌بی) .

۱۴۱- کتابخانه طغرایی بغداد : مؤیدالدین فخرالکتاب ابواسمعیل حسین بن علی منشی شهیر به طغرایی ، هم منشی بود و هم از خطاطان تراز اول . او را از آنجهت طغرایی لقب داده‌اند که با قلم بی‌بربالای بسم‌الله در هر کتابتی که میکرد با خط طغرا می‌نوشت . نفوت‌الملک‌الذی صدرالکتاب . او وزیر سلطان مسعود بن محمود سلجوقی بود و به تهمت الحاد سال ۵۱۴ در بغداد به قتل رسید . او به عربی قصیده‌ای سروده که بسیار فصیح و بلیغ است و در آن از پریشان‌حالی خود شکایت کرده و در حقیقت بث‌الشکوی است و چون بقافیه لام است آنرا لامیذالعجم نام نهاده‌اند و نزدیک به ده شرح بر آن نوشته‌اند .

این ایرانی دانشمند و سخنور کتابخانه‌ای در بغداد دائر کرد که بکتابخانه طغرایی شهرت داشته است .

۱۴۲- کتابخانه مدرسه شافعیان نیشابور : مدرسه و کتابخانه شافعیان نیشابور یکی از کهنسال‌ترین مدارس و کتابخانه‌های ایران است که مرکز طلاب علوم دینی و بخصوص شافعیان بود و ابوعلی دقاق از عارفان بنام در آنجا مجلس میگفت . او همانجا مدفون شد و شاگردش استاد ابوالقاسم قشیری ملقب به : زین‌الاسلام امام علی‌الاطلاق خراسان در همان مدرسه درس میگفت^{۱۵} .

۱۴۳- کتابخانه رکنیه یزد : در مدرسه رکنیه یزد کتابخانه‌ای برای استفاده عموم وجود داشته است^{۱۶} .

۱۴۴- کتابخانه ربیعی در تبریز : خواجه ابوالقاسم ربیب‌الدین هارون بن علی ظفر دندان ، وزیر اتابک ازبک بن محمد از اتابکان آذربایجان که باشاره سعدالدین و زاوینی در اواسط قرن ششم هجری کتاب مرزبان‌نامه را از زبان طبری بفارسی ترجمه کرد ، کتابخانه‌ای بزرگ و غنی در تبریز بنیاد نهاد که تا فاجعه مغول وجود داشته است .

۱۴۵- کتابخانه مسجد عتیق اصفهان : بطوریکه میدانیم مسجد عتیق اصفهان سابقه تاریخی کهنی دارد و پیش از دوره اسلامی آتشگاه بوده و سپس مانند مسجد ایاموفیه به مسجد مبدل شده و در عهد دیلمی‌ها و سلجوقیان و ایلکانیان و مظفری‌ها و حتی زمان اشرف افغان بارها تعمیر شده و بروسعت شبستان‌های آن افزوده گردیده تا جائیکه امروز بصورت یک مجموعه نفیس از هنر معماری ایران از دوران قبل از اسلام تا عصر حاضر درآمده است چون این مسجد پیوسته مورد توجه و نظر پادشاهان و وزیران ایران بوده است . این مسجد مدرسه‌ای نیز داشته که دارای کتابخانه‌ای بزرگ و قابل توجه و مورد مراجعه دانشمندان و طالب‌العلمان بوده است^{۱۷} .

نکته :

پیش از اینکه معرفی کتابخانه‌های قرن ششم را پایان برسانیم لازم است نکته‌ای را یادآور شود . و آن اینکه از اواخر سده اول هجری لغایت سده ششم گروهی از دانشمندان بخصوص علمای دینی برای تحقیق و تتبع و تألیف آثار خود نیاز به کتابهای مختلف داشته‌اند و به همین علت و سبب کتابخانه‌های شخصی فراهم می‌آورده‌اند اگرچه ممکن است کتابهای این کتابخانه‌ها از چند

۱۵- طبقات الشافعیه ج ۳ ص ۲۴۳ و جنات‌الاعیان ج ۱ - ص ۳۲۴ .

۱۶- جامع مفیدی ص ۸۹ ج ۱ بکوشش آقای ایرج افشار .

۱۷- ترجمه محاسن اصفهان ص ۶۳ .

صد جلد تجاوز نمیکرده معذالك قابل توجه واهمیت بوده واینک بطور نمونه چند تن ازایشان را معرفی می کنیم :

۱۴۶- کتابخانه سهل سرخسی : فضل بن سهل سرخسی (ایرانی) وزیر مأمون عباسی بود و در نجوم مهارتی فوق العاده داشت و بزبان و ادب و فرهنگ فارسی دل بسته بود و میگویند که مأمون دختر او را بنام ایران دخت به همسری گرفته بود . سهل پدرش از بزرگان ایران و زرتشتی مذهب بود و خود او به خواهش مأمون اسلام آورده بود و بمناسبت دودمان برگزیده ای که داشت مورد احترام ایرانیان بود و چون از شعائر ملی ایران حمایت میکرد مأمون از نفوذ او سخت بیمناک شد و بطوریکه در تاریخ این دوره آمده است مأمون غالب السواد را مأمور کرد تا او را بدستیاری چند تن دیگر در گرما بکشند . (۲۰۳ هـ .) فضل مردی دانشمند بود و کتابخانه ای از کتب اوائل و کتابهای نجومی پهلوی فراهم آورده بود .

۱۴۷- ابن بابویه قمی : معروف به شیخ صدوق از بزرگترین محدثین و فقهای عالم تشیع است . او مدتها در بغداد حوزه درس داشت و در پایان عمر به ری آمد و مورد توجه و احترام رکن الدوله و صاحب بن عباد قرار گرفت و برای او حوزه درس ترتیب دادند او در مدرسه ای که برای تدریس داشت کتابخانه ای برای کتب شیعی فراهم آورد . تألیفات او را در حدود سیصد جلد فهرست کرده اند که مشهورتر از همه من لایحضره الفقیه است . و باید گفت کتابهای او خود به تنهایی کتابخانه ای بوده است . او در حدود سال ۳۸۱ هجری درگذشت و در همان مدرسه مدفون شد و هم اکنون نیز مزارش مورد احترام شیعیان ایران است .

۱۴۸- کتابخانه مدرس شیخ ابوعلی فضل بن طبرسی : طبرسی نیز از دانشمندان و علمای بزرگ شیعی است که در سبزوار حوزه درس داشت و کتابخانه ای معظم برای شیعیان سبزوار و خراسان فراهم آورده بود . طبرسی تألیفات بسیار دارد از جمله مجمع البیان که از تفسیرهای بی نظیر است . او در ۵۵۲ هـ . درگذشت و جسدش را بمشهد مقدس بردند و آرامگاهش آنجاست .

۱۴۹- کتابخانه فخر الدوله دیلمی : چنانکه گذشت شاهنشاهان دیلمی که از ایرانیان اصیل و پرچمدار احیای سنت های دیرین ایران و یکی از پاسداران زبان و فرهنگ آن بودند ، هر یک سهم خود در حدود فرمانروائی خویش به نشر ادب و زبان فارسی کوشش و مجاهدتی چشم گیر داشته اند و کتابخانه هایی که این دودمان ایران دوست بنیاد نهادند گنجینه هایی شایگان بوده است . فخر الدوله دیلمی که خود مردی دانشمند و سخن شناس و عالم بعلم عصر بود نویسنده گان و دانشمندان را به تألیف و تصنیف کتابها مشوق بود و آثاری بسیار در ادب و دانش بنام او تألیف و تصنیف یافته است . کتابخانه فخر الدوله دیلمی یکی از کتابخانه های عظیم و شهیر قرن چهارم هجری بوده است . صحیفه ای از نسخه کتابی که بنام این شاهنشاه علم دوست تألیف یافته است در صفحه بعد از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد .

۱۴۰- کتابخانه خانقاه ابوسعید فضل الله بن ابی الخیر مهنه ای : این عارف نامدار ایرانی از مردم مهنه از شهرهای خاوران بود . او از شاگردان ابوالفضل محمد بن حسن سرخسی است و از پیروان عبدالرحمن سلمی عارف نامی خراسان و سرسلسله بسیاری از عارفان ایرانست .

ابوسعید را باید یکی از بنیان گذاران تراندهای عرفانی در ایران دانست . خانقاه ابوسعید در مهنه مجمع گروه بیشماری از شیفتگان و دلدادگان بعالم عرفان بود و ابوسعید شاگردانش را برای رهبری اجتماع و مبارزه با فساد و تباهی تعلیم میداد .

خانقاه ابوسعید را میتوان یکی از دانشگاههای اخلاقی و عرفانی قرن پنجم ایران دانست که مورد توجه صوفیان و عارفان ایران و جهان و حتی دانشمندان عصر و زمان امثال شیخ الرئیس علی بن سینا بوده است و از اقصی نقاط ایران برای کسب بینش و دانش بآن روی می آورده اند .

ابوسعید ابی الخیر بسال ۴۱۰ هجری درگذشت و در خانقاهش بخاک سپرده شد و اینک مزار پیرانوارش زیارتگاه عاشقان و صاحب دلان است .

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 كتاب صنع الآلة الشاوية
 والعمل بها استخراج كما يدبره المختص المعروف
 باي محمود احمديت

الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا
 الله فله الحمد والشكر على نعمائه وجزيل عطائه حمدا
 يوجب حسن الميزان والصلاة على خيرته من خلقه محمد النبي
 وعليه الطاهرين وسلم تسليما بعد فاني لما وجدت
 العلم وان كان شريفا فانه يزداد شرفا مكان وعملوا
 شان اذا نسب الي احد ملوك الزمان وكان مولانا الامير
 السيد اجل وكن العلم شاهان شاه فخر الدولة وملك الامة
 اكامل الله سلطنته وهر من في الغرمكانه شمس العالم التي
 تضئيه وزوجه النبي تحية وانفتح ان من خواص علم الهية مالم
 يسبقني اليه احد ولا يشاركني فيه بشر استمدت من ابوان
 اكامل الله علوه المشرقة في الافاق فهديت بها لك ما في



۱۳۱ - كتابخانه خانقاه امام ابو الفتح احمد بن محمد غزالي : خواجه امام احمد غزالي

برادر كهنتر شيخ الاسلام ابو حامد غزالي است . امام احمد غزالي از عارفان نامدار و صاحب مكتب است . تا آنجا كه سرانجام شيخ الاسلام محمد غزالي باو گرويد و راهي را كه او بسوي حقيقت برگريده بود انتخاب كرد .

امام احمد غزالي در نظم و نثر فارسي يكي از استادان مسلم است و كتاب (سوانح در معاني عشق) او را بايد از گنجينه هاي ادب و عرفان فارسي دانست .

اين عارف نامدار در قزوین سکونت گزيده بود و در آنجا بارشاد و هدايت طالبان حقيقت مي پرداخت . امام احمد غزالي در خانقاهش مجلس ميگفت و شاگردانش را بوادي حقيقت رهبري ميکرد . او شاگردان برجسته اي در مكتب عرفان پرورش داد كه ميتوان سرآمد ايشان را عين القضاة همداني دانست .

در خانقاه امام احمد غزالي كتابخانه اي فراهم آمده بود كه كتابهاي آن در دسترس استفاده و مطالعه ارباب طلب قرار داشت .

غزالي در ۵۲۰ هـ . درگذشت و در خانقاهش بخاك سپرده شد و اينك نيز آرامگاهش بجاست و مطاف عاشقان و عارفانست .

بررسی اجمالی تاریخ ایران از قرن اول هجری تا حمله مغول در شناخت قهرمانان و دودمانهایی که زبان و فرهنگ فارسی را بینائی تازه و نو نهادند

اینک که معرفی کتابخانه‌های قرن ششم پایان می‌پذیرد و پس از این قرن دوران فترت و حمله مغول فرامیرسد بجا و لازم میدانند از چگونگی بوجود آمدن کتابخانه‌های بزرگ و شهیر در ایران پس از اسلام و پدید آمدن فرهنگ پیشرو و درخشان آن به همت مردمی ایران دوست و قهرمانانی جانباز گفتگویی مختصر بمیان آوریم و از جانبازیها و قهرمانیهای کسانی که در این راه پیش گام و پیش آهنگ بودند و وحدت ملی و استقلال ایران را با زنده نگاه داشتن زبان و فرهنگ آن تأمین و تضمین کردند و افتخاراتی بزرگ برای سرافرازی ملت ما فراهم آوردند بزرگی یاد کنیم و آنان را بستائیم .

در شماره‌های گذشته بطور اشاره و اختصار یاد آور شد که پس از حمله عرب کوشش و تلاش سپاهیان غالب بدور مجور انهدام آثار استقلال و ملیت ایرانیان دور میزد . زبان رسمی و دیوانی تازی بود و حکام و فرمانروایان و دیوانیان را از سران عرب برمی‌گزیدند تا مراجعان و مردم کشور ناچار باشند بزبان دیوانیان گفتگو کنند و آنرا برای رفع نیاز بپذیرند . برای محو مظاهر ملی ایرانیان با شدت و سخت‌گیری بیش از حد تصور مبارزه می‌شد . نشان دادیم که ایرانیان با چه دوراندیشی و خردمندی توانستند راه چاره بیابند و با وضع و اختراع خطی که از خط راز سهریه ریشه میگرفت خط فارسی را بوجود آوردند و برای ثبوت آن نخست به نوشتن قرآن با آن خط پرداختند تا راه هرگونه تهمت و حمله و تجاوز را بخط نوبنیاد خود مسدود سازند .

این خط نوساخته را خط فارسی خواندند و عربها نیز آنرا به همین نام یاد کرده‌اند . ابن‌الدیم نیز باین حقیقت معترف است و میگوید ایرانیان قرآن‌ها را بخط فارسی می‌نوشتند و میخواندند . و آنچه در اینجا برگفته‌های پیشین می‌افزائیم اینکه این خط در اواسط قرن اول هجری بوجود آمد و قرائن و امارات بر صحت این نظر اینکه :

۱ - بهافرید (به‌آفرید) فرزند ماه فروردین پیش از سال ۱۳۲ هـ . یعنی قبل از خلافت بنی‌العباس در نیشابور و اطراف آن آئینی تازه بنیاد نهاد که کیش او از تلفیق آئین‌های با دین اسلام سرچشمه میگرفت و چنانکه مورخان عرب ثبت کرده‌اند هفت نماز آورده بود که بزبان پارسی بود و برای این هفت نماز کتابی بزبان فارسی با خط فارسی نوشته بود که پیروانش آنرا میخوانده‌اند .
۲ - منکه ، نامی از پزشکان ایرانی که بزبان سنسکریت آشنائی داشت ، کتابی بنام شاناق در دانش ستاره شناسی بزبان فارسی ترجمه کرد و ابو حاتم بلخی بین سالهای ۱۷۰ - ۱۷۷ هـ . آنرا برای یحیی برمکی بخط فارسی نوشتند و تقدیم داشتند بود .

آنچه از مطالب یاد شده مستفاد است اینکه : منکه شاناق را از زبان سنسکریت بزبان فارسی ترجمه کرد و بخط پهلوی نوشت و ابو حاتم بلخی آنرا از خط پهلوی بخط فارسی برای یحیی برمکی نوشت تا بتواند بخواند . پس یحیی برمکی بخط فارسی آشنائی داشته و این بدیهی است زیرا ایرانی بوده است . چنانکه در فصول گذشته یاد آور شدیم ابن مقله ایرانی با آشنائی بخط فارسی خط نسخ را وضع کرد و بر اساس آن خط ثلث ، ریحان و دیگر خطوط را پایه گذاشت و از آن تاریخ خط نسخ در میان ملل اسلامی رایج گشت و بنام عربی و خط اسلامی نام آور گردید .

آنچه از آثار ثر و یا نظم فارسی مخطوط اطلاع بدست ما رسیده متأسفانه متعلق بقرن چهارم هجری است که یکی تاج‌المصادر است در لغت فارسی که آنرا به ابو عبدالله جعفر بن محمد رودکی در گذشته سال ۳۲۹ نسبت میدهند و همان زمان کتاب لغت دیگری تألیف ابو حفص حکیم بن احوص سعیدی در دست بوده که در کتابهای فرهنگ نشان آن را تا قرن یازدهم در دست داریم . بسیار بعید است که بپذیریم خط و زبان دری یکباره و خلق الساعه در دربار سامانیان خلق شده باشد !! بنابراین خط فارسی و زبان دری سابقه دیرینه‌تری داشته است .

بر اساس آنچه در نوشته‌های گذشتگان ثبت است نخستین بار یعقوب لیث صفاری از نوشتن

وسخن گفتن بزبان عربی اظهار نفرت کرد و واداشت که بزبان فارسی شعر بگویند و بنویسند و بخوانند. این گفته بر مبنای نوشته‌هایی است که بجامانده و چه بسا امکان دارد در ماوراءالنهر و طبرستان پیش از آنکه یعقوب لیث در نیمروز دست به چنین اقدامی یازد آنان نیز مبارزه برخاسته بوده‌اند و سخنوران و نویسندگان آن خطه‌ها نیز بزبان پارسی می‌نوشتند و شعر میسروده‌اند ولیکن متأسفانه از این روی داد بزرگ اثر مضبوط و ثبت شده‌ای بجای نمانده است.

پیش‌تازان و پیش‌آهنگان این نهضت خجسته و برجسته مردانی دلیر و ازجان‌گذشته بوده‌اند که در گوشه و کنار کشور بزرگ ایران رهبری و پیشوایی گروه‌ها و دسته‌هایی را برعهده گرفته‌اند بدیهی است خاندان‌هایی که در این قیام و اقدام شریک و انباز بودند هر یک به نسبتی در قسمتی از کشور پهناور ایران بوظیفه ملی و میهنی خود پرداخته‌اند.

این خاندانها را در اینجا بنام معرفی می‌کنیم و درباره خاندان‌هاییکه پیش از دیدگران در پیش‌بردن مبارزه مؤثر بوده‌اند و بخصوص در راه تشویق مؤلفان و مصنفان و سرایندگان موفق بوده‌اند و موجب گردیده‌اند که با تألیف کتابها و بنیاد کتابخانه‌ها در نشر فرهنگ و زبان فارسی کمک مؤثر داشته باشند جامع‌تر سخن می‌گوئیم.

خاندان‌هاییکه از اواخر قرن اول هجری هر یک بصورتی و به نحوی در این راه بخدمت برخاسته‌اند بدین شرح معرفی میشوند:

نوبختیان - برمکیان - صفاریان - سامانیان - طاهریان - کاکویه - تمانیان - چغانیان - زیاریان - اسپهبدان طبرستان - میکالیان نیشابور - فریغونیان - بویهیان - دیلمانیان - باوندیان - برهانیان - بلعمیان - ملوک مرغنی.

۱۳۳ - کتابخانه خاندان نوبختی: خاندان نوبختی از مفاخر ایرانند و افراد این خاندان را باید ارزنده‌کنندگان افتخارها و دانشهای ایران باستان بشمار آورد و چون در نشر و ترجمه کتابهای پهلوی و همچنین تألیف و تصنیف کتابهای بسیاری دست یازیده‌اند بجاست از این دودمان به تفصیل یاد کنیم و بزرگان این خاندان را که هر یک از مشاهیر دانشمندان و منجمان و مترجمان بوده‌اند بشناسیم.^{۱۸}

هم‌چنانکه برمکیان از بزرگان و خدمتگزاران عبادتگاه (نوبهار) نوبهار بوده‌اند نوبخت نیز از بازماندگان دودمان مغان فارس بود و از دانش مغان بهره‌ای کافی و وافی داشت و با اینکه فارس و خوزستان و ری و خراسان بنحرف عرب و نفوذ اسلام درآمد با اینهمه نوبخت مغان همچنان سرپرستی مغان را برعهده داشت و آنان را رهبری و هدایت میکرد و در برابر فشارهای حکام و فرمانروایان عرب با سرسختی ایستادگی مینمود و میکوشید که آئین بهی را در سرزمین فارس زنده نگاه دارد. نوبخت را به جرم تبلیغ و نشر افکار و آئین مغانی (مجوسی) دستگیر و بزندان افکندند. نوبخت چنانکه در آثار بازمانده از نویسندگان عرب مستفاد است، از دانش مغان آگاه بوده در نجوم و ستاره‌شناسی که یکی از دانشهای خاصه ایشان بوده است اطلاعات وسیع و غنی داشته، کتابی نیز در نجوم از او یاد میکنند که نخست بزبان پهلوی نوشته سپس آنرا بعربی ترجمه کرده است.^{۱۹}

ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی^{۲۰} در تاریخ بغداد متذکر است که قبل از سال ۱۳۶ هجری نوبخت مجوس در اهواز مجوس بوده است و به نقل از تاریخ بغداد چنین روایت شده است که اسماعیل بن علی نوبختی برای حسین بن قاسم کویکی از شاگردان خود این چنین روایت کرده

۱۸ - شادروان اقبال آشتیانی کتابی در معرفی خاندان نوبختی تألیف و تصنیف کرده است که بحقیقت در نوع خود بی‌نظیر است - آنچه درباره دودمان نوبختی در این جا متذکر میشویم آرا و نظرات و مطالبی است جز آنچه در اثر اقبال آمده است.

۱۹ - کشف‌الغنون ج ۵ ص ۳۵.

۲۰ - متولد ۳۹۲ در گذشته ۴۶۳ تاریخ خطیب بغدادی ج ۱۰ ص ۵۴ و سیدرضی طاووسی در کتاب فرج‌الهموم از آن نقل کرده است.



آرامگاه شاه علاءالدوله سمنانی
بنام صوفی آباذه سمنان - سالیبا
این ساختمان مرکز تجمع دانش
پژوهان و عارفان ایران بود

است که : « چند نوبخت در آغاز آئین مجوسی داشت و در دانش ستاره شناسی سرآمد دیگران بود آنگاه که در اهواز زندانی بود روزی ابو جعفر منصور را می بیند که بزندان آمده بوده است . نوبخت گفته است که ابو جعفر منصور را مردی با درایت و زیباروی دیدم او چهره ای دلفریب و نیکو داشت . تا آن روز مردی بدان زیبایی و بان شکوه و ابهت ندیده بودم . برخاستم و نزدش رفتم و دریافتم که سیمای مردم این مرزوبوم را ندارد از او جويا شدم که از کدام دیار و شهر است او گفت از مردم مدینم گفتم از مدینه النبی ؟ گفت آری . پرسیدم از خاندان پیمبر اسلام است گفت نه . از مردم مدینم . باو نزدیک تر شدم و از کنیه اش پرسش کردم پاسخ داد ابو جعفر . گفتم مژدگانی بده چون بزودی فرمانروای کشوری میشوی که خوزستان و فارس و خراسان و قهستان را شامل است و باکین همی در راستی این پیشگوئی سوگند یاد کردم . او نپذیرفت . سوگند مؤکد خوردم و از او خواستم تا با من پیمان بنده که اگر پیشگوئی درست آمد ، او مرا فراموش نکند و پاداش این تفأل نیک را بپردازد . او پیمان بست و نوشت و بمن داد . آنگاه که بفرمانروائی رسیده پیش او رفتم و نوشته را نشان دادم . او سپاس خدای را بجای آورد و مرا در خدمت خود گماشت . من نیز بدست او اسلام آوردم و ستاره شناس و خدمتگزار او گشتم .

در اینکه نوبخت مغوش (مجوس) در خدمت منصور خلیفه عباسی بوده است شکی نیست . مسعودی در مروج الذهب^{۲۱} نیز متذکر است که منصور نخستین خلیفه عباسی است که در میان خلفای اسلامی بد ستاره شناسی و احکام نجوم عقیده مند بود و منجمان و ستاره شناسان را گرامی میداشت و نظرات و اشارات ایشان را بکار می بست و او نوبخت را که آئین زرتشتی داشت بقبول اسلام واداشت و در دستگاه خود بکار گماشت . نوبخت و پسرش ابوسهل از منجمان مخصوص و مورد نظر منصور خلیفه بودند و بطوریکه خطیب بغدادی^{۲۲} و آثار الباقیه^{۲۳} و آثار البلاد^{۲۴} متذکرند منصور در ساختن شهر بغداد بسال ۱۵۵ هـ . ساعتی آغاز ساختمان آن کرد که نوبخت آن ساعت را براساس

۲۱ - مروج الذهب جلد هشتم ص ۲۹۰ .

۲۲ - تاریخ بغداد ج ۱ - ص ۶۷ .

۲۳ - ص ۲۷ .

۲۴ - ص ۲۰۷ .

احکام نجومی اختیار کرده بود .

طبری هم ضمن شرح وقایع سال ۱۲۵ هـ . در شرح چگونگی قتل ابراهیم بن عبدالله برادر محمد النفس الزکیه مینویسد : «نوبخت بر خلیفه ابو جعفر منصور وارد شد و گفت یا امیر المؤمنین پیروزی تو راست . منصور پیشگوئی او را باور نکرد . نوبخت گفت : خلیفه دستور فرماید مرا زندانی کنند اگر چنانکه پیش بینی کرده ام درست نیامد مرا بکشند . در هنگام این گفتگو خبر شکست ابراهیم رسید و چون پیشگوئی نوبخت درست درآمده بود منصور دو بست جریب از زمین های نهر جوبسر را بعنوان تیول به نوبخت بخشید»^{۲۵}.

از آنچه یاد کردیم چنین مستفاد است که نوبخت از دانش ستاره شناسی و علم (تله پاتی) که از دانشهای خاص مغان ایران بود آگاهی داشته بیاری همین دانشهای خاص توانسته بوده بداند که منصور بخلافت خواهد رسید و پیش از اینکه این واقعه وقوع یابد منصور را آگاه کرده و باو مژده میدهد و از او میخواهد که اگر این پیشگوئی بحقیقت پیوسته او را از زندان آزادی بخشد . پس از اینکه منصور بخلافت میرسد بر اساس عهد و پیمانی که بسته بود او را از زندان رهایی بخشید و از او خواست که از آئین مجوس (مغوش) در آید و آئین اسلام را بپذیرد . نوبخت نیز که از عارفان ایرانی بوده است پیشنهاد او را می پذیرد ولی از همان آغاز کار در زنی دوستداران و هواخواهان دودمان علی علیه السلام در می آید ، این اندیم نیز متذکر این نکته هست .

باتوجه باینکه فرزندان و نوادگان و نبیره گان نوبخت همه از بنیان گزاران شیعه بوده اند [تا آنجا که ابوالقاسم حسین بن روح بن ابی بصر، از ثواب چهار گانه حضرت فاطمه گردید] در می یابیم که تحقیق در حال و احوال و آثار خاندان نوبختی برای تاریخ پس از اسلام حائز کمال ارزش و اهمیت است که متأسفانه جای طرح و بسط مقال در اینموقع و مقام نیست همین اندازه بسنده می کنیم که خدمات پر ارزش معنوی دودمان نوبختیان بفرهنگ ایران بسیار گرانقدر و ارزنده بوده است .

نوبخت و فرزندش ابوسهل و عبدالله و ابوالعباس فضل . فرزندان ابوسهل همه از مترجمان کتابهای پهلوی به عربی بوده اند و از این نکته توان دانست که نوبخت وارث کتابخانه بزرگی از کتابهای فرس قدیم و پهلوی بوده است و با در اختیار داشتن آنچنان کتابخانه ای نه تنها وسیله نقل آن آثار را بزبان عربی در دست داشته بلکه توانسته است بفرزندش نیز خواندن و نوشتن خطوط پهلوی (اشکانی و ساسانی) و چه بسا خطوط دیگر ایرانی را بیاموزد .

علاوه بر ابواسحق ابراهیم و ابوسهل اسماعیل بن علی و ابو محمد حسن و یعقوب بن اسحق نوبختی که همه از متکلمان امامی و از اصحاب و خواص ائمه اثنی عشریه بوده از این دودمان بشمار میرفته اند میتوان از یعقوب بن اسحق و اسحق بن اسماعیل و ابوالقاسم حسین بن روح نیز یاد کرد . مشاهیر این خاندان که روات اشعار شاعران نامدار عرب بوده اند بسیارند و از آنجمله ذکر اسماعیل بن ابی سهل و برادرانش ابوطالب و محمد بن روح و ابوالحسین علی و ابوعبدالله حسین بجاست . منشیان و کتّاب نامدار دودمان نوبختی ابو جعفر محمد بن علی بن اسحق و ابویعقوب و ابوالفضل یعقوب و علی بن اسد بوده اند و از علما و دانشمندان در اخبار امامیه باید از ابوالحسن موسی بن کبریا و ابو محمد حسن بن حسین یاد کرد .

خاندان نامی نوبختی که از سال ۱۱۴ هـ . تا ۳۲۶ هـ . از آنها نام و نشان در دست داریم مؤسس خزانه الحکمه بوده اند . خزانه الحکمه مرکز اجتماع ایرانیها و شعوبیه بوده که وسیله نوبخت و فرزندش ابوسهل بن نوبخت دائر گردیده بود و کتابخانه آن بزرگترین کتابخانه های زمان بود و بیشتر کتابهای آن کلامی و حکمی و فلسفی و علمی و نجومی بوده است . ابن الندیم نیز متذکر این نکته هست^{۲۶}.

۲۵ - تاریخ طبری چاپ لیدن ص ۳۱۸ ج ۳ .

۲۶ - الفهرست ص ۲۷۴ و طبقات الامم ص ۶۰ .

کتاب **یاقوت** که ابواسحق ابراهیم نوبختی در علم کلام تألیف کرد از بزرگترین آثار کلامی است که بر آن شرح متعدد نوشته شده و بزرگان این علم بآن استناد می‌جستند. آثار نوبختی‌ها در هیأت و نجوم از بهترین کتابها بشمار می‌آمده و ایشان را دانشمندان اسلامی در این علم (اعلم‌ناس) خوانده‌اند. در ملل و نحل کتاب دیانات ابو محمد نوبختی از برگزیده‌ترین آثار در این علم است.^{۲۷} ابن ابی‌اصیبعه آثار نوبختی‌ها را در جمع اشعار و اخبار راجع به ابونواس و بختی و ابن‌الرومی از موثق‌ترین مراجع دانسته است.^{۲۸}

بطوریکه گذشت خاندان نوبختی در نقل آثار ادبی و علمی ایران باستان و احیای سنت‌های ایران طی دو قرن خدمات برجستهای انجام دادند و نهالی را که ایشان کاشتند در قرنهای بعد ثمرات و اثرات ارزنده‌ای ببار آورد.

سامانیان

ظهور صفاریان در ترویج زبان فارسی و تقویت از آن بسیار مؤثر بود و چنانکه قبل از این نیز گفته‌ایم پادشاهان این سلسله توجه خاص بشعروادب فارسی معطوف می‌داشتند لیکن اوضاع و احوالی که در قلمرو فرمانروائی صفاریان حکومت می‌کرد و آنان را بر آن میداشت که پیوسته در حال جنگ و ستیز با دشمنان و دست‌نشانندگان خلفا باشند بایشان فرصت نمیداد آنچنانکه بایسته بوده بادی و فرهنگ زبان فارسی بپردازند. خدمت آنان بزبان فارسی همین‌بس که زمینه قیام‌های دو دهانهای دیگری را در نقاط مختلف ایران فراهم آورد و موجب شکست نفوذ عرب در ایران گردید. ظهور سامانیان در ماوراءالنهر و خراسان که نفوذشان بسرعت در دیگر نقاط ایران چون گرگان و قسمتی از عراق و کرمان گسترش یافت محیط آماده و آرامی برای نشوونمای ذوقیات و تجلی فکر و هنر ایران بوجود آورد و از این رهگذر است که در دستگاه سامانیان گویندگان و نویسندگان نامداری بظهور پیوستند. و خوشبختانه پادشاهان سامانی همه مردمی دانش‌دوست و سخن‌شناس و هنرپرور بودند و همین امر سبب گردید که فرهنگ و ادب و هنر رونق و رواجی فوق‌العاده یافت و پایه و اساس فرهنگ نوین ایران گذاشته شد. در آغاز دوران سامانیان به شعرائی برخورد می‌کنیم مانند: سپهری بخارائی - ابوالمثل بخارائی - ابوالمؤید رونقی بخارائی و ابوالمؤید بلخی که او گذشته از اینکه باستانی شعر میسروده در نشر فارسی نیز از دبیران و نویسندگان چیره‌دست بوده است و بطوریکه نوشتند داستان یوسف و زلیخا را بنظم آورده بود و هم‌چنین از خداینامه داستانهای مربوط به گرشاسب را که بسیار موثق بوده است منظوم ساخته بود.

ابوالمؤید کتابی نیز به نشر در عجایب بلدان نوشته است که آنرا به نوح بن منصور (۳۶۶ - ۳۸۷) تقدیم کرده که خوشبختانه از این کتاب نسخه‌ای در دست است.

دربار نصر بن احمد سامانی درخشندگی و تابناکی دیگری داشته. شعرای دربار او بسیار بوده‌اند و توجه بنام و نشان شعرا و نویسندگان دربارش نشان‌دهنده مجد و عظمت و شکوه و شوکت فرهنگ و ادب در زمان اوست. فهرستی از شعرا و نویسندگان زمان او می‌آوریم: ابوطیب مصعبی صاحب دیوان رسالت - احمد بن اسمعیل - ابوالعباس ربیع بن بخارائی - خبازی نیشابوری - ابوحفص حکیم - ابن‌احوص سغدی (که جز شاعری در موسیقی نیز سرآمد اقران بوده و سازی اختراع کرده که بنام شهرود معروف است و کتابی هم در لغت فارسی تألیف ساخته که باید گفت کهن‌ترین فرهنگ فارسی پس از اسلام بوده است دیگر - ابوعبدالله فرالابی - ابوشکور بلخی (که چهارمثنوی بدو منسوب است که یکی از آنها آفرین‌نامه نامیده شده و بسال ۳۳۶ هـ. آنرا بپایان آورده است) - ابوالحسن شهید بن حسین و راق بلخی از خطاطان بنام و شهیر خط فارسی در اوائل قرن چهارم که در حکمت نیز صاحب نظر بوده است و با محمد زکریای رازی تعریضاتی داشته و در حکمت تألیفاتی باو نسبت میدهند^{۲۹} - ابوالحسن محمد مرادی بخارائی - طخاری

۲۷ - معجم‌الادباء ج ۲ ص ۲۷۹ .

۲۸ - ج ۱ ص ۳۰۹ .

۲۹ - در گذشته بسال ۳۲۵ که در اینصورت میتوان گفت از مشاهیر اواخر قرن سوم هجری است .



راست : رصدخانه مراغه ساخته خواجه نصیرالدین توسی - در این رصدخانه بزرگترین کتابخانه آسیا به همت خواجه نصیرالدین توسی بوجود آمد
چپ : آرامگاه شیخ ابوسعید ابوالخیر در شهر مهینه خانقاه او دانشگاه عرفان بود

طخارستانی - رابعه بنت کعب قزداري نخستین زن شاعره صاحب دیوان - ایرانشاه بن ابوالخیر که داستانهای باستانی را درباره بهمن بنظم آورده بود - ابوالعلاء شوشتری از فحول شعرای ایران - ابواسحق جوینی و سرانجام ابوعبدالله جعفر بن محمد رودکی سمرقندی است که گویند نزدیک به یکمیلیون و سیصد هزار بیت شعر سروده بوده است !!! ابونزرعه معدری گرگانی - ابوطاهر خسروانی - امیر ابوالحسن آغاچی از شاهزادگان سامانی - ترکی کشی ایلاقی - ابوعبدالله معروفی بلخی - ابوعبدالله نوایجی مروزی - ابوشعیب هروی - ابوعمرو زجاجی - ابوطیب سرخسی - استغنائی نیشابوری - ابوعلی سمیعور از امرای سامانی و ماکان بن کاکلی از امرای سامانی .
سامانیان نزدیک به دو قرن تا سال ۳۹۵ ه . سلطنت کردند با توجه به فهرستی که یاد کردیم و آن نمونه ایست از رواج فرهنگ و ادب در دوران سلطنت ایشان به یقین باید گفت احیای زبان ادبی و علمی فارسی مدیون و مرهون همت و توجه و علاقه ایشان بوده است .
پادشاهان سامانی هر یک به تأسیس کتابخانه های عظیم و گردآوری آثار مخطوط و تشویق نویسندگان و شعرا به تصنیف و تألیف اثری نو بذل عنایت و توجه کردند و در این راه افتخار و سربلندی برای آینده ایران فراهم آوردند .
(کتابخانه های سامانیان را در شماره های گذشته به تفصیل آورده ایم).

عقاید خرد و آثارش در ایران

در مقدمه مقاله‌ای که زیر عنوان فالگیری و دعا و جادو در دهات شاه‌آباد غرب در شماره پنجاه و پنجم این مجله چاپ شد از صاحب‌نظران خواستیم تا بر علیه عقاید خرافی و باورهای نادرست بمبارزه برخیزند. نوشته زیر پاسخی است باین تقاضا.

آیت‌الله برقعی

(ما اصابك من حسنة فمن الله وما اصابك من سيئة فمن نفسك)
قرآن

هر خوبی که بتو رسد از خدا است و هر بدی از تو

در این آیه شریفه و آن عبارت مختصر سری است نهفته از اسرار حیات و رمزی است پوشیده از رموز زندگی.

تکرار میکنم: هر خوبی که بتو رسد از خدا است و هر بدی از تو. معنی این سخن چیست؟ معنی اینست که خدا خود بر راه راست است (ان ربی علی صراط مستقیم) و چون بر راه راست است جز خوبی از او نرسد، تو نیز ای انسان بر راه راست میباش تا مصدر خوبیها باشی نه بر راه کج تا مصدر بدیها.

در معتقادات بر راه راست برو، و در اندیشه و گفتار و کردار و رفتارت بر راه راست میباش. راه راست کدام است؟

راه راست راه عدل است، راه نظم ثابت و لایتنجیر هر چیزی است، راهی است آسان و هموار و مطمئن و رساننده سالک به هدف عالی انسانی، راهی است که سنت و روش کار خدا بر آن مبتنی است. تو نیز ای انسان، ای جانشین خدا در زمین بر آن راه میرو.

(وهو الذي جعلكم خلائف في الارض و رفع بعضكم فوق بعض درجات لئبلوكم فيما آناكم)
اوست خدائی که شمارا جانشینان خود در زمین کرد و رتبه‌های بعضی از شمارا بر بعضی دیگر فزونی و برتری داد تا ببازماید شمارا در آنچه که شمارا داد.

آری تا ببازماید شمارا در عقل و مشاعر و سایر نیروهای خلاقه‌ای که بشما داد که در چه راه آنها را صرف میکنید و بکار میگیرید: در راه خیر یا شر، در راه صلح یا جنگ، در راه آبادانی یا ویرانی، در راه اجرای عدالت یا بیعدالتی، در راه دوستی با خلق یا دشمنی، در راه مهر و یا کین و بیک سخن در راه بهشت سازی و یا جهنم سازی.

اکنون بر است روی انسان در معتقاداتش میپزدازیم و راست روی او را در سایر حالات و صفات بوقت دیگر موكول مینماییم.

شك نیست که انسان تا بوده با عقیده ریسته و تا هست با عقیده خواهد زیست. دیندار

باشد یا بیدین، عقیده دینی باشد یا سیاسی یا مسلکی و یا غیر اینها. اختلاف فقط در نوع عقیده است. در اینکه باید معتقد بود شکی نیست و انسان فاقد عقیده فاقد نیروی عمل است. مریضی که بدارو و درمان معتقد نیست بدکثر مراجعه نمیکند. فقیری که بدنیروی سعی و کوشش اعتقاد ندارد (با آنکه خدا فرماید و ان لیس للانسان الامامعی یعنی برای انسان جز سعی و کوشش چیزی نیست) بدنبال کار نمیروند. نادانی که همه کس را نادان حساب کند و بآن اعتقاد داشته باشد در جهل مستمر می ماند و برای کسب دانش کمترین تلاشی نمیکند.

دانشمندی که فعالیت علمی انسان را در چهارچوب وضع موجود محدود بداند و معتقد باشد که در ورای آن راهی برای کاوش علمی انسان نیست فعالیت از خود نشان نمیدهد. چنانکه دانشمندان قرون گذشته که معتقد بودند خارج شدن از اتمسفر زمین و فضای محیط بآن محال است هیچ تلاشی برای فهم موضوع و جنبه عملی آن از خود نشان نمیدادند، و به محض آنکه خلاف اعتقاد بالا حاصل شد بکوشش برخاستند و راه خروج از جو را یافتند.

اینست نمونه ای از معتقد صحیح و آنست نشانه ای از معتقد غلط و از آن نمونه ها در دو طرف ارتقا و انحطاط انسان و پیشرفتهائی که در صنایع و حرف و فن و هنرها کرده فراوان میتوان پیدا کرد. ما مسلمانان بتوحید و یکنائی خدا معتقدیم، در برابر کسانی هستند که بدو خدا یا چند خدا معتقدند. آثار آن دو اعتقاد بدون شك که مختلف است. آنکس که فرمان يك خدا را میبرد از آنکس که فرمان خدایان متعدد را گردن میگیرد قطعاً وضعیتش بهتر، هدفش مشخص تر، روحش مطمئن تر، دلش آرام تر، راهش روشن تر و امیدش بیشتر است. عبارت ساده تر دو و یا چند مخدوم که هر يك اراده جداگانه، خواست جداگانه، میل و رغبت جداگانه دارند برای يك خادم بهتر است و یا يك مخدوم؟

متأسفانه پاره ای از ما بخدای یگانه اعتقاد پیدا کرده ایم اما در خود وحدتی را که لازمه چنان عقیدت است بوجود نیاورده ایم و باز بخدایان و اربابان متعدد که هر يك ما را تحت تأثیر خود میگیرند معتقد شده ایم: ارباب جادوگر، ارباب فالگیر، ارباب رمال، ارباب طالع بین، ارباب جن گیر، ارباب طلسمات، ارباب سعد و نحس کواکب، ارباب رمال، ارباب عدد سیزده، ارباب آب و باغ و خانه و نظایر این اربابها که هر کدام را جدا جدا در زندگی خود مؤثر میدانیم. در اینصورت دیگر بر آن عقیده توحید خشك و جامد و بیروح چه اثری مترتب است؟ پلاك منزلی که من در آن ساکنم ۱۱۳ است.

کسی از من پرسید که پلاك منزل شما عدد ۱۱۲ را نشان میدهد چگونه آنرا ۱۱۳ معرفی کردید گفتم خانه من در ردیف اعداد فرد است نه زوج و شماره پلاك خانه مقدم من ۱۱۱ و شماره پلاك خانه مؤخر ۱۱۵ است و آنکس که پیش از من در این خانه سکونت داشت برای اینکه از شر نحوس عدد سیزده برهد دستور داده است سپیدی دندانها اول عدد ۱۳ را پاك کنند تا در نحوس آن قرار نگیرد.

حال شما درباره چنین کس یا چنان عقیده ای که دارد چه میگوئید؟

میگوئید موجد است و بخدای یکتا معتقد است یا بخدایان موهوم از جمله خدای عدد سیزده اعتقاد دارد؟ یا در خصوص کسانی که برای فرار از نحوست عدد سیزده عدد ۱۴+۱ را انتخاب کرده اند چه میگوئید؟

عجب اینست که مردم عقب مانده تنها نیستند که بچنان عقاید خرافی پابندند اروپائیان که پیشرفته ترند نیز گرفتار آند و عدد سیزده را نحس میدانند.

ژرژ سیمس از نویسندگان اروپائی در سال ۱۸۹۴ بکلوپ پلاک عدد ۱۳ دعوت شد اما آن دعوت را این طور در نامه رد کرد:

آقایان دعوت نامه شما رسید از لطف شما متشکرم.

دوستان: اگر معاش جمعی را متکفل نبودم و رعایت حالتان بر من واجب نبود بانهایت اشتیاق بمیهمانی شما حاضر میشدم و پیش آمدهای بد را هر چه بود استقبال میکردم و بهر کاری که در نظر اعضای کلوپ پسندیده بود تن در میدادم اما غیر از من کسانی هستند که من کفیل معاش آنان هستم و میترسم نحوست حضور در کلوپ عدد ۱۳ اثر خود را در من بیخشد و دچار مصیبتی گردم که ناخورانم بی سرپرست بماند.

اینست نمونه ای از روح نا آرام بلکه معذب دانشمندی که بنحوست عدد سیزده معتقد است و آنست نشانه ای از انحطاط عقلی و پستی درجه فهم و درک صاحب چنان عقیده.

دانستن حقیقت هر چیز، بخصوص چیزهایی که بزندگی ما مربوط است لازم و ضروری است. معنی این سخن اینست که هیچ چیز را از مقام و مرتبه ای که دارد بالاتر و یا پایین تر نباید برد و در رتبه و منزلتی که دارد باید آنرا میخکوب کرد.

وقتی سنگ یا چوبی را میتراشند و آنرا می پرستند، اینکار انحراف از راه صحیح معرفت اشیاء است زیرا بالاخره سنگ سنگ است و چوب چوب، چه صورتی بر آن نقر و یا نقش کنند و چه نکنند، حقیقت آن تغییر نمیکند فقط اگر نقش و تصویر دارای جنبه هنری باشد آن چوب و سنگ ارزشی از نظر هنری پیدا میکند. در حقیقت ساختن بت ناشی از توهم بت پرست است و اینکار همان انحراف پیدا کردن از طریق صحیح معرفت اشیاء است و عقل و شرع آنرا نمی پسندد و بر همین قیاس معتقد بودن بتائیر چیزهایی که واقعاً دارای چنان اثری نیستند و فقط نیروی توهم ما آنها را دارای چنان اثری نشان میدهد ناپسند است.

چشم چشم است و صرفاً برای دیدن اشخاص و اشیاء بکار میرود و نهایت اگر گیرا باشد اثر طبیعی آن جذابیت و گیرندگی است و هر گاه صاحب آن چشم مردی مقتدر و نیرومند و صاحب نفوذ باشد اشخاص عادی که ضعیف النفس اند نمی توانند چشم در چشم او بیندازند زیرا برای چنان اشخاص واقعاً چنان چشمی رعب آور و وحشت انگیز و ترس آور است همین و همین. دیگر گزاردهائی درباره چشم زخم بهم یافتن و آنرا در سرنوشت انسان از فقر و مرض گرفته تا مرگ مؤثر دانستن ناصحیح و انحراف فاحش از طریق شناختن اشیاء است.

آری چشم همان چشم است و فقط تو ای معتقد بچشم زخم بیشتر از آنچه هست بآن اعتقاد پیدا کرده ای و دور نیستی که در نتیجه چنان اعتقادی تحت تأثیر آن چشم قرار گیری و مریض شوی

ویا بمیری اما بدان که مریض شدن و مردن بآن چشم مربوط نیست بلکه بضعف نفس تو که از اعتقاد ناصحیح تو بوجود آمده مربوط است .

زن میخواهد محبت شوهر را جلب کند ، اینکار راه مشخصی دارد . راهش اینست که بداند چه چیزهایی مورد علاقه شوهر او است و چه چیزهایی مورد تنفر و انزجار او . بسیار طبیعی است هر کس بچیزهای مورد علاقه اش نزدیک و نزدیکتر میگردد و احیاناً با آن عشق میورزد و از چیزهایی که مورد تنفر و انزجار او است میگریزد . حال این راه صحیح را رها کردن و براه ناصحیح افتادن و بجادوگر و فالگیر و طالع بین و دعانویس متوسل شدن ، از راه صحیح شناختن اشیاء منحرف گردیده است .

دشمنی داریم ، برای او دوراه وجود دارد : یا او را از میان برداشتن که این کار قدرت و زور میخواهد و یا با دفع شر او بمسالمت رفتار کردن ، که این کاری است که از هر بی زور و یا کم زوری ساخته است . حکم قاطع و غیر قابل رد عقل است که با دشمن قوی باید بمسالمت و مدارا رفتار کرد و جز آن راهی نیست .

هوو برای زنان دشمن است و دیدار او برای اکثر زنان قابل تحمل نیست در این صورت چه باید کرد ؟

دوراه بیشتر وجود ندارد یا باید زن بر قلب شوهر مسلط شود که در این صورت شوهر خود شر هوو را از سر او کوتاه میکند و با او و شوهر از طریق مسالمت زندگی کند و با اصطلاح همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد ، دیگر توسل بجادوگر و طالع بین بی معنی و عملی جاهلانه است . فرض کنیم زنی نازا است و چون بچهدار شدن پشتوانه دوام زناشوئی و یا وسیله جلب بیشتر محبت شوهر است باید این نقص را از میان برد اما اینکار طریق صحیحی دارد و آن مراجعه کردن بدکتر متخصص است نه گرفتن دعا و توسل بجادو .

اینها که نوشتیم نمونه ایست از انحرافهای بشر از راه واقعی رسیدن به هدفها ، و میدانیم انحرافها یگانه عامل بوجود آمدن عقاید خرافی و یگانه وسیله پیدایش طبقه ایست که از آن راه نان میخورند .

شما هرگز در میان مردمی که معتقدات صحیح دارند نه يك رمال و جادوگر و طالع بین و جن گیر و امثال اینان می بینید و نه از دهانشان يك کلمه از عقاید ناصحیح و معتقدات خرافی میشنوید . اینگونه عقاید فاسد فقط و فقط در میان مردم نادان و بیراهه رو و منحرف وجود دارد و همین مردم جاهل اند که موجد طبقه جادوگران و طالع بینان و جن گیران و سایر ناشران عقاید خرافی اند .

حال از چه راه باید بمبارزه با آن عقاید نادرست پرداخت ؟

راه از میان بردن چنان عقاید فاسد در درجه اول با سواد کردن مردم است و در درجه دوم ارتباط دادن هر معلولی بعلت خاص آن و در درجه سوم مهار کردن افکار دینداران در چهارچوب عقاید صحیح دین تا در رویدادها دچار کج اندیشی نشوند . شاید در اینجا ذکر داستانی که چندسال قبل برای من اتفاق افتاد بی مناسبت نباشد :

در سال ۱۳۳۵ سیلی درده بالا بیلاق یزد که تا شهر چهل ویک کیلومتر مسافت دارد راه خود را تغییر داد و در سر راه خود مزارع و باغها و خانهها و ساختمانها را از میان برد و ویران کرد و جمعی را در دهان پر کف و پر خروش خود فرو برد و کشت و جسدشان را بکناری انداخت و خسارات جانی و مالی بسیاری ببار آورد. در آن تاریخ من در یزد بودم و اوقات نمازهای یومیهم بمسجد میرفتم و در گوشه‌ای از مسجد نماز میخواندم. امام جماعت مسجد پس از فراغ از نماز منبر رفت و ضمن مواعظی که کرد گفت: «چوب خدا صدا ندارد (در صورتیکه خیلی صدا داشت و مدت زمانی مردم را داغدار و خانه‌نشین و عده‌ای را بی‌خانمان کرد فقط از خدا نبود) چقدر بشما گفتم خمس بدهید، سهم امام بدهید، زکوة بدهید، رد مظالم بدهید، مسجد بسازید، مدرسه بسازید و، و، و، گفتید نداریم، نداریم حالا بگویید این اموالی را که سیل برد از چه کسی بود. ببینید و عبرت بگیرید».

پسر من که اکنون دکتر در رشته پزشکی است در آن زمان با من در مسجد بود و با اینکه پانزده سال بیشتر نداشت و برای فهم موضوعهائی از این قبیل آمادگی داشت باو گفتم: فرزندم اگر این عالم روابط علل و معلولها را دانسته بود و از طرز تربیت صحیح مردم آگاهی داشت آن‌طور مردم را موعظه نمی‌کرد بلکه می‌گفت ای مردم شما گناهی را مرتکب شده‌اید که سیل را بدنبال آورد. گناهتان این بود که از بستر رودخانه که رهگذر سیل است گرفتید و باغ و خانه کردید و راه را بر روی سیل بستید. سیل وقتی راه خود را بسته دید طبیعی است با زوری که دارد تلاش میکند تا راهی برای خود باز کند. سیل راه عبور می‌خواهد و برای اوبی تفاوت است که آن راه از زمین بایر بگذرد و یا آباد اما چون بستر او را در جای آباد تنگ کرده و راه عبور آزاد او را بسته بودید از همان جا راهی برای خود باز کرد و آنچه لایق و مستحق و سزاوار آن بودید انجام داد حال بیایید و از گناهی که مرتکب شدید توبه و استغفار کنید و با خدا از نو عهد و پیمان ببندید که دیگر مرتکب چنان گناهی نشوید و من بشما قول میدهم و قول خود را با سوگند بخدا مؤکد میکنم که دیگر مسیل باغها و مزارع و ساختمانهای شما زیان نرساند و تلفات جانی و مالی بیارنیاورد. این رودخانه میلیونها سال است که بستر سیل است و از میلیونها سال راه مورد نیاز خود را با قدرتی که دارد باز کرده و احتمالاً از سیل ۱۳۳۵ سیل پر خروش‌تری داشته و از همین رهگذر گذشته است. اینست گناهی که باید از آن توبه کنید و استغفار نمائید.

اما آن عالم از گناه آن مردم که موجب آنهمه خسارت و ویرانی گردید ناهم نبرد و ذکر بی‌بهره میان نیاورد و شاید اگر می‌بزرگوار مردم از بستر رودخانه نمی‌گرفتند و بصورت باغ و خانه نمی‌کردند و سیل هم دیگر بسراغشان نمی‌رفت و خسارت و مآثمی ببار نمی‌آورد.

اما آنرا نگفت، سال بعد که ده بالا رفتم دیدم بستر رودخانه را از نو گرفته و مانند گذشته باغ و خانه کرده‌اند، باشد تا بار دیگر سیل بیاید و گناهکاران را بکیفر جرمی که مرتکب شدند برساند گرچه در این کیفر کشتی بیگناهان نیز عقوبت می‌بینند ولی چه میتوان کرد، گناهی کرده‌اند که خشک‌وتر و گناهکار و بی‌گناه در لهیب آن مینسوزند.

زورخانه

کاظم کاظمینی

رئیس باشگاه بانک ملی ایران

بودند ، محل آنرا که همچون مکانهای مقدس حفظ میشد ، مرکز تبلیغ شعائر مذهب شیعه قرار دادند و با ذکر نام علی (ع) و خصال عالی آنحضرت که فتنی فتنان می شناختندش ، به ارشاد ورزشکاران و تلقین سجایای عالییه اومی پرداختند .

ایرانیان از آن پس با ایجاد و تعمیم زورخانه در سراسر مملکت ، اولین کانونهای استقلال طلبی را در پشت پرده استتار ورزش بوجود آوردند و بامیل که شبیه گرز و کباده که مانند کمان و سنگ که بجای سپر ساخته شده و در حقیقت سلاحهای بدلی جنگی بود ، شروع به نیرومند ساختن بدن خود برای بهتر بکار بردن سلاحهای اصلی جنگ کردند .

در این زمان که حزب شعوبیه سازمانی متشکل از مردان روشن ضمیر و بزرگوار ایران بود و مردم ایران را تشویق به احیای زبان فارسی و فرهنگ و سنن ملی خود میکرد ، مردان و جوانان پیرو خود و دیگر مردم را نیز در زیر شعار طرفداری از آل علی (ع) در مخفی گاه زورخانه به تمرینهای جنگی خشن و امید داشت .

نقش زورخانه ، در احیای نهضت ملی ایران بر ضد بیگانگان و همچنین رستاخیز زبان و فرهنگ و آئین فتنوت و اخوت که از عهد باستان در کشور ما رواج داشته اهمیت بسزا دارد .

پس از حمله و استیلای مغول ، تشکیلات زورخانه مجدداً مثل دوره تسلط اعراب حالت جنگی پیدا کرد و رادمردان و جوانان در آن گرد آمدند و عیاران وارد دوره دیگری از تحمل مسئولیتهای اجتماعی جدید و مقابله با بیگانگان شدند .

الزام زورخانه باز سبب توسعه و رواج بیشتر آن شد و عموم مردم طالب حرفه پهلوانی و عیاری و جنگاوری را که آرزوی برانداختن حکومت مغول را از کشور خویش در سر داشتند ، بسوی خود کشانید و باتکیه بر آئین پهلوانی ایرانیان ، احساسات میهن پرستی آنان را با ضربه های پر شور طبل و اشعار حماسی و حرکات تند و سریع جنگی پر شور و شعله و ر ساخت و نهضت هائی همچون قیام سرداران خراسان و صفویه را که از عیاران فتنی بودند موجب شد .

آلات و ادوات ورزشی زورخانه : میل ، کباده و سنگ و تخته شنا و همچنین رسوم و آداب معمول در آن و شکل ساختمان ، همه نشان دهنده تاریخ کهن ورزش باستانی در ایران است . تشکیلات و تجهیزات زورخانه ها حالیه در شکل و صورت کامل خود عرض وجود میکنند و در عکسها و تصاویری هم که از صد و پنجاه سال پیش از ورزش باستانی در زورخانه در دست است ، بدون تفاوتی بهمین شکل امروزی می نماید .

بطوریکه در تواریخ نیز نقل شده ، زورخانه در هفتصد سال پیش بوسیله پوریای ولی ، بصورت امروزی تجدید سازمان شده ، بدین جهت ، بی شک آنچه پیش از آن بوده ، میتواند تاریخی بسیار کهن داشته باشد و عجیب نیست اگر مبداء پیدایش زورخانه با وسایل ابتدائی آن از دوران باستان نیز انگاشته شود .

اگر بخواهیم حداقل تاریخ پیدایش کباده و میل و سنگ و نیز اشکال حرکات و ساختمان و رسوم و آداب رایج زورخانه را ، از اشکال ابتدائی خود تا بصورت تکامل یافته امروزی ، بنابه حوائج و مقتضیات تاریخی در هر دوره معلوم کنیم ، باید زمان تسلط خلفای بنی امیه را در ایران مبداء قرار دهیم .

ملت ایران که از آغاز تاریخ خود به پهلوانی و کشتی و قدرت بدنی نیاز مبرم داشت تا بدستور پیغمبر باستانی اش ، خود را برای یاری اهور مزدا در جنگ با اهریمن نیرومند سازد ، پس از تسلط اعراب بر ایران نمیتوانست با ضعف و زبونی زندگی کند .

در چنان شرایطی که ایرانیان در زیر انواع فشار و ستم بیگانه ، در حال از دست دادن میراث ملی خود بودند ، رادمردان آزاده ایران ، در پناه برخی از قوانین اسلام مانند سبق و رمایه که برای آماده شدن بجهاد با کفار بود ، دوباره ورزشهای باستانی خود را مانند اسب سواری و نیزه بازی و تیراندازی از سر گرفتند و همچنین زورخانه و عملیات ورزشی آنرا در مکانهای دور افتاده و در مخفی گاهها و زیرزمینها دایر ساختند و بایاری عیاران و شاطران که شیعی مذهب و نیز از اهل اخوت و فتوت

زورخانه و ورزش باستانی توانسته با عملیات ورزشی و شعائر ملی و آداب و سنن مخصوص بسیاری از مردم هر زمان را بخود جلب نماید و بهمت موجودین خود یعنی عیاران و شاطران که از فرق شیعه و بطهارت و فتوت معروف بودند تا به امروز پایدار بماند .

مطالعه علائم و آثاری که در زورخانه دیده میشود، از نقطه نظر قدمت آنها قابل اهمیت است .

ساختمان زورخانه چنانکه در روزگار ما معمول است ، باطاق شبه گنبد و مسجده آن شباهت زیادی به خانقاه صوفیان دارد و سرده می که مرشد بر آن می نشیند به منابر سخنوری آنان می ماند . گود زورخانه که ورزشکاران در آن ورزش میکنند ، از سنت رده در اویش خاکسار پیروی شده که دلیل در خاک و در جای پست ورزش کردن است تا ورزشکار هنگام ورزش نسبت به دیگران پائین تر قرار بگیرد و در خود احساس کبر و نخوت نکند . گودها معمولاً بشکل کثیر الاضلاع هشت گوشه ساخته میشود و در قدیم آنرا چهار گوشه و شش گوشه نیز می ساختند . ادبیات و اصطلاحات رایج در زورخانه و مراتب و القاب ورزشکاران و پهلوانان در مراحل ممارست ورزش باستانی ، شباهت زیادی به سیر و سلوک طریقت صوفیان دارد و مرشد نیز بجای قطب و مراد و یا شیخ و ولی است .

همانطور که در طریقت صوفیان ، سالک برای رسیدن به کمال باید مراحل طی کند ، جوانی هم که بخواهد در زورخانه به مقام پهلوانی برسد موظف است مراتبی را بگذراند . مثلاً به جوانی که دوره اول ورزش باستانی را طی میکند توجه میگویند که باید زیر دست پیشکسوتها (ورزشکاران سابقه دار) تحت تعالیم قرار بگیرد و فنون کشتی و آئین پهلوانی را بیاموزد . پس از اینکه این مرتبه را طی کرد به مرحله نوحاستگی که رتبه ای بالاتر است میرسد . وقتی در این دوره هم با رموز ورزشکاری و هنر و فنون کشتی گیری کاملاً آشنا شد و بدنی ورزیده و نیرومند یافت به مرتبه ساخته نائل میگردد که درباره وی گفته میشود که او خود را ساخته است و در موقع ورود اینان به زورخانه مرشد از حضار برای او طلب صلوات میکند و او را صلواتی نیز میگویند .

مرتبه بالاتر از آن پیشکسوت است و ورزشکاری که در رعایت آداب رسوم زورخانه و ورزشکاری و میانداری و تعالیم به نوجهها و نوحاستهها ورزیده شده باشد و در جوانمردی و فتوت و فروتنی در میان مردم بحسن اخلاق معروف باشد ، به مقام پیشکسوتی نائل میگردد و مرشد مقدم او را بزورخانه ، با طلب صلوات از حضار و زدن به طبل اعلام میدارد .

هنگامی که ورزشکار به مرتبه کمال پهلوانی و پیشکسوتی برسد ، عنوان صاحب ضرب و صاحب زنگ می یابد و ایشان کسانی هستند که در تمام زندگی با ورزش باستانی سروکار

داشته اند و عنوان پهلوانی با کلیه سجایای آن شخصیت اصلی آنها بوده باشد .

عملیات ورزش باستانی

برای آنکه تعریف جامعی از این ورزش بدست داده شود و ضمناً مفاهیم به تسلسل نظم از خاطر بگذرند ، یکدوره کامل ورزش باستانی سه نفر از کسانی را که یکی از آنها پهلوان و دیگری پیشکسوت و سومی از ساختهها یا نوجههاست از هنگام ورود به زورخانه تا اتمام ورزش در نظر میگیریم که شرح آن از اول الی آخر بدینترتیب است .

این سه نفر به ترتیب مرتبه خود وارد زورخانه میشوند . در زورخانه از قدیم کوتاه ساخته میشده تا ورزشکاران و پهلوانان هنگام ورود در آستانه خاکی که تربیت اخلاقی و تندرستی و پهلوانی را به آنها اعطا کرده سر تعظیم فرود آورند و در مقابل حضار فروتنی نشان دهند .

مرشد که روی مردم نزدیک در ، روبه گود نشست به حضار ورود پهلوان به زنگ میزند و چند لحظه با هر دو دست تند و سریع به طبل میکوبد و از حضار طلب صلوات میکند . آنگاه برای نفر دوم که پیشکسوت است ، با طلب صلوات از حضار همچنان دوباره به طبل میزند و برای سومی که ساخته و نوجه است فقط به طلب صلوات اکتفا میکند . در صدر نشستگاه برای پهلوان جای باز میکنند . و مرشد تا هنگام جلوس پهلوان که ملقب به صاحب زنگ و اورنگ و تاج است با ترنم ضرب ملایمی چنین شعری میخواند :

ای بلبل به فضای گلستان خوش آمدی

ای شه به خانقاه فقیران خوش آمدی
من خاک پای مرد بیوسم به جان و دل

ای مایه صفای دلیران خوش آمدی
چنانچه ورزشکاران در گود مشغول ورزش باشند ، در این موقع ورزش خود را متوقف میکنند و میانداز که سابقه دار ترین و محترم ترین ورزشکاران است از او برای ادامه مجدد ورزش کسب اجازه میکند .

هر سه پهلوان تازه وارد برای ورزش برهنه میشوند و شلوار چرمی میخچه می پوشند ، این شلوارها چنانکه اشاره شد تاریخ درازی دارد و شاطران و عیاران آنرا که در ابتدا بصورت نطع چرمین بوده مثل لنگ جلو خود می بستند و بابتن نیم برهنه وارد کارزار نبرد میشدند .

این شلوارها تا پائین زانو میرسد ، همه جای شلوارها ، بانقشهای گوناگون و ظریف گلدوزی و جقه دوزی و حاشیه دوزی شده و سر زانوهای آنها بقدر ته کاسه ای برجسته می باشد .

در حالیکه همه در گود مشغول شنا رفتن هستند ، پهلوان تخته شنائی از زیر مردم برداشته وارد گود میشود و مرشد مجدداً



۱

اورا با ضرب و زنگ و صلوات وارد گود میکند .
تختشنا ، تخته چوبی است بدرانای ۷۵ سانتیمتر و پهنای
۸ سانتیمتر و قطر تقریباً ۲ سانتیمتر که در زیر آن کمی از لبه
عقب تر دوپاره تخته چوب کوچک شش سانتی کوبیده شد که ،
تخته را تا ارتفاع خود از زمین بالا نگه میدارد ، تا انگشتها
و کف دست ورزشکاران که هنگام شنا رفتن آنرا محکم بچنگ
میفشند از زمین فاصله داشته باشد .

سنگ گرفتن

هر ورزشکار اول از سنگ شروع میکند . سنگ دوپارچه
تخته بشکل مربع مستطیل است که قسمت تحتانی آن به نیمدایره ای
تمام میشود و هر یک بوزن ۳۰ یا ۴۰ کیلومی باشد . در وسط
آن سوراخی یا یک جادست تعبیه شده و ورزشکاران با گرفتن
آنها در حال دراز کش سنگ میگیرند .

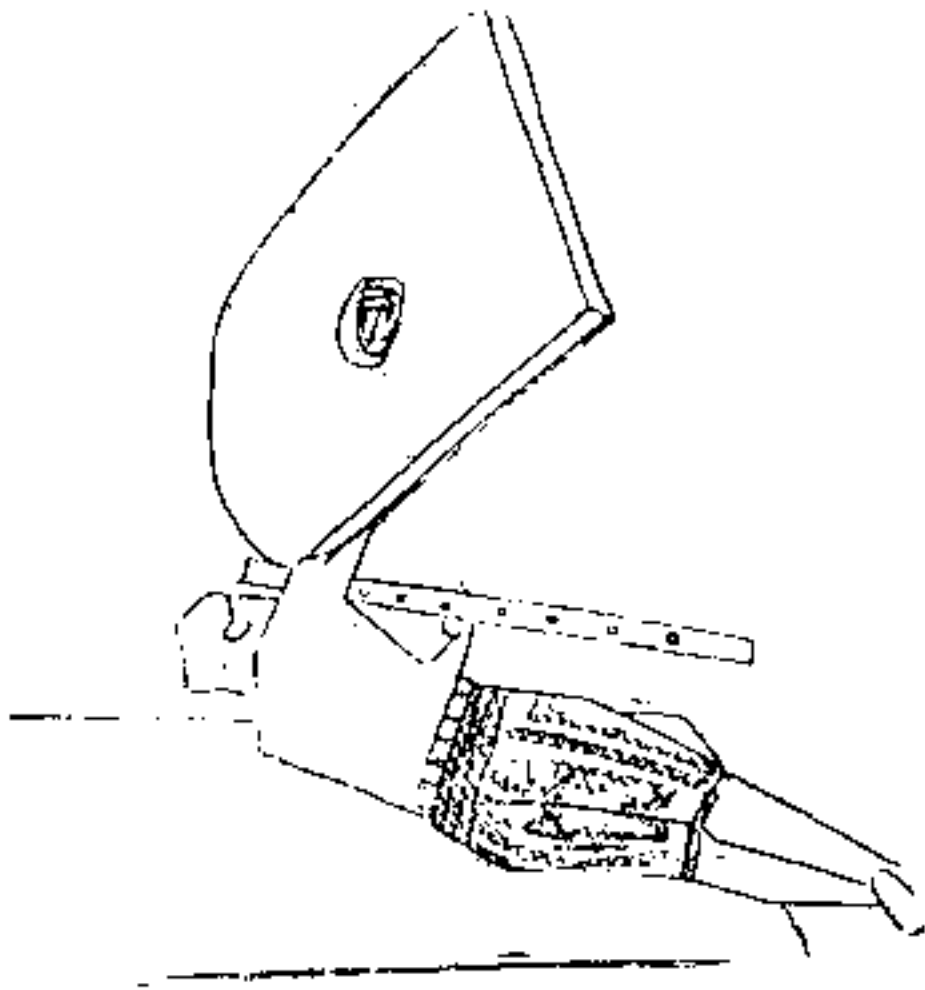
آن دونفر بنوبت ، اول پیشکسوت به پشت دراز میکشد ،
دو سنگ را از جادستی میگیرد و بلند میکند و بحرکت در میآورد .
بدین ترتیب که اول روی پهلوئی چپ می غلتند و دست راست
خود را با سنگ بالا میبرد و سپس آن دست را پائین آورده ،
روی پهلوئی راست می غلتند و دست چپ را با سنگ بالا میبرد .
در این حال ورزشکار دیگر برای برانگیختن شوق و میل
او ابتدا ، سرنوازی میخواند :

— دم بدم ، قدم به قدم ، بریکه سوار عرب و عجم ، زبده
اولاد نبی ، یعنی بنام احمد ، محمود ، ابوالقاسم محمد و بعشق
وارادت واجابت ، بیحدوبی عدد صلوات .

یا این سرنوازی را میخواند :

هر کار که میکنی بگو بسم الله

تا جمله گناهان تو بخشد الله



۲

تاجان بنتت هست همین را بر گوی

لاحول ولا قوة الا بالله

و همچنین میخواند :

کشتی بگیر تا بشوی پردل و دلیر

سنگ بگیر تا نشوی خوار و ذلیل

آنگاه شروع به شمارش سنگ با دعا میکند که هر کلمه

و یا جمله آن به استعاره عدد معینی را به ترتیب میرساند :

« ماشاء الله ، لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم .

بسم الله الرحمن الرحیم .

« بزرگ است خدای ابراهیم .

« دونیست خدا .

« سبب ساز کل سبب ، سید کائنات .

« چاره ساز بیچارگان ، الله

« پنجه خبیر گشای علی .

« شش گوشه قبر حسین .

« امام هفتم ، محبوب ملک بغداد .

« قبله هشتم یا امام رضا .

« فوج نبی الله .

« کرم از علی ولی الله .

« علی و یازده فرزندش برحق .

« جمال قائم (ع) صلوات .

« زیاده باد دین نبی .

« چهارده معصوم پاک .

« نیمه کلام الله .

« شانزده گلدسته طلا ، مدفون بالمدينه یارسول الله .

« یکصد و هفده کمر بسته مولا .

« خدای هیجده هزار عالم و آدم .



۳



۴

سوم - شنای دوشلاقه .

چهارم - شنای پیچ .

۱ - شنای کرسی با شمارش میاندار انجام میشود .
 پهلوان میاندار شناها را یکی درمیان با ذکر نام یکی از انبیاء و با ائمه و گفتن عدد معینی می‌شمارد و سایر ورزشکاران هم یا الله گویان شنا می‌روند و همه باهم تنه خود را از عقب بجلو میکشند و سینه را روی تخته شنا پائین می‌آورند . در اینحال بدن بجلوسرازیر میشود و بازوها روی ساعد زاویه می‌زنند و پس از گفتن یا الله در جواب میاندار ، دوباره بدن خود را از روی تخته شنا بلند میکنند و به عقب میکشند .

۲ - شنای کرسی با ضرب بهمان ترتیب شماره‌ای است که با ضرب اشعار مرشد رهبری میشود .

۳ - شنای دوشلاقه باز بهمان حالت کرسی است منتها با ضرب و اشعار لاینقطع مرشد پی‌درپی و بی‌توقف انجام میشود .

۴ - در شنای پیچ پاها جفت میشود و بدن روی تخته شنا پائین می‌آید و در فاصله کمی بالای آن قرار میگیرد و با ضرب مرشد هر دفعه مثلاً اول شانه چپ را فرود می‌آورند و سینه تا حد تماس به تخته شنا نزدیک میشود و زاویه دست چپ به ده درجه میرسد و شانه سمت راست سینه بالا می‌رود و زاویه دست راست با ۴۰ درجه باز میشود و سروسط آن قرار میگیرد و تمام بدن

« ختم شاه نعمت‌الله ولی .

« بیست ، آقای قنبر علی است .

« يك بیست ، لعنت خدا بر ابلیس .

« دویست ، ناز بازوی مردان عالم .

« سدیست ، ناز سروسینه مردان عالم .

« چهار بیست ، ناز چهارستون بدنت .

« پنج بیست ، ناز پنجه قوچاقت .

« شش بیست ، شش ساق عرش مجید .

« هفت بیست ، یا امام موسی کاظم .

« هشت بیست ، تا من الحجج .

« نه بیست ، جواد العالمین .

« سی جزو کلام الله .

« ز آدم و حوا .

« دیگر نبی الله .

« شعیب و

« یوسف و

« یعقوب .

« پس خلیل الله .

« ملائکان مقرب .

« دیگر زجبرائیل .

« ز صوت حضرت داود .

« هم زمیکائیل .

« يك چهل گرفتی ماشا الله .

« دو چهل محمد معظفی .

« سه چهل علی است شیر خدا .

« چهار چهل .

« پنج چهل ، پنج تن زیر کسا .

« شش چهل ، شهید دشت بلا .

« هفت چهل فرزند دلبند مولا .

« هشت چهل کشته زهر جفا .

« نه چهل ، بر منمور دوانقی لعنت .

« پنجاه هزار بار شست بند دیو ، علی را صلوات .

ترتیب شمارش سنگ چنان است که اگر از يك تا پنجاه

رسد ، شمارنده باید شمارش سنگ گرفتن را بطور معکوس

از پنجاه تا يك برگرداند و این ترتیب شمارش نباید از ۱۱۷

تجاوز کند و شمارنده مکلف است ، در صورت ادامه سنگ گرفتن

شمارش را ختم و مجدداً از يك بهمان ترتیب اول شروع کند .

شنا رفتن

شنا بر چهار قسم است :

اول - شنای کرسی با شمارش .

دوم - شنای کرسی با ضرب .

با پاهای جفت بهم ، به سمت چپ روی پهلو می‌گردد. و حالت طرف دیگر بدن هم با بطرف راست گشتن بهمین قرار است . پس از انجام شنا ، میاندار بایک حرکت سرپا می‌ایستد و مرشد با زدن به زنگ پایان شنا را اعلام میکند و همد نیز به تبعیت از میاندار بپا می‌خیزند و اول میاندار و بعد به ترتیب تقدم و سابقه ورزشی تخته شناهای خود را درجایش می‌گذارند. گاه ممکن است ، تعداد دفعات شنا به هزار برسد که این اندازه در همت ورزشکاران نیرومند و پیشکسوت می‌باشد . آنهایی که در گود از همقدری (رقابت) با ایشان در بمانند ، یکی در میان و یا دو تا در میان شنا می‌روند و یا زانوهای خود را به زمین گذارده ، فقط سر خود را تکان می‌دهند .

شنا در ورزش باستانی بخاک افتادن و طلب حق تعریف کرده‌اند و می‌گویند این عبادتی کبیر است که در آن حال از سر موتی بانگ الله‌الله و علی علی در طلب برمیخیزد . در قدیم در ضمن شنا دعای جوشن کبیر و باجوشن صغیر را میخواندند.

میل گرفتن (گورگه)

بعد از شنا نوبت میل گرفتن میرسد. میل که در بدو پیدایش شبیه گرز و از چوب و آهن بوده و در ورزش هم برای پرورش بدن بمنظور مهارت در گرز کوبی بکار گرفته میشده ، در زمان ما از چوبهای سخت نارون و گردو و زبان گنجشک و فوفل و ارژن و کپکوم ساخته میشود که بدنه‌ای جسیم و استوانه‌ای با دسته‌ای کوتاه دارد و هر جفت آن از ده کیلو تا سی کیلو میرسد.

ورزش بامیل بر سه قسم است .

۱- میل بازی .

۲- گورگه .

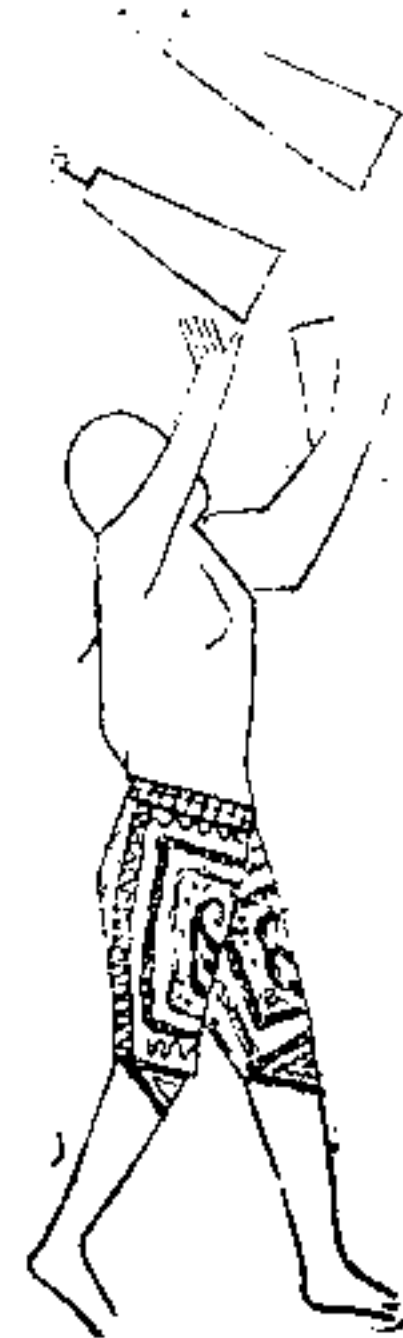
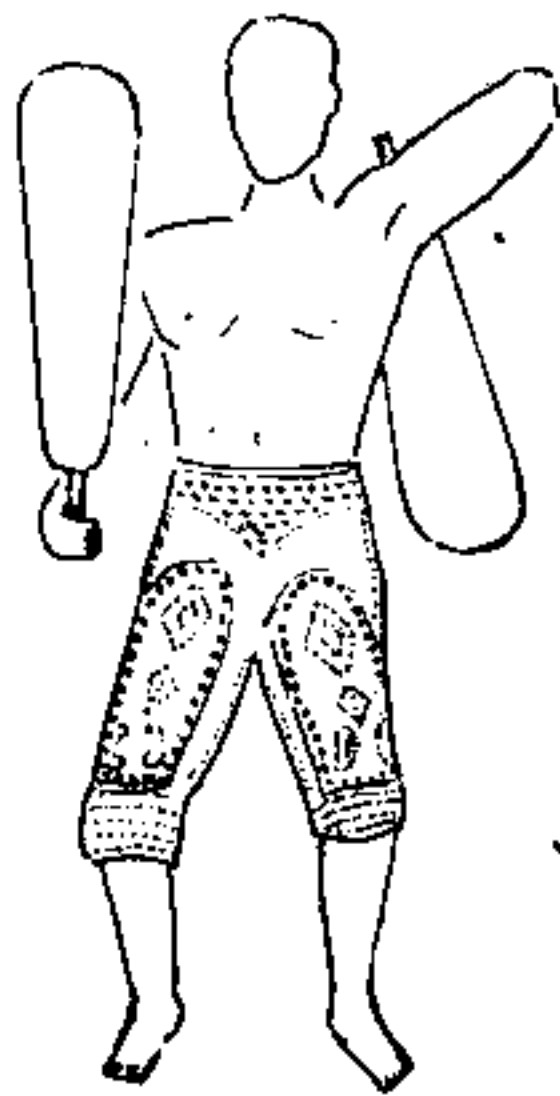
۳- چکشی .

میل بازی از عملیات هنری ورزش باستانی است که آنرا شیرینکاری نیز می‌گویند . میل باز با یک جفت میل که از سایر میلها کوچکتر است ولی دسته‌ای بلند دارد وسط گود می‌آید و با ضرب مرشد آنها را به اشکال مختلف به هوا میاندازد و میگیرد. گورگه بدین ترتیب است که پهلوان و یا پیشکسوتی وسط گود می‌ایستد و میانداری میکند و سایر ورزشکاران بانگاه کردن به او به آهنگ ضرب و آواز مرشد میل می‌گیرند . در این حال وقتی مثلاً دست راست یک میل را از بالای شانه به پشت و دور کتف میگرداند ، دست چپ میل را سربالا نگه میدارد و وقتی دست چپ میل را بهمان طریق میگرداند دست راست میل را جلو سینه نگاه میدارد .

در میل گرفتن چکشی مرشد به سرعت و لاینقطع به طبل میزند و ورزشکاران هم پی‌درپی میل می‌گیرند .

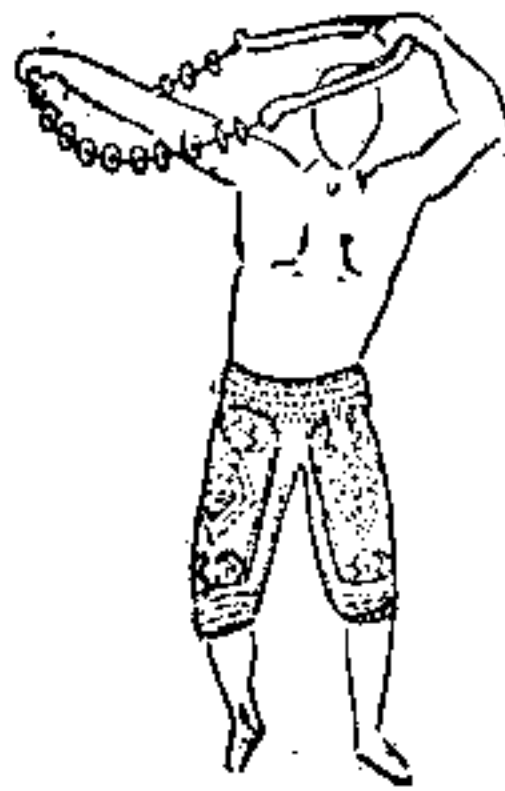
چرخیدن

بعد از اتمام میل گرفتن ورزشکاران دور گود می‌ایستند و مشتمالچی (خادم زورخانه) روی شانه هر کدام لنگی میاندازد که بدن عرق‌دارشان سرما نخورد . آنگاه یکی از تازه کارترین ورزشکاران ، با طلب رخصت





۱۰



۹



۸



۷

پای زدن حرکتی از تمرینات شاطران است که خود را بدینوسیله برای دویدن چالاک می‌ساخته‌اند. همچنین شلنگ انداختن در مراحل آخر پای زدن یکی دیگر از فنون شاطری است. بعد از پای اول که باطمینان است پای چکشی شروع می‌شود که سرعت بیشتری دارد و به ترتیب به پای زدنهای دیگر می‌پردازند.

کباده

کباده زدن مرحله آخر ورزش باستانی است. این آلت الگو همان کمانهای جنگی قدیم است، با این اختلاف که کمانهای جنگی را از قطعات استخوان می‌ساختند و روی آنرا پی پیچ می‌کردند و بازمی‌هم از روده و یا چرم مخصوص دوسر کمان را بهم می‌کشیدند و انحنای می‌دادند. اما کباده کمانی آهنی و جسیم است که بجای زه زنجیری درشت و آزاد که حلقه‌هایی آهنین در آنها تعبیه شده از دوسر کمان آویخته‌دارد.

کباده زننده با دست راست جادستی کمان کباده را می‌گیرد و با دست چپ، جادستی زه زنجیری را گرفته و می‌بوسد و بعد بالای سر بلند کرده و شروع بحرکت دادن آن بالای شانه‌ها می‌کند.

مرشد کباده پهلوان را ضمن رهبری کردن با ضرب می‌شمارد و برای کباده پیشکسوت ضمن ضرب شعری حماسی می‌خواند ولی برای سایرین فقط ضرب می‌گیرد.

کباده هم مثل چرخ از کم سابقه‌ها و کوچکترها شروع و به پیشکسوتها و بزرگترها و پهلوانها ختم می‌شود. ناگفته نماند سادات یعنی کسانی که نسبت به دختر پیغمبر (ص) برسانند روی دست همه می‌چرخند و کباده می‌زنند.

وسط گود می‌آید و باطلب رخصت از مرشد و میاندار با ضرب مرشد شروع به چرخیدن می‌کند.

چرخ زننده دستها را بموازات شانه در دو طرف بدن کشیده نگهداشته و پای چپ را پایه چرخ بدن و پای راست را وسیله تحریک ساخته و پی‌درپی بزمین می‌زند و بدن خود را روی پای چپ بدوار در می‌آورد.

این حرکت چرخ ساده است. چرخ زننده تا حدود توانائی، بدور خود می‌چرخد، گاهی سرعت چرخ چنان شدت می‌یابد که اعضای بدن چرخ زننده در آن حال دیده نمی‌شود.

نوع دیگر این حرکت یک چرخ و یک تکیر است که چرخ زننده در حالیکه مرشد ضرب می‌گیرد، سه دور، دور خود می‌چرخد و دور چهارم را بهوا می‌پزد.

چرخ یکی از حرکات شاطران و عیاران است که بمنظور چستی و چالاکتی انجام می‌شود.

در چرخ کسی که در ورزش باستانی سابقه‌دار باشد صلوات می‌فرستند و برای پهلوان و صاحب کسوت به زنگ می‌زنند.

پای زدن

آنگاه در حالیکه میاندار بوسط گود می‌آید ورزشکاران به آهنگ ضرب ملایم مرشد باطمینان شروع به پای زدن می‌کنند.

پای زدن بر چهار قسم است.

۱- پای چپ و راست یا پای اول.

۲- پای چکشی.

۳- پای تیریزی اول و دوم.

۴- پای چپ و راست یا پای آخر.

مهمترین آداب و رسوم زورخانه

هر ورزشکاری به محض دخول به گود خم میشود و دست راست خود را به کف گود میزند و بعد آن دست را به نیت خاکبوسی آستان پهلوان پرور زورخانه ، بلب برده و میبوسد و بعد در جای و مرتبه خود می ایستد .

هر قسمت از گود زورخانه در جای خود مقامی دارد . وسط گود جای میاندار است که روبه مرشد می ایستد و باهماهنگی با وی سایر ورزشکاران را رهبری میکند .

دومین جایگاه یا مقام ، روبروی میاندار وزیر مردم ایستادن است . در اینجا سادات به احترام جدشان پیغمبر (ص) قرار میگیرند . بعد از ایشان به ترتیب سابقه ورزشی و مرتبه ، دومین و سومین و چهارمین الی آخر الهم و فی الهم زیر دست یکدیگر می ایستند .

از آداب مهم اینکه ، ورزش با لباس در زورخانه زشت و ناپسند شناخته شده و مطابق آئین فتیان ممنوع است .

و نیز ورزش در گود برای جوانان نابالغ ممنوع شناخته شده و در قدیم که ریش نشانه بلوغ بود میگفتند ، ریش باید آنقدر باشد که شانه در آن گیر کند .

از آنجا که زورخانه و گود مقدس و جای پاکان و جوانمردان دانسته شده ، ورزشکاران معتقدند که باید در آنجا مطهر بود و از شوخی و گفتار و رفتار زشت دوری جست .

در زورخانه ثروت و موقعیت اجتماعی در نظر نمی آید و تنها مقام کسوت و ورزش و تقوی و طهارت است که بر مراتب اشخاص حاکم می باشد من باب نمونه باید مراتب تشریفات و احترام به ورزشکاران را هنگام ورود و خروج از گود و زورخانه و نیز مراتب ردیف آنها را زیر دست یکدیگر به ترتیب سابقه کسوت خاطر نشان ساخت .

گلریزان از سنتهای دیرین زورخانه است که بمناسبت معینی برپا میشود . برای کشتی گرفتن دو پهلوان . برای آشتی دادن دو ورزشکار پیشکسوت . برای استعانت به کسی که به کمک احتیاج دارد . برای افتتاح زورخانه بسبب مقتضیات مالی زورخانهها و یا برای احترام مقدم پهلوانی که از شهری دیگر آمده باشد .

تشویق ورزشکاران که در عین حال احترام محسوب میشود ، ضمن حرکات ورزشی با فرستادن صلوات و یا تشبیه او یکی از پهلوانان شاهنامه صورت میگیرد مثل : گفتن سام نریمان . . . سهراب یل . . . رستم پیلتن و یا طلب یاری از مقدسین مذهبی برای او مثل : علی نگهدارت . . . امام هشتم پارت .

نوع دیگر تشویق که بیشتر هنگام چرخ هر ورزشکار رایج است اینست که مرشد متناسب سن ، جوانی یا پیری ، نیرومندی ، شغل و نام و وضع اجتماعی اشخاص ، نام اولیاء و یا مقدسین دین را صدا میزند .

چنانچه جوان را علی اکبر حسین ، شخص ارتشی را سرباز کوی حق ، مرد پرسابقه و نیرومند و متوسط سال را سپهسالار حسین ، و از او سالمندتر را سپهسالار علی و قصاب را جوانمرد قصاب و پیرمرد را حبیب ابن مظاهر یا پیر سحرخیز ، مردان بلندقامت را علمدار حسین ، هنرمند ورزش باستانی را نازجان شیرینکار ، سادات را سرور کائنات یا بر خلق خوش محمد صلوات و بسیاری از این قبیل عناوین تشبیهی نیز آورده می شود . چنانکه گفته شد کبابه و چرخ از ورزشکار مبتدی شروع و به پیشکسوت ترین آنها ختم میشود .

یکی دیگر از سنت های زورخانه گل کشتی است که در آخر ورزش و یا در مواقع گلریزان انجام میشود و ترتیب آن بدین قرار بوده که پهلوانها و پیشکسوتها دونه از نوچهها و یا ساختهها را باهم کشتی می انداخته اند و پهلوان قبل از شروع کشتی اشعاری از این قبیل که به گل کشتی معروف می باشد میخوانده است .

چندی به شرابخانه رفتم

دیدم که بیای خم درنگ است

چندی به قمارخانه رفتم

دیدم که به پای آس جنگ است

چندی به قلندران نشستم

دیدم که حساب چرس و بنگ است

پیر خردم به گوش گفتم

اینها همه صحبت چنگ است

برخیز و برو بزورخانه

آنجا که حساب میل و سنگ است

آوازه نای و رنگ طنبور

کبابه و تخته شنگ است

بازار متاع کشتی آنجا است

جنش همه حرف قوس و سنگ است

آن يك به دلاوری چو شیر است

این يك به شناوری نهنگ است

گردیدن ببر گرد پیل است

غریدن شیر با پلنگ است

دریند زبان ز نظم «سرباز»

طبال بزنی که طبل جنگ است

گاه دوتن از پهلوانها و پیشکوتتهائی که فوجدهای خود را از سر رقابت یا رفاقت با یکدیگر به کشتی میانداخته‌اند هر يك شعری بدین مضمون برای نوچه خود میخوانده‌اند :

چون زلف یار کشتی پر پیچ و خم خوشست
نی همچو مار ، چشم جفا و ستم خوشست
گهواره دیو و عقربك و قوس و دم شیرا
رد و بدل نمودن آنها بهم خوشست

ای تازه نوجوان و خوش اندام و تیز چنگ
داری تو دست از پی کشتی برای جنگ
يك فتح پا نما و كف گرگیش بز
چون قد علم نمود تو برداریش بچنگ
آنگاه در حالیکه دستور کشتی میداده‌اند رو به مرشد
مینموده و میگفته‌اند :

- ولی بشرطها و شروطها : اول به نبوت خاتم الانبیاء ،
دوم با ولایت علی المرتضی ، سوم بر خمتی پهلوان حی و حاضر
تحفه صلوات .

بعد از آنکه حضار در جواب اجماعاً صلوات میفرستادند
باز میگفته‌اند :

- با برکات ، مزد استاد ، ناز چون شیرینکار ، مزد دست
کهندسوار (مرشد) ، سلامتی دین مبین اسلام ، خدارا سجود ،
پیران را عزت ، رب المشرقین و رب المغربین ، فبای آلاء
ربکما تکذبان .

وقتی ورزشکاران از گود خارج میشوند ، برای رفع
خستگی و کوفتگی مشتمالچی زورخانه آنها را مشتمال میکند.
از رسوم دیگر زورخانه تنبیه ورزشکاران بوسیله اشعاری
است که مرشد هنگام چرخ آنها میخواند . مثلاً چنانچه
ورزشکاری رعایت نزاکت و ادب را در زورخانه ننماید و حق
احترام آستانه زورخانه و بزرگترها را بجا نیاورد و یا تکبر
وارد شود مرشد هنگام چرخ او آهنگ ضرب را برای رساتر
شدن صدای خود آهسته کرده و میخواند :

جان برتن مرد بی ادب زندان است
هر کس که ادب ندارد او حیوان است .

از بی ادبی کسی به جائی نرسید
حقاً که ادب وظیفه مردان است
و چنانچه در خارج از زورخانه مرتکب عمل خلاف شرع

و عرف و یا ادعاهای بی مورد شده باشد مرشد این شعر را
برای او میخواند :

شمشیر برنده تحفه مردان است
نامرد بزیر تیغ روگردان است
هر کس که به سر میل دلیری دارد

این قاپی و این حریف و این میدان است
و برای آنکس که به دینداری تظاهر و در عمل برخلاف
رفتار میکند چنین شعری متذکر میشود :

نه هر کس شد مسلمان ، میتوان گفتش که سلمان شد
کراول بایدش سلمان شد و آنکه مسلمان شد .

و آنرا که ورزش را برای ارباب و ضایع ساختن حقوق
مردم حرفه خود ساخته‌اند با این اشعار سرزنش میکند :

قصر نمروود که از ظلم بنا شد به جهان
حال بنگر که نبینی اثر از آثارش
طاق کسری که شد از عدل بیا ، بین که چسان

ظاهر ، آثار عدالت بود از دیوارش
و برای افراد کم جنبه و تازه بدوران رسیده که بجای
خدمت ب مردم جز تولید زحمت کاری نمیکنند میخواند :

وفا ز گل مطلب چونکه زاده خار است
همیشه در پی آزار بلبل زار است
تجیب زاده مفلس در این زمان خوار است

چرا که تازه بدوران رسیده بسیار است
ورزش باستانی امروزه ، بیش از آنچه مورد توجه هموطنان
باشد نظر خارجیان را بخود جلب نموده و این نگارنده که
در حال حاضر ریاست باشگاه بانك ملی ایران را عهده دار است
صدها نامه از شخصیت‌های درجه اول که از این ورزش در باشگاه
بانك ملی دیدن کرده‌اند دریافت داشته که تمامی در مقام
والا و اصالت و اهمیت این ورزش متفق القول و همنظرند و آنرا
به زبانهای مختلف مورد ستایش قرار داده‌اند .

ورزش باستانی و زورخانه که در واقع یکی از اصیل ترین
میراث‌های باستانی ما ایرانیان است در زمان ما تحت توجهات
خاص شاهنشاه آریامهر و ورزش دوست ایران تجدید حیات نموده
و ورزشکاران باستانی بیاس این موهبت خود را مدیون پدر
تاجدار خود میدانند .

اول و آخر مردان بخیر
پایان

هنرمردم

فرهنگ و دستیار علم و عمل بهار کار در آزمایشگاه شیمی

(۶)

دکتر جاوید فیوضات

برای تهیه نسخه بدل از اشیاء فلزی چگونه اقدام میکنند؟
چگونه میتوان اشیاء نقره‌ای را تمیز کرد؟
اشیاء آهنی را چطور نگاهداری کنیم؟
برای اندازه‌گیری قطر شیشه آئینه‌ها چه باید کرد؟

آب فلز دادن (Galvanoplastic - Electrotyping)

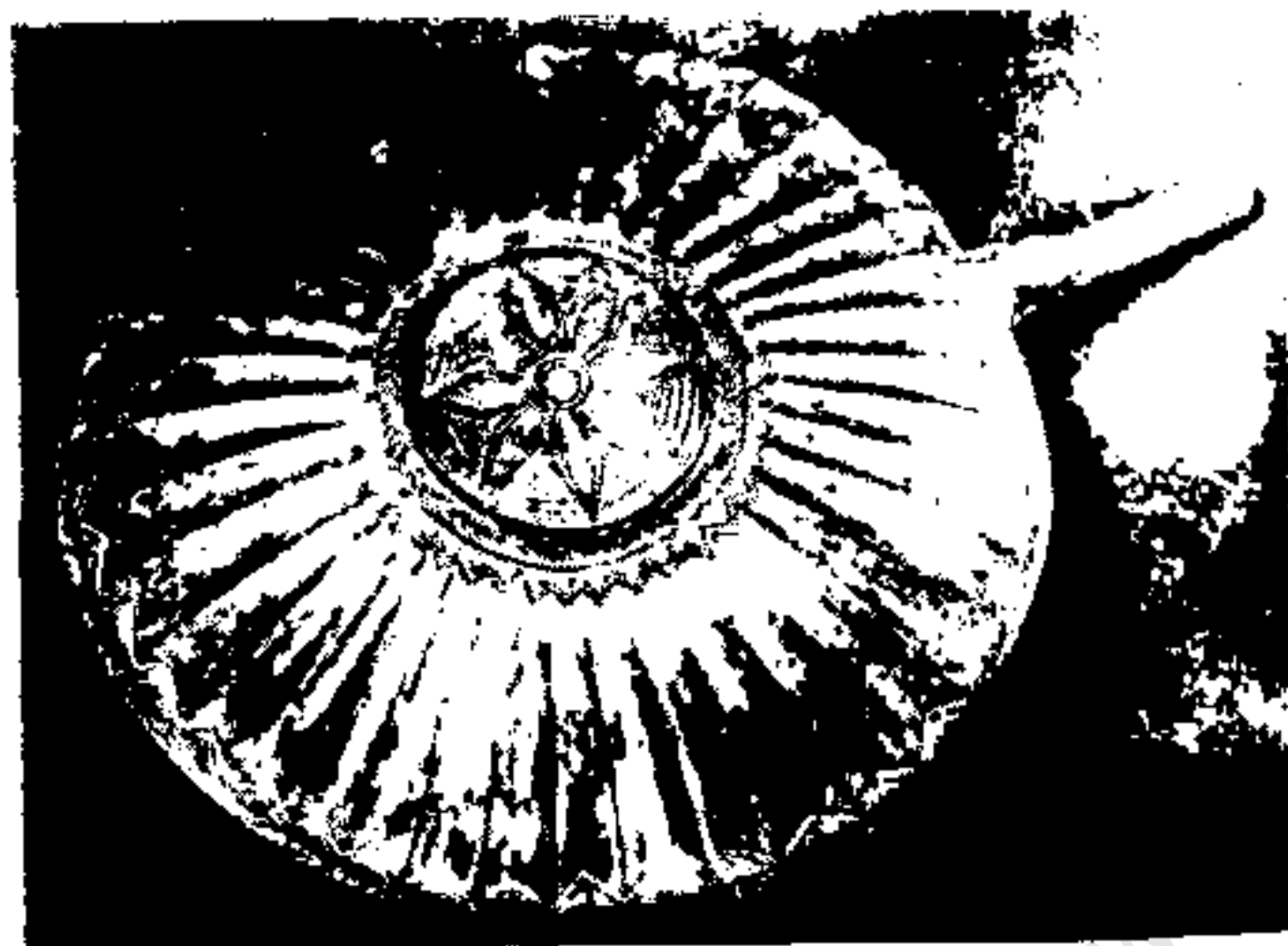
روش بسیار متداولی است برای تهیه نسخه بدل و کپی از اشیاء فلزی. این روش بیشتر در مورد تهیه کپی از اشیاء مفرغی و برنزی بکار میرود. کپی‌هاییکه از مدال‌های طلا باین طریق تهیه میشود معمولاً به اشکال از مدال اصلی تشخیص داده میشوند.

برای این کار قالبی از شیئی مورد نظر تهیه کرده و سطح آنرا از یک ورقه پلمباژین یا گرافیت مفرغ می‌نمایند (این ماده یک نوع کربن طبیعی بوده و هادی خوبی برای جریان الکتریسته بشمار می‌آید. مغز مدادهای سیاه از این ماده می‌باشد). این ورقه را بوسیله سیمی بقطب منفی یک باطری وصل کرده و قطب مثبت آنرا بوسیله سیم دیگری بورقه یا میله مسی وصل میکنند و هر دو این اجسام را بطوریکه در الکترولیز به تفصیل ذکر شد در محلول مناسبی قرار میدهند در نتیجه عبور جریان برق ذرات مس روی ورقه گرافیتی رسوب خواهد کرد.

الکتروم Electrum آلیاژ طبیعی است از طلا و نقره که مقدار طلای آن از پنجاه تا هشتاد و پنج درصد تغییر میکند و رنگ آلیاژ نیز بستگی بمقدار طلا دارد و در کمترین حد زرد کم رنگ بنظر خواهد رسید. از این ماده در زمانهای قدیم در جواهر سازی و مخصوصاً مرصع کردن اشیاء چوبی زیاد استفاده میکردند.

الکل Alcohol - Alcool - اجسام زیادی بنام کلی، الکل نامیده میشوند ولی معمولاً وقتیکه این کلمه بدون قید ذکر شود منظور الکل اتیلیک است که در مشروبات الکلی مانند شراب و عرق یافت میشود. الکل متیلیک یا الکل صنعتی از تقطیر چوب بدست می‌آید و ماده‌ای است سمی. الکل قلبی علاوه از الکل متیلیک و اتیلیک دارای مواد دیگری از قبیل روغن پارافین و بعضی رنگهای آئیلینی میباشد که مخصوصاً بدان اضافه میکنند تا از مصرف آن بشکل خوراکی جلوگیری نمایند. الکل اتیلیک اگر کاملاً بدون آب باشد الکل مطلق (Absolute Alcohol)

نامیده میشود و حلال بسیار خوبی بشمار می‌آید و بمقدار زیاد در تهیه لاک الکل و روغن جلا بکار میرود. الکل اغلب چربیها و روغن‌ها را حل میکند. الکل مطلق جسم بسیار جاذب الرطوبه‌ای است و از این خاصیت برای خشک کردن اشیاء شکننده استفاده میکنند باین طریق که پس از آب زدن اشیاء شکننده بلافاصله آنها را در الکل خیس میکنند در نتیجه الکل آب را بخود گرفته و تبخیر میشود



بالا راست: مجسمه طلائی از سر گاو که در حفاری بدست آمده است پائین راست: همان مجسمه پس از تعمیر بالا چپ: قشری از آلیاژ من فاسد شده بر روی ظرف قدیمی پائین چپ: قشر ظرف مزبور به کمک الکترولیز برداشته شده و تعمیر هم گردیده است

وبه این طریق شیئی در مدت کوتاهی خشک میگردد. الکل اغلب موادرنگی و ورنیهارا باسانی حل مینماید باین جهت در موقع استفاده از این جسم برای پاک کردن تابلوهای رنگ روغنی باید احتیاطهای لازم مراعات گردد.

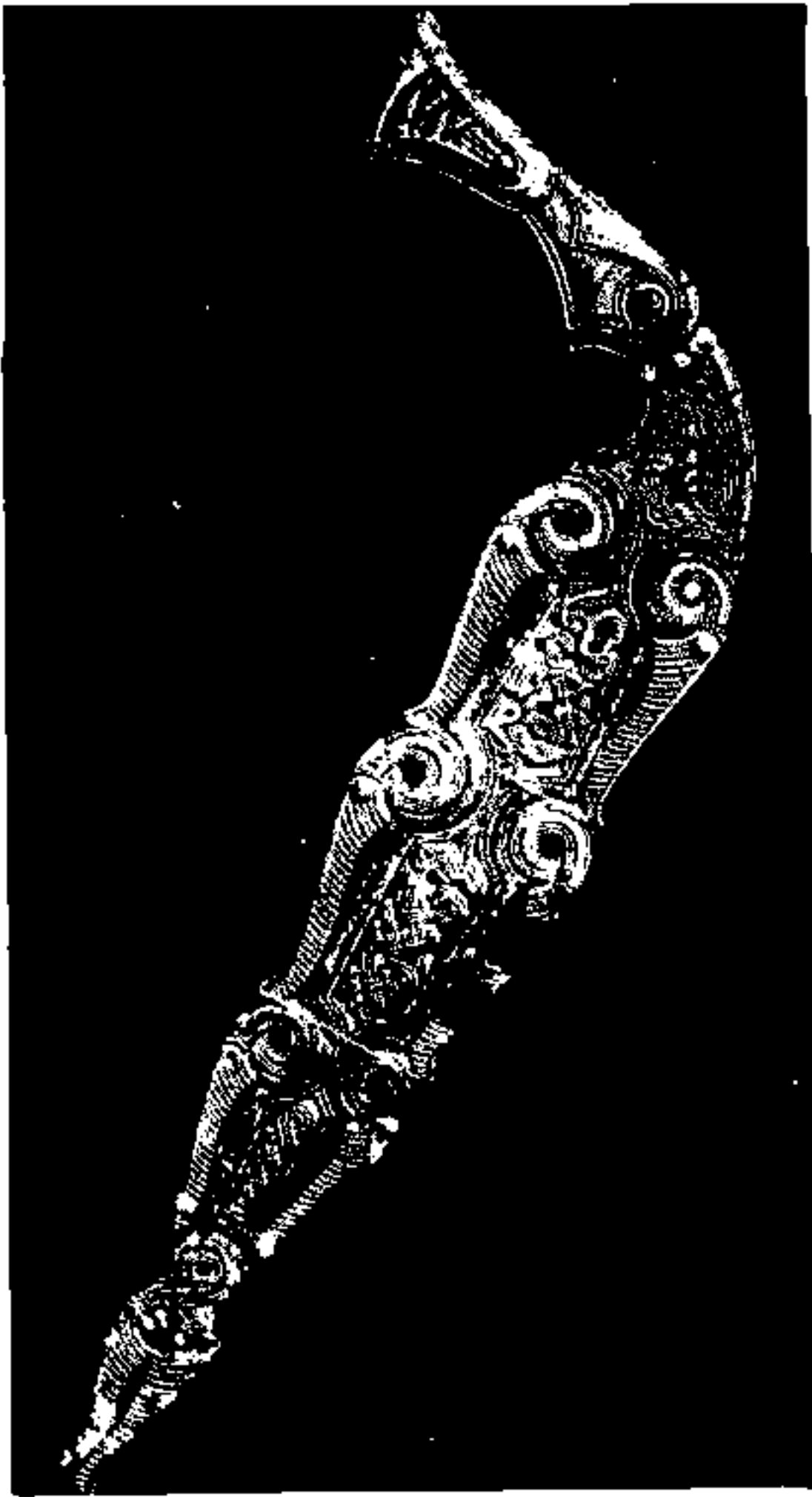
امولسیون Emulsion - معمولاً اجسام روغنی در آب حل نشده و چون سبکتر از آب میباشند در روی آب قرار میگیرند. اگر با افزودن بعضی مواد (مانند تخم مرغ برای رنگهای نقاشی) یا استفاده از بعضی عوامل فیزیکی مانند چرخاندن یا حرکات سریع بتوانند ذرات جسم نامحلول را بصورت تعلیق در آب در آورده و مخلوط یک نواخت و نسبتاً پایداری تشکیل دهند بجای یک محلول واقعی یک امولسیون بدست میآورند (شیر یک امولسیون طبیعی میباشد). دستگاههای کوچکی که در آشپزخانهها برای زدن تخم مرغ بکار میرود برای تهیه امولسیون بسیار مناسباند. از امولسیونهای آلبومینی چنانچه قبلاً تحت همین عنوان ذکر شد برای تهیه

زمینه نقاشیها مخصوصاً از تنخم مرغ برای **Tempera** استفاده میکنند .

آمونیاک - Ammoniaque - Ammonia گازی است که بمقدار خیلی خیلی زیاد در آب حل میشود و محلول آن بغلظت‌های مختلف در بازار عرضه میگردد (در شیشه‌های تجارتي را باید زیرشیر آب سرد باز کرد تا بخاراتیکه از آن متصاعد میشود به چشم و مجاری تنفسی آسیب نرساند) این جسم یکی از مواد سبک‌کننده آبها بشمار آمده و چون میتواند در مجاورت چربیها يك نوع صابون محلولی تشکیل دهد لذا از محلول ده درصد آن برای پاک کردن لکه‌های مختلف چربی و روغنی و مخصوصاً برای تمیز کردن اشیاء نقره‌ای کدر شده و براق کردن آنها استفاده میشود این ماده را نباید هرگز برای تمیز کردن اشیاء برنزی بکاربرد زیرا آنها را خراب کرده و باصطلاح «میخورد» . اگر مقدار کمی آمونیاک به آب گرم بیفزایند محلول بسیار مناسبی برای پاک کردن اشیاء شیشه‌ای و چینی بدست خواهد آمد و در خانه عمل اشیاء نامبرده کاملاً براق و صیقلی خواهند شد . از محلول آمونیاک برای زدودن قارچها و آلگها از مجسمه‌ها و اشیاء سنگی استفاده میکنند محلولهای غلیظ آمونیاک را نباید هرگز برای پاک کردن اجسام ورنی‌دار بکار برد زیرا آنها را بکلی خراب کرده و مختلط می‌نماید . در کارگاهها معمولاً محلول ده درصد آنرا تهیه کرده و در موارد لازم از آن استفاده می‌کنند .

اوراق چاپی و نقشه‌ها Imprimés - Prints - بطور کلی مرکبهای نقشه‌ها و اوراق چاپی در اثر آب محو نمیشوند و برای تمیز کردن این اوراق از يك قطعه نان یا خمیر استفاده کرده و پس از پاک شدن لکه‌ها بوسیله يك قلم موی خیس کاغذ مورد نظر را کاملاً تمیز میکنند این عمل باید روی يك ورقه شیشه‌ای انجام گیرد تا از چروک شدن کاغذ جلوگیری گردد . پس از خاتمه عمل آنرا بروی کاغذ خشک کن سفید و تمیزی منتقل کرده و تحت فشار کمی قرار میدهند . از بردن حاشیه‌های سفید اوراق چاپی و نقشه‌ها و باسمه‌ها باید جداً خودداری گردد چه این عمل بمقدار زیادی از ارزش آنها میکاهد .

آهن Fer - Iron - این عنصر که به فراوانی در اغلب نقاط یافت میشود از زمانهای خیلی قدیم توسط بشر شناخته شده و در حدود پانزده قرن قبل از میلاد آنرا برای ساختن اشیاء زینتی و ابزار و آلات مختلف بکار میبردند . این عنصر با سانی اکسیده میشود بهمین جهت قطعات آهن قدیمی فقط در سنگهای آسمانی که قسمت اعظم آنها از این ماده میباشد و از سیارات دیگر بزمین سقوط نموده‌اند دیده میشود . هوا و آب مشترکاً باعث پوسیدن و زنگ‌زدن قطعات آهن میگردد (زنگ آهن عبارت از اکسید قهوه‌ای رنگ آهن میباشد) متأسفانه تشکیل اکسید آهن (زنگ آهن) بروی خارجی جسم منحصرنشده و بتدریج تمام قطعه آهن اکسیدگشته و تبدیل به گرد قهوه‌ای مایل بقرمزی شده و میریزد و بهمین سبب احتمال خیلی کمی وجود دارد که در حفريات اشیاء آهنی نسبتاً سالمی که مدت‌ها زیر خاک مدفون بوده‌اند کشف گردد . برای پاک کردن اشیاء آهنی و فولادی که ظاهر نسبتاً خوبی داشته و مقاومت خود را حفظ کرده‌اند میتوان از کاغذ سمباده و کمی روغن استفاده کرد . برسهای سیمی را نیز میتوان برای زدودن زنگ اشیاء آهنی کم‌ارزش بکاربرد . پس از پاک کردن باید چربی بکاربرده شده را بوسیله حلال مناسبی تمیز کرد و برای جلوگیری از زنگ‌زدن مجدد سطح شیئی آهنی را به ورنی شفاف آغشت . و اگر شیئی مورد نظر بجای نهاده شدن درویرین مورد نیاز روزانه بوده و باصطلاح «دستکاری» خواهد شد بجای ورنی بهتر است سطح آنرا به وازلین آغشته نمایند . بهر حال چنانچه گفته شد در موقع پاک کردن اشیاء آهنی قدیمی باید در انتخاب روشهای نامبرده بالا منتهای احتیاط و دقت را مراعات نمود تا از خورد شدن شیئی آهنی که با احتمال زیاد قسمت اعظم مقاومت خود را از دست داده در نتیجه اعمال مکانیکی از قبیل تراشیدن بوسیله چاقو یا وارد کردن ضربات ملایمی با تیشه‌های ظریف جلوگیری گردد و این روشها را فقط میتوان در مواردی بکاربرد که زنگ آهن فقط يك لایه نازکی روی شیئی تشکیل داده و به داخل آن نفوذ نموده باشد . بهر حال پس از خاتمه عمل باید جسم را بوسیله ورنی یا استفاده از روغنهای معدنی مانند وازلین اثر فاسدکننده هوای



راست : پوسته پوسته شدن مجسمه سفالی در نتیجه تبلور نمکهای محلول چپ : نیام برنزی زرانودود بشکل اژدها پس از تعمیر

مرطوب حفظ کرد .

آئینه‌ها Miroirs - Mirrors - معمولاً نقره سطح پشتی آئینه‌های قدیمی بمرور زمان آسیب دیده و میریزد (در اصطلاح عوام بجای نقره میگویند جیوه آئینه ریخته است) البته ممکنست با روشهاییکه مرسوم است نقره سطح پشتی را تجدید کرد ولی این عمل بمقدار زیادی از ارزش تاریخی آئینه میکاهد بنابراین بهتر است شیشه اصلی را برداشته و بجای آن شیشه دیگری نصب کرد و در ضمن شیشه اصلی را نیز حفظ نمود تا در موارد لزوم بتوان آنرا بازدید کرد (این عمل در مورد آئینه‌هاییکه مورد استفاده روزانه میباشد مرسوم است) . باید در نظر داشت که ضخامت شیشه‌های قدیمی (قبل از قرن هیجدهم میلادی) کمتر از شیشه‌های فعلی است بنابراین لبه شیشه‌ای آئینه‌ها (قسمت اریب‌دار) دارای عرض بیشتر و ضخامت کمتری است . برای اندازه گرفتن ضخامت شیشه هر آئینه لبه سکه‌ای را روی آن قرارداده و فاصله میان لبه و تصویر آنرا در آئینه در نظر میگیرند این فاصله دوبرابر ضخامت شیشه آئینه میباشد . بعلاوه شیشه‌های قدیمی بعلت صاف نبودن تصاویر را کج و معوج نشان میدهند . دنباله دارد

عکاسی

دکتر هادی

وسایل کارگاه عکاسی

۱ - نور بی تأثیر . - چنانکه قبلاً نیز اشاره شد ، برای انجام اعمال ظهور و ثبوت کاغذهای حساس عکاسی ، دربالای میز کار بفاصله‌ی ۷۵ سانتی‌متری طشتک‌ها فانوسی آویزان یا بدیوار نصب میگردد که درداخل آن یک لامپ ۱۰ یا ۱۵ شمع روشن است و فیلتر مخصوصی در جلوی آن قرار دارد. بهترین فیلترها برنگ «زرد - سبز» است که بدون آزار چشم در کاغذها نیز اثری ندارد . نور قرمز یا نارنجی از طرفی اعصاب شخص را ناراحت میکند و از طرف دیگر عکس را تیره‌تر از آنچه که هست نشان میدهد .

۲ - طشتک‌ها . - در اندازه‌های مختلف ساخته میشود و برای راحتی کار لازم است همیشه از قطع کاغذیکه در آن قرار میگردد اندکی بزرگتر باشد . مثلاً در طشتکیکه ۲۴×۳۰ سانتی‌متر باشد با کاغذ ۱۸×۲۴ سانتی متر بسراحتی میتوان کار کرد .

طشتک‌ها از مواد مختلف ساخته میشود : نوع چینی بظاهر تمیزتر است ولی سنگین و شکننده بوده کار کردن با آن خالی از اشکال نیست . - لعابی‌ها بهتر و عملی‌تر است منتهی باید توجه داشت که جنس لعاب آن خیلی خوب باشد تا مواد شیمیائی در آن تأثیر نکند . - نوع دیگری از جنس فلز ضد زنگ ساخته میشود که بهترین انواع طشتک‌ها و در ضمن گرانترین آنها نیز میباشد . - بالاخره نوع پلاستیکی وجود دارد که نشکن ، ارزان ، با عمر طولانی و نگهداری آسان‌تر بر دیگران ترجیح دارد .

تعداد طشتک‌ها بهتر است چهار عدد باشد : برای ظهور - حمام توقف - ثبوت و شستشوی نهایی .

از آنجائیکه در طشتک ثبوت و آخرین شستشو مقدار بیشتری عکس جمع میشود لذا بهتر است دو طشتک اخیر بزرگتر باشد ؛ مخصوصاً برای شستشو هرچه بزرگتر بهتر .

۳ - گیره کاغذی (پنس) . - مواد شیمیائی محلول‌ها دستها را رنگ کرده و در بعضی جلدها که حساسیت دارد ناراحتی‌های مختلف از قبیل جوش و خارش و غیره ایجاد میکند. از طرف دیگر تماس انگشت‌ها با کاغذها گاهی لکه‌هایی بوجود می‌آورد و هر بار شستشوی دست باعث اذیت و آزار وقت میگردد .

از اینرو بهتر است از گیره‌های مخصوص استفاده کرد که حتماً یکی از آنها برای حمام ظهور و دیگری جهت ثبوت خواهد بود تا سبب آلودگی محلول‌ها نگردد .

پنس‌ها نیز از دو جنس فلز ضد زنگ و پلاستیک ساخته میشود.

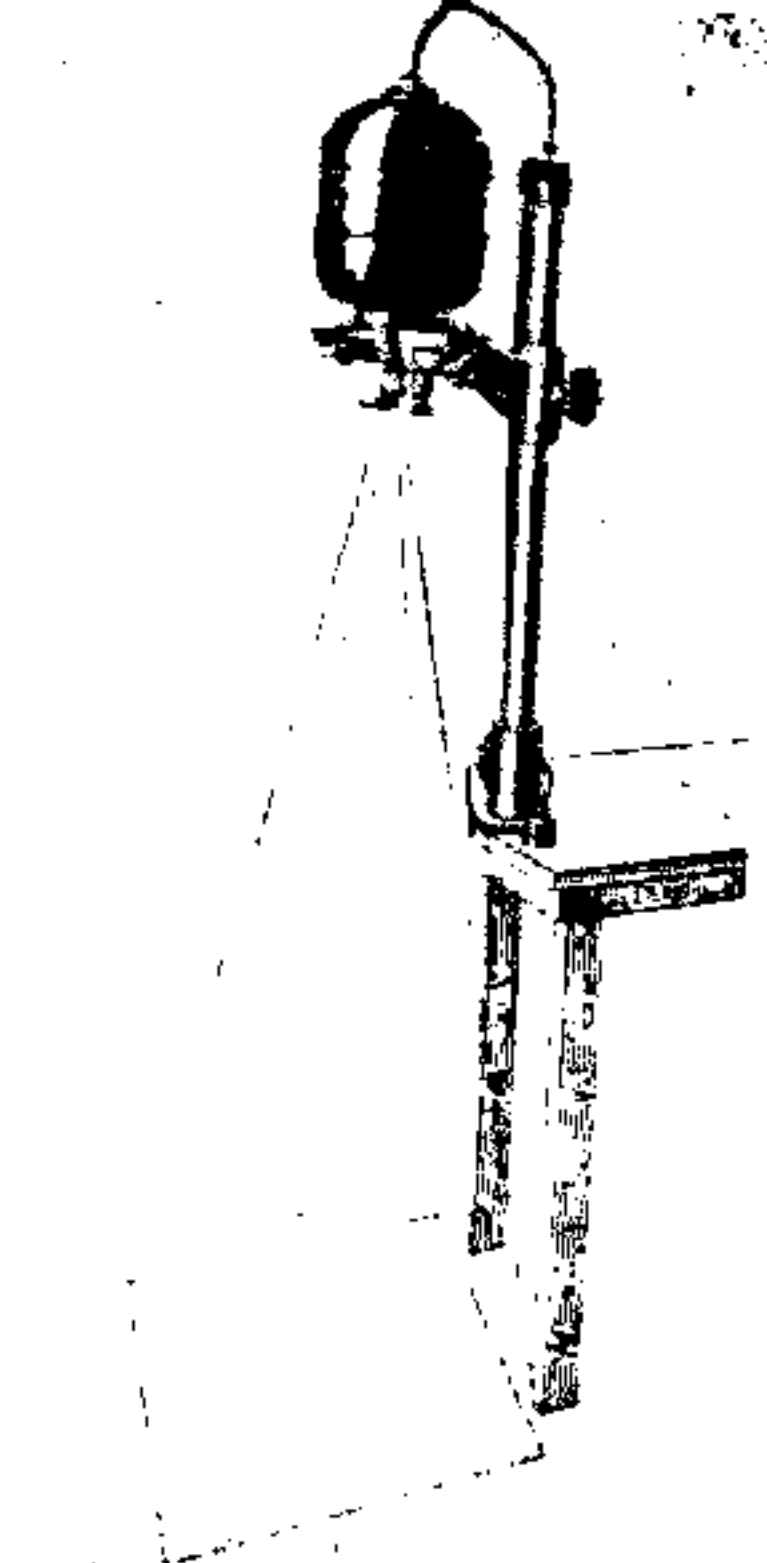
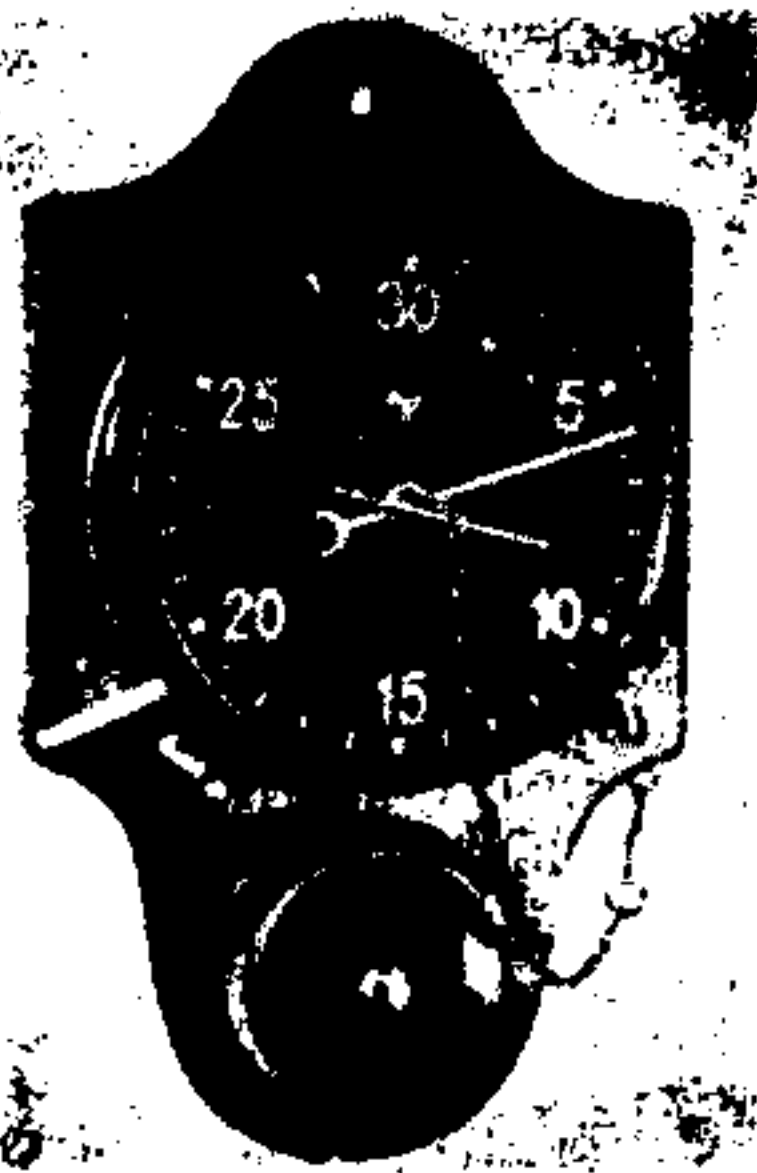
۴ - خشک‌کن برقی و صفحه‌ی فلزی برای برق دادن کاغذهای براق . - این دستگاه که در اندازه‌های مختلف ساخته میشود عبارت از جعبه‌یی است که در داخل آن سیم پیچی مخصوصی وجود دارد که با اتصال برق تا حد معینی گرم میشود و یک صفحه‌ی فلزی را که اندکی انحناء دارد گرم میکند . روی این صفحه را یک قطعه کرباس که در داخل کادر فلزی است و فنرهایی آنرا میگیرد با اندکی فشار میپوشاند.

عکس‌ها پس از اینکه کاملاً شسته شدند ابتداء روی قطعه‌یی کتان سفید که چندین بار شسته شده و آهار آن بکلی از بین رفته یک‌یک کنار هم دیگر گسترده میشود و یک قطعه کتان دیگر روی آنها پهن شده با فشار غلطک لاستیکی آیشان گرفته میشود. سپس بطوریکه پشت آنها بر روی صفحه‌ی فلزی خشک‌کن و خود عکس بطرف کرباس باشد کنار هم قرار میگیرد آنگاه کادریکه کرباس را دربر گرفته پایین آمده بسته میشود و تا خشک شدن عکس‌ها بهمان وضع باقی میماند .

اما کاغذهای براق بدون گرفتن آب از طرف تصویر بر روی صفحه‌ی فلزی مخصوص برق گذاشته شده کتان خشکی روی آنها کشیده میشود و با فشار ملایم غلطک لاستیکی بر روی صفحه‌ی فلزی میچسبد و هرچه آب و هوا هست از میان آندو خارج میگردد . آنگاه این صفحه روی دستگاه خشک‌کن قرار میگیرد و پارچه‌ی آن بسته میشود . کاغذها پس از خشک شدن، خود بخود از صفحه‌ی فلزی کنده میشود .

۵ - دستگاه برش دور عکس‌ها . - در اندازه‌های مختلف وجود دارد که بهتر است طول تیغه‌ی آن اقل از ۲۵ سانتی متر باشد.

۶ - گرماسنج (ترمومتر) . - در نظر باید داشت که متول و هیدروکینون در حرارت کمتر از ۱۸ درجه‌ی سانتی‌گراد قدرت عمل خود را از دست میدهد و در بالاتر از ۴۰ درجه‌ی سانتی‌گراد خراب میگردد. از این لحاظ در موقع ساختن محلول‌ها و همچنین هنگام ظهور لازم است با گرماسنج دقیق و مطمئن حرارت آنها اندازه‌گیری شود .



۱ - برای تهیه عکس‌های بزرگتر میتوان آگراندیسور را بطرف زمین یا دیوار برگرداند ۲ - دستگاه برش لبه عکس ۳ - ساعت دقیقه شمار زنگدار دیواری

* پیش از اقدام بعملیات آگراندیسمان دقت باید کرد تا دستگاه عاری از گردوغبار باشد؛ مخصوصاً شیشه‌ها و عدسی‌ها. اینکار بیش از چند دقیقه وقت نمیگیرد درحالیکه لکه‌گیری عکس‌ها ساعتها بطول میانجامد.

مهم‌تر از همه تمیز بودن فیلمهاست، کوچکترین خط و خراش و گردوغباری که بر آن باشد در روی عکس تبدیل بخطوط و نقاط بزرگی خواهد شد. بنابراین، قبل از قراردادن آنها در دستگاه، از تمیزی هر فیلم باید اطمینان کامل حاصل کرد. همچنین اجزایی که بر سطح زیری کندانساتر چسبیده باشد در روی تصاویر ظاهر خواهد شد.

واینک، آگراندیسمان

پس از اطمینان از حاضر بودن مقدمات امر، عملیات بترتیب زیر انجام میگیرد:

۱ - قراردادن فیلم در دستگاه - روی مات فیلم، یعنی طرفی که تصویر در آنجاست، همیشه بطرف پائین یعنی اثر کتیف خواهد بود.

در آگراندیسورهاییکه سطح زیرین عدسی کندانساتر بر روی فیلم تکیه میکند هر بار برای عوض کردن نکاتیف حتماً باید آنرا بلند کرد و پس از تعویض دوباره پائین آورد (این وضع فقط در بعضی از آگراندیسورهای ۳۵ میلی‌متری وجود دارد).

فیلم‌های ۳۵ میلی‌متری را، چنانکه قبلاً نیز گفته شده، بقطعات کوچکتر از ۶ تصویر نباید قسمت کرد زیرا در این مرحله از عملیات اشکال و ناراحتی ایجاد میکند.

۲ - تنظیم فاصله - اول اندازه‌ی عکس مورد نظر را بر روی دستگاه « کاغذگیر » (کاش) آماده کرده

۷ - ساعت مخصوص تاریکخانه - برای ظهور فیلم فقط در دست داشتن دقیقه‌ها کافی است ولی برای نور دادن عکس و ظهور آن ساعتی لازم است که ثانیه را بدقت و وضوح نشان دهد. از اینرو باید ساعتی انتخاب کرد که بتواند ثانیه‌ها و دقیقه‌ها را نشان دهد.

بعضی از ساعت‌ها که مخصوص نور دادن ساخته میشود به سیم دستگاه چاپ یا آگراندیسور وصل میگردد و با تنظیم آن برای زمان لازم در همان مدت برق را وصل و قطع میکنند.

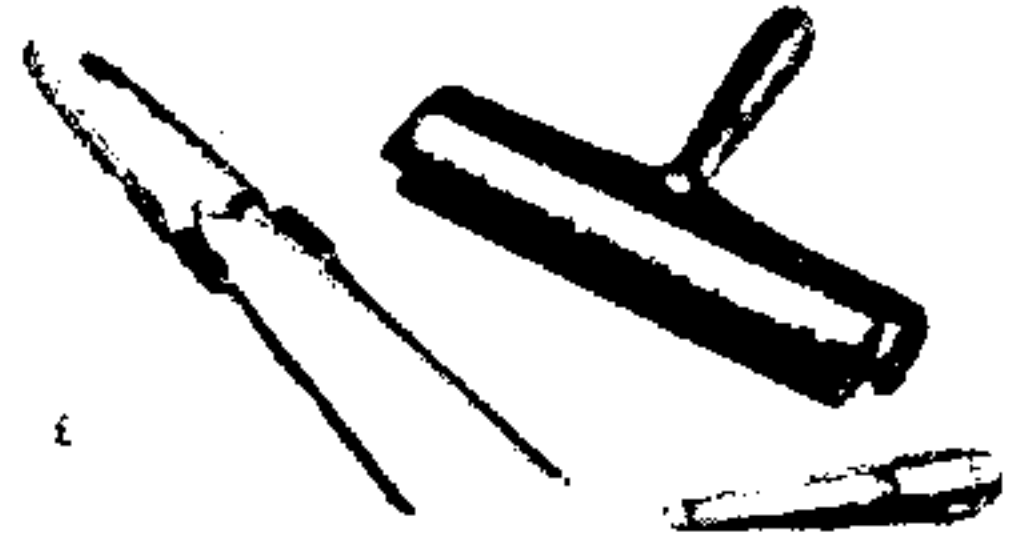
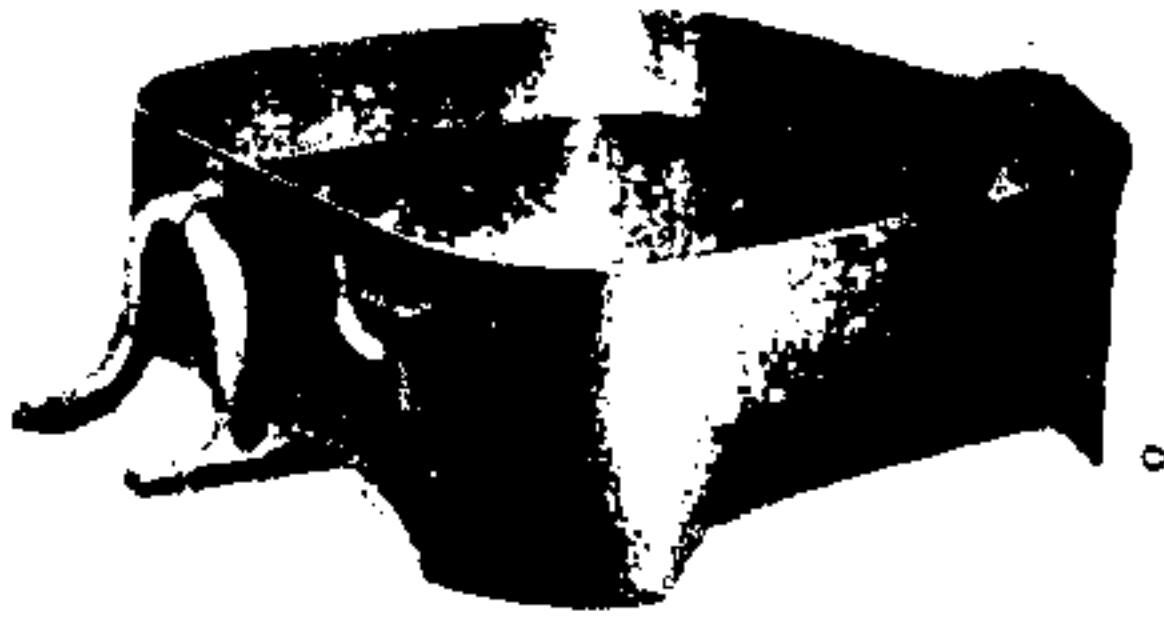
نکات قابل توجه:

* تاریخ مصرف - جعبه‌های کاغذهای حساس عکاسی، مانند فیلمها، دارای تاریخ مصرف معین. فقط بترتیب تهیه، شماره‌ی سری بآنها زده میشود.

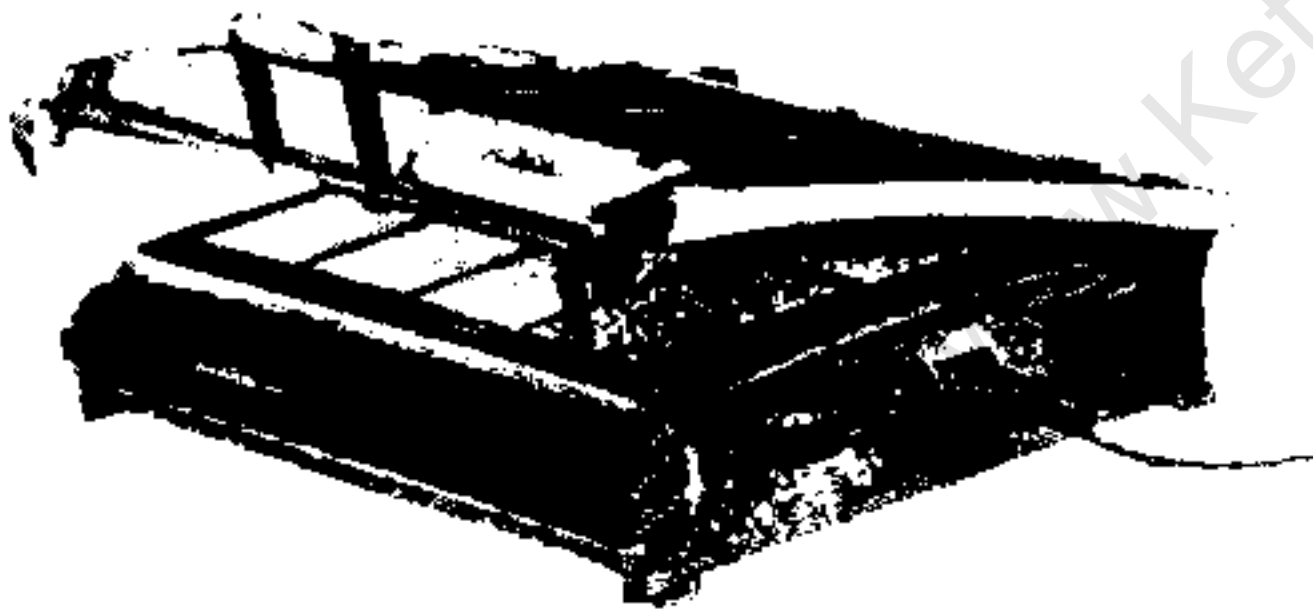
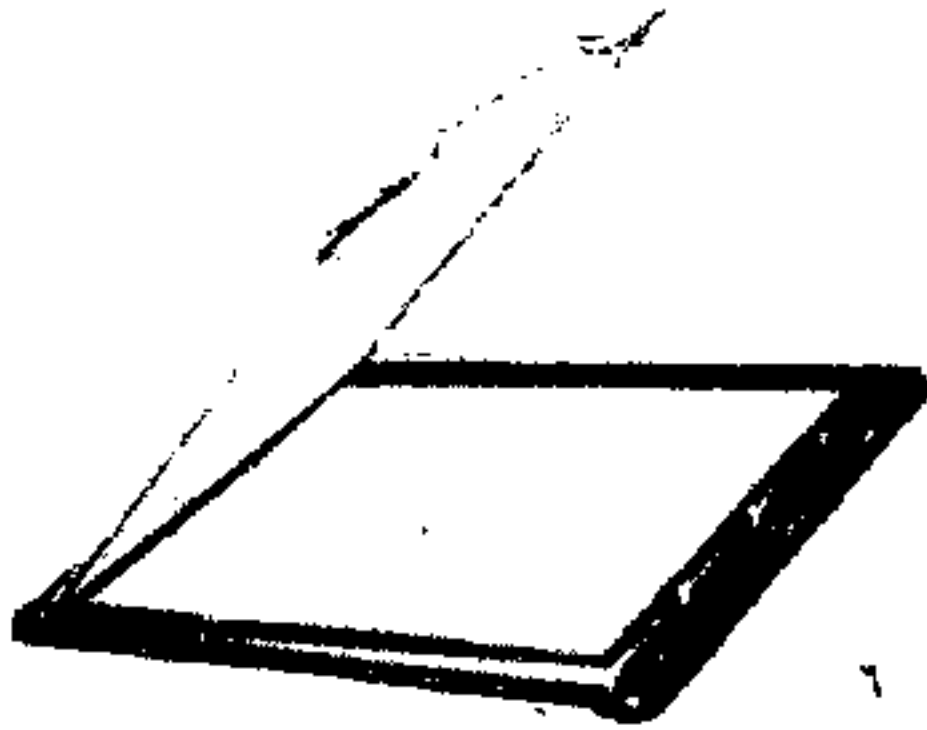
از حساسیت کاغذها بمرور زمان کاسته میشود و پس از گذشتن مدتی حتی با افزودن مواد « ضد خفگی » بمحلول ظهور نمیتوان آنها را با کاغذهای تازه مقایسه کرد.

کاغذهای عکاسی زودتر و آسان‌تر از فیلم رطوبت را جذب میکنند زیرا بسته‌بندی آنها مانند فیلمها نیست. گازهای مختلف نیز روی کاغذها اثر میگذارد.

* اختلاف حساسیت - گاهی مشاهده میشود که حساسیت يك کاغذ معین در بسته‌های مختلف اندکی فرق میکند. این، مربوط بساختمان ماده‌ی حساس آنهاست. تمام کاغذهاییکه دارای شماره سری واحدی است از لحاظ حساسیت باهم برابر بوده و با سری دیگر میتواند اختلاف داشته باشد. از اینرو بهتر است در موقع باز کردن بسته جدید بشماره‌ی سری آن توجه داشت.



۴ - گیره کاغذ - غلطک لاستیکی - آبنگیر فیلم - ۵ - حمام شستشوی عکس‌ها که در آن آب با فشار وارد شده و کاغذها را زیرورو میکند.
۶ و ۷ - خشک کن برقی و وسیله گرفتن آب عکس‌ها



سپس با بالا و پایین بردن آگراندیسور تصویر را بهمان اندازه درمی‌آوریم (در آگراندیسورهایی که خودکار نباشد در اینموقع تصویر محو است) و بکمک ابژکتیف - درحالی‌که دیافراگم آن کاملاً باز است - تصویر را واضح می‌سازیم و بالاخره دیافراگم را مقداری می‌بندیم (این مقدار باروشنی و تیرگی نگاتیف بستگی دارد و نسبت بآن زمان نوردادن نیز تغییر میکند).

۳ - نسبت به کمی یا زیادی کنتراست نگاتیف کاغذ مناسبی انتخاب و یکورق از آن را درزیر آگراندیسور قرار می‌دهیم و با قلع‌بندی کاغذ سیاه سه چهارم آنرا پوشانیده لامپ آگراندیسور را بمدت پنج ثانیه روشن می‌کنیم. پس از خاموش کردن کاغذ سیاه را تا نصف کاغذ عکس پایین آورده دوباره لامپ را بمدت پنج ثانیه روشن می‌کنیم، آنگاه کاغذ سیاه را تا یک چهارم پایین کشیده باز هم پنج ثانیه نور می‌دهیم. بالاخره کاغذ سیاه را برداشته لامپ را بمدت پنج ثانیه دیگر روشن می‌کنیم: باین ترتیب در یک ورق کاغذ چهار قسمت مختلف بوجود می‌آید که بترتیب پنج - ده - پانزده - بیست ثانیه نور خورده است.

این کاغذ را در درجه‌ی حرارت ثابت (۲۰ درجه‌ی سانتی‌گراد) بمدت یک دقیقه و نیم ظاهر و سپس شسته و ثابت می‌کنیم. حالا اگر این عکس را در روشنایی مورد مطالعه قرار دهیم در آن چهار قسمت مختلف بنظر می‌رسد که از روی آنها میتوان نور صحیح را بدقت اندازه‌بند و تعیین کرد و تصویر صحیح و خوبی بدست آورد.

تمام نگاتیف‌هایی که وضع مشابهی دارد با همان نور چاپ میشود و البته چنین آزمایشاتی فقط تا کسب تجربه‌ی کافی لازم است و بعدها، جز در آگراندیسمان‌های خیلی بزرگ، نیازی بدان نخواهد بود.

نورسنج‌های مخصوصی نیز برای اینکار ساخته شده که بادقت تمام میتواند نوع کاغذ و نور لازم را نشان دهد.

ظهور - برای ظاهر کردن کاغذهای آگراندیسمان از فرمولهای زیر میتوان استفاده کرد:
فرمول ۷۲ کدک

۳	متول	گرم
« ۴۵	سولفیت دوسود آنهیدر	«
« ۱۲	هییدروکینون	«
« ۶۷۵۰	کربنات دوسود آنهیدر	«
« ۲	برموردوپتاس	«
	برای یک لیتر آب	



۹



۸

۸ - چاپ آزمایشی که بوسیله آن تشخیص داده شده مدت نور صحیح بیست ثانیه است ۹ - این عکس با بیست ثانیه نور دادن چاپ شده است

مدت ظهور ، درحالیکه با گیره از یک گوشه آن گرفته اند ،
تکان میدهند .

پس از پایان مدت ظهور ، کاغذ در حمام توقف شستشوی
کوتهای (پانزده ثانیه) داده شده وارد حمام ثبوت میگردد
و مدت ده دقیقه در آن میماند . در اینجا نیز در تمام مدت لازم
است تکان داده شود تا کاملاً ثابت شود ولکدهایی در روی
آن ایجاد نگردد .

بالاخره چهل و پنج دقیقه در آب جاری شستشده و بطرزی
که توضیح داده شد خشک میشود .

برش لبه های تصاویر . -

لبه های عکس های خشک شده بوسیله ی دستگاه مخصوص
برش در کمال دقت بریده میشود ؛ عکس ها را بدون حاشیه ی
سفید و یا با حاشیه های سفید ۲-۳ میلی متری میتوان برید .
لکه گیری . -

بعضاً خطوط و نقاط سفیدی در روی عکسها دیده میشود
که اثر خط و خراش و گردوغبار فیلمهاست . این آثار بوسیله ی
رنگ مشکی مخصوصی که بدین منظور ساخته میشود بکمک
فرچدی مومی بسیار ظریف که مینیاتورسازها از آنها استفاده
میکند با حوصله و دقت تمام باید گرفته شود .
پایان قسمت اول

در موقع کار کردن از محلول فوقی به نسبت یک بر چهار
(۱+۴) با آب مخلوط باید کرد و در ۲۰ درجه سانتی گراد
بمدت یک دقیقه ونیم عمل نمود .

فرمول ۱۳۰ آگفا

متول	۲/۲	گرم
سولفیت دوسود آنهیدر	۵۰	«
هیدروکینون	۱۱	«
کربنات دوسود آنهیدر	۷۸	«
گلیسین	۱۱	«
برمور دوپتاس	۵/۵	«

برای یک لیتر آب

این محلول به نسبت یک بیک (۱+۱) با آب مخلوط
میشود و مدت ظهور در آن (۲-۳) دقیقه است .

دقت !

محلولها باید همیشه تازه بوده و در طشتکها بمقدار
کافی باشد تا بتواند رنگ کاغذها را صحیح ظاهر کند و همه جای
آنها یکنواخت باشد .

کاغذ را ابتداء طوری وارد محلول میکنند که طرف
حساس آن رو بزیر باشد ، بلافاصله برگردانیده و در تمام

خوانندگان

چند کتابخانه دیگر - دوست عزیز آقای سیدهادی خسروشاهی از حوزه علمی قم ما را مورد تشویق قرار داده‌اند و ضمناً تذکر داده‌اند که در شهر قم علاوه بر دو کتابخانه آستان مقدس و مدرسه حجتیه که در مقاله «فهرست کتابخانه‌های ایران» در شماره ۴۰۰۰۰ چهارم هنر و مردم درج شده است کتابخانه‌های زیر نیز وجود دارد: کتابخانه صاحب‌الامر با ۴۰۰۰۰ جلد کتاب، کتابخانه مدرسه فیضیه با ۱۵۰۰۰ جلد کتاب، کتابخانه مسجد اعظم با ۱۵۰۰۰ جلد کتاب، کتابخانه مدرسه آیت‌الله نجفی مرعشی با ۶۰۰۰ جلد کتاب و کتابخانه عمومی مجله ماهانه مکتب اسلام با ۵۰۰ جلد کتاب. ایشان همچنین متذکر گردیده‌اند که دیگر مدرسه‌های دینی شهر قم نیز هر کدام متناسب کتابخانه‌هایی دارند که در حد خود قابل توجه است.

شعری از یک دوست - آقای احمد امینی خواننده گرامی ما با سرودن قطعه شعری که در زیر چند بیت آن را می‌آوریم «هنر و مردم» را چنین مورد عنایت قرار داده‌اند:

مجله هنر و مردم اندرین کشور	چو قلزمی است پراز در و لؤلؤ و گوهر
برون تمام پراز نقش‌های رنگارنگ	درون تمام پراز گفته‌های چون شکر
درود باد بدین فکر و ابتکار بدیع	سلام باد بگرد آوران نیک اختر

نخستین کتاب چاپ شده در ایران - آقای لئون میناسیان رئیس موزه آرامنه جلفا ضمن نامه محبت‌آمیزی که بعنوان این مجله فرستاده‌اند ضمن اشاره به مقالاتی که در شماره مخصوص هفته کتاب هنر و مردم درج شده بود چنین می‌نویسند:

«اولین کتابی که در ایران و خاورمیانه چاپ شده است کتابی است بزبان ارمنی که در تاریخ ۱۶۴۱ میلادی با کوشش‌های خلیفه خاچاتور گیسارازی در کلیسای وانک جلفای اصفهان بچاپ رسیده است. این چاپخانه با تمام وسایل خود از لحاظ حروف، کاغذ، ماشین چاپ و غیره با سعی روحانیان کلیسای وانک تهیه شده است که بعد از دوسه سال کار خستگی‌ناپذیر خود اولین کتاب را تحت عنوان «سرگذشت پدران روحانی» (هارانس وارک) بچاپ رسانده‌اند.

مضمون «هارانس وارک» شرح حال زندگانی پدران روحانی عیسوی میباشد که شامل ۷۰۵ صفحه است صفحات آن با حروف الفبای ارمنی شماره‌گذاری شده است و دارای سطح متوسط در حدود ۲۵۰۵×۱۸۰۵×۸۰ سانتیمتر و دارای دوستون میباشد.

این کتاب فاقد صفحه اول و عنوان کتاب میباشد و با فهرست و مقدمه شروع میشود و پس از آن اصل کتاب با یک تزئینات نیم صفحه‌ای شروع میشود، در تاریخ ۱۶۴۱ در آن چاپخانه کتاب

دیگری نیز باسم کتاب نماز خاص «خورهداتدر» (Khorherdatetr) بچاپ میرسد که دارای ۴۸ صفحه است .

خلیفه خاجاطور متوجه میشود که با وسائل عادی خود نمیتواند چاپ زیبا داشته باشد لذا یکی از خلیفه‌های شاگرد خود را باسم خلیفه هوانس باروپا میفرستد تا از نزدیک با کار و روش چاپ آشنا شود . قبل از عزیمت خلیفه هوانس در تاریخ ۱۶۴۲ کتاب دیگری باسم «کتاب مراسم کلیسیا» (ژاماگیرک) بچاپ میرسد .

خلیفه هوانس پنج شش سال در اروپا میماند و در سال ۱۶۴۴ در شهر لیورنو کتاب زبور داوود را بچاپ میرساند و برای معلم خود خاجاطور میفرستد ولی در هنگام بازگشت خلیفه هوانس معلم او دنیای فانی را وداع میگوید .

خلیفه اوانس هنگامی که به جلفای اصفهان باز میگردد به همراه خود یک ماشین چاپ و حروف جدید میآورد و در تاریخ ۱۶۵۰ چاپ مقدس (عهد قدیم و عهد جدید) را شروع میکند که بعلت وجود اختلافات محلی ناتمام میماند و خود او نیز از جلفا عزیمت مینماید .

چاپخانه کلیسیا بعد از تعطیل طولانی در تاریخ ۸۸ - ۱۶۸۷ شروع بکار میکند و سه کتاب بچاپ میرسد و دوباره تعطیل میشود تا در تاریخ ۱۸۴۴ مانوک هوردنانیان جلفائی که در جاوه سکونت داشت یک ماشین چاپ جدید که با وسایل چاپی روزآمدگی داشت به کلیسیای وانک هدیه میکند ولی بعلت نبودن شخصی که این دستگاه را بکار بیندازد بدون استفاده میماند . این ماشین بار دیگر در تاریخ ۱۸۷۷ بکار میافتد و بعداً بانبار منتقل میشود .

در تاریخ ۱۹۰۴ هوسپ تومانیان از اهالی شهر باکو ماشین چاپ دیگری بکلیسیا هدیه میکند که تا امروز مشغول بکار است .

از تاریخ ۱۶۴۱ تا ۱۹۶۶ طی ۳۲۵ سال در چاپخانه کلیسیای وانک علاوه بر تقویم و گزارشهای مؤسسات ملی و آگهی‌های مذهبی و غیره در حدود ۲۵۰ جلد کتاب مختلف نیز بچاپ رسیده است .

پاسخ‌های کوتاه

آقای جلیل - عطاردی - عکس تابلوی مشبك کاری قشنگی را که بالهام از لویج انقلابی شاهنشاه آریامهر تهیه کرده‌اید دریافت داشتیم . متأسفانه چاپ عکس مذکور بععل فنی میسر نگردید . آقای احمد - براهنی - از حسن توجه سرکار سپاسگزاریم . متأسفانه شماره‌های مورد بحث را نداریم .

آقای حسن - مهندی - برای این کار میتوانید بکلاس خوشنویسی وابسته بوزارت فرهنگ و هنر مراجعه نمائید . موفقیت شما را خواهانیم .

که بر این همزمان است و هزار
بین این استمان یونی بویشا

که در کل بود در این استمان یونی
از این استمان یونی بویشا

که در این استمان یونی بویشا
از این استمان یونی بویشا

که در این استمان یونی بویشا
از این استمان یونی بویشا

اشعار از: مشهوری

که در این استمان یونی بویشا
از این استمان یونی بویشا

که در این استمان یونی بویشا
از این استمان یونی بویشا

برای تهیه شماره‌های مختلف مجله
هنر و مردم لطفاً در تهران به نقاط زیر
مراجعه فرمایند:

شعبه‌های کتابخانه امیر کبیر

گالری بورگر

خیابان ثریا چهارراه ویلا

کتابخانه جردن

خیابان اسلامبول ساختمان پلاسکو

کتابخانه چهر

روبروی دانشگاه

کتابخانه سنائی (شماره ۱)

خیابان شادآباد

کتابخانه سنائی (شماره ۲)

خیابان آذر روبروی دادگستری

دفتر مجله هنر و مردم

خیابان حقوقی شماره ۱۸۲

www.KetabFarsi.com